



مادنامه آموزشی، تحلیلی و
اطلاع رسانی

مجله

رشد

ماه نامه
آموزشی، تحلیلی و اطلاع رسانی
دوره سی ام
مهر ماه ۱۳۹۰
شماره بی دربی ۲۵۹

چشم انداز / ۲

تهنیت / ۳

راه های نرفته / نصرالله دادار / ۴

پرویز شهریاری / اسفندیار معتمدی / ۸

وقتی که عدالت قربانی کینه ها می شود / محمد حسن مکارم / ۱۰

آموزش و پرورش و اقتصاد / محمد ابراهیم نژاد / ۱۲

دو قورباغه / معصومه خیرآبادی / ۱۵

آموزش و پرورش ترکیه / مهرو اشجع مهدوی / ۱۶

مدرسه های اسلام گرایان در ترکیه / ۱۸

واژه های آشنا / ۲۰

بر بام ایران / ویژنامه استان چهارمحال و بختیاری / ۲۱-۲۸

جریان های اقیانوسی / حسن پستا / ۳۰

تدریس اندیشه ورزانه / محمد احمدوند / ۳۴

پله اول یادگیری / معصومه خیرآبادی / ۳۷

گوناگون / ۴۰

کتاب های شما، وبلاگ های شما / ۴۲

آرایشگری به سبک آرایشگران / منصوره متولی / ۴۴

تکیه کلام / علی فرخ مهر / ۴۵

مدرسه امروز، قطعه ای از بهشت / علی کفشگر / ۴۶

جایزه من را بدهید / علی اکبر ارشادی / ۴۷

ارزیابی شما از مجله / ۴۸

مدیر مسئول: محمد ناصری

سر دبیر: جعفر ربانی

شورای برنامه ریزی و کارشناسی:

اسفندیار معتمدی، سعید قریشی، سید امیررون، محمد هادی نهاوندیان

مدیر داخلی: کبری محمودی

طراح گرافیک: حسین نوروزی

نشانی پستی دفتر مجله:

تهران - صندوق پستی ۱۵۸۷۵-۶۵۸۶ تلفن: ۸۸۴۹۰۲۲۹ - ۰۲۱

نشانی پستی امور مشترکین: تهران - صندوق پستی ۱۶۵۹۵/۱۱۱

تلفن: ۷۷۳۳۶۱۰۶ - ۷۷۳۳۵۱۱۰

وبگاه: www.roshdmag.ir

رایانامه: moallem@Roshdmag.ir

تلفن پیام گیر نشریات رشد: ۸۸۳۹۳۳۲ - ۸۸۳۰۱۴۸۲ - ۰۲۱

کد مدیر مسئول: ۱۰۲ کد امور مشترکین: ۱۱۴

شمارگان: ۴۸۰۰۰ نسخه

چاپ: شرکت افست (سهامی عام)



وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی
دفتر انتشارات مجله رشد

اثر آرسالی برای درج در مجله
با ویژگی های زیر قابل بررسی است:

فایل نهج
نویسندگان مجتهد

- قبلاً جای دیگری چاپ نشده باشد.
- دارای چکیده و منبع باشد.
- ترجمه ها، هم خوان و همراه با متن اصلی باشد.
- از نظر موضوع، نو و کاربردی باشد و قابلیت تعمیم در مدرسه را داشته باشد.
- خوانا، روان و از نظر دستور زبان فارسی درست باشد.
- در کاغذ A۴ و یک روی کاغذ نوشته شود.
- مقاله ها حتی الامکان دارای جدول، نمودار و عکس مناسب باشد.
- مجله در قبول، رد و ویرایش و انتخاب و انتشار رسیده / آزاد است.
- آثار آرسالی بازگرفته نمی شود.

رشد معلم

رنگی و مصوّر از مجموعه «دوستت دارم ایران»، فرستادیم.

۲. امسال در مجله تغییراتی داده‌ایم که به تدریج ملاحظه خواهید کرد. از جمله، تهیه ویژه‌نامه‌ای در هر شماره، برای آموزش و پرورش یکی از استان‌های کشور است که نمونه آن را هم‌اکنون در وسط مجله ملاحظه می‌کنید: استان چهارمحال و بختیاری. این ویژه‌نامه‌ها که به پیشنهاد مجله و با همکاری مسئولان امر در استان تهیه می‌شود گامی است در معرفی بیشتر و بهتر بخش‌هایی از کشورمان. شماره بعدی به استان زنجان اختصاص خواهد داشت و شماره بعد به؟

۳. تولید بخش ویژه‌ای برای آموزش معلمان به درخواست «دفتر آموزش و ارتقای مهارت‌های حرفه‌ای» نیز از کارهای امسال است. سال گذشته این کار را در یک شماره (۴) تجربه کردیم که عنوان آن «روابط انسانی در آموزش و پرورش» بود. امسال نیز قرار است در دو شماره ۲ و ۴ (آبان‌ماه و دی‌ماه) دو بخش با عنوان‌های «حقوق اداری و اجتماعی معلمان» و «جهانی شدن و آموزش و پرورش»، داشته باشیم تا علاوه بر استفاده عمومی از مطالب آن‌ها، داوطلبان شرکت در آزمون‌های ارتقا، از آن‌ها به عنوان «متن آزمون» استفاده کنند. در همین زمینه، مجلات رشد آموزش ابتدایی، راهنمایی تحصیلی، تکنولوژی آموزشی و مدرسه

مجلات عمومی رشد که رشد معلم هم از آن جمله است، تابستان را هم چون شما معلمان و دانش‌آموزانتان به محاق تعطیلات می‌روند؛ با این تفاوت که دست اندکاران تولید مجلات، سردبیر و مدیر داخلی و هیئت تحریریه و گرافیک و... خود از این تعطیلات بی‌بهره‌اند؛ چرا که باید سه ماه تابستان را در تدارک تهیه برنامه سال بعد و اجرای آن، حداقل برای دو شماره، باشند تا بتوانند مجله را در وقت مقرر به شما برسانند. ناگفته نگذاریم که پیشنهاد چاپ مجله ویژه تابستان را هم کمابیش از سوی شما دریافت کرده‌ایم، ولی هنوز به تحقق آن توفیق نیافته‌ایم. به هر روی، با سلامی دوباره، آغاز سال تحصیلی جدید (۹۱-۹۰) را به شما تبریک می‌گوییم و برایتان سال خوب و پرباری را آرزو می‌کنیم. اکنون چشم‌انداز یکساله مجله را به روی دیدگان شما می‌گشاییم و امیدواریم بتوانیم تا پایان سال، شما را در جمع مخاطبان خود داشته باشیم.

۴. سخن گفتن از چشم‌انداز، بی‌نگاه به پشت سر کامل نیست. لذا در همین حد می‌گوییم که نگاه غالب خوانندگان نسبت به کم و کیف مجله رشد معلم را در جمع‌بندی برگ‌های ارزش‌یابی که ارسال کرده‌اند، در صفحه پایانی همین شماره آورده‌ایم. ضمن تشکر از کسانی که در ارزش‌یابی مجله شرکت کردند، یادآور می‌شویم که برای یکایک آن‌ها، یک جلد کتاب تمام

گل شاخ احسان

۱۱ ذیقعه سالروز ولادت حضرت ثامن الحجج
علی بن موسی الرضا (ع) را به معلمان عزیز و دیگر خوانندگان
گرامی تبریک می‌گوییم.

سلام علی آل طه و یاسین
سلام علی آل خیر النبیین

سلام علی روضه حلّ فیها
امام یباهی به الملک و الدین

امام به حق شاه مطلق که آمد
حریم درش قبله گاه سلاطین

شه کاخ عرفان، گل شاخ احسان
در درج امکان، مه برج تمکین

علی بن موسی الرضا، کز خدایش
رضا شد لقب، چون رضا بودش آیین

ز فضل و شرف بینی او را جهانی
اگر نبود تیره چشم جهان بین

پی عطر روبند حوران جنت
غبار دیارش به گیسوی مشکین

اگر خواهی آری به کف دامن او
برو دامن از هر چه جز اوست برچین

چو «جامی» چشد لذت تیغ مهرش
چه غم گر مخالف کشد خنجر کین

عبدالرحمن جامی (۸۹۷-۸۱۷ ه.ق)

فردا هم بخش‌های دیگری را تولید خواهند کرد که لابد اطلاعات
راجع به آن را در هر مجله خواهید خواند.

۴۹. در سال جاری، به چاپ عکس معلمان موفق نیز، در هر
شماره ۱۲ نفر، ادامه خواهیم داد. البته رویکرد امسال مجله بیشتر
بر معرفی معلمان نمونه کشوری سال تحصیلی قبل متمرکز است.

۵۰. تابستان گذشته، در تدارک تولید این شماره بودیم که از
طرف مدیر مسئول مجله پیشنهاد شد، با توجه به سی‌امین
سال شهادت چند تن از خدمت‌گزاران بزرگ آموزش و پرورش قبل
و بعد از انقلاب و در رأس آن‌ها شهید دکتر بهشتی و شهید باهنر،
ویژنامه‌ای برای آنان تهیه شود. این کار را پذیرفتیم و در تلاشی
فشرده، آن مجله را با محتوایی شامل مصاحبه، گزارش، مقاله،
خاطره، شعر و... تهیه کردیم که در شهریورماه منتشر شد. آن ویژه‌نامه
چون خارج از روال عادی مجله و با شمارگان کمتری تولید شد،
در چرخه توزیع مجلات رشد قرار نگرفت و می‌دانیم که عموم
خوانندگان به آن دسترسی نیافتند. باین حال، اگر نمایندگان توزیع
در استان‌ها آن را به هر تعداد درخواست کنند، پس از جمع‌آوری و
چاپ، بر ایشان ارسال خواهد شد.

گفت
وگو

گفت وگو: نصرالله دادار

«... ما راه‌های نرفته زیادی برای جذب دانش‌آموزان به قرآن کریم داریم. آموزش قرآن باید به «توانایی خواندن»، «درک معانی آیات ساده و پرکاربرد» و «انس با قرآن» ختم شود. متأسفانه حرف‌های برنامه‌ریزان درسی به گوش معلمان نمی‌رسد. زیرا در اکثر موارد، دوره‌های آموزش ضمن خدمت به طور ناقص برگزار می‌شود. این دوره‌ها فقط برای افزایش توان علمی معلمان نیست، بلکه بیشتر به منظور تقویت مهارت معلمان در روش‌های تدریس است...»

مطالب بالا بخشی از اظهارات آقای مسعود وکیل، کارشناس مسئول گروه قرآن دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی در سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، در گفت‌وگو با مجله رشد معلم است. آقای وکیل دارای مدرک کارشناسی مهندسی صنایع از دانشگاه صنعتی شریف، مدرک کارشناسی ارشد در رشته جامعه‌شناسی، تحصیلات حوزوی تا اواخر دوره سطح و نویسنده ۹ جلد کتاب در زمینه مفاهیم آموزش قرآن است و بیش از ۲۵ سال هم سابقه خدمت در آموزش و پرورش دارد. مشروح گفت‌وگو با ایشان را در ادامه می‌خوانیم.

راه‌های نرفته

گفت‌وگویی با
کارشناس مسئول گروه قرآن
دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کمک درسی

● جایگاه آموزش قرآن در نظام آموزش و پرورش کشور کجاست؟

○ آموزش قرآن همیشه (هم قبل و هم بعد از پیروزی انقلاب) به عنوان یک ماده آموزشی در نظام آموزش و پرورش مورد توجه دست‌اندرکاران بوده است و این به دلیل انتظاراتی است که در خارج از محیط آموزش و پرورش وجود دارد و مردم مطالبه می‌کنند تا آموزش و پرورش بتواند فرزندان‌شان را در فهم قرآن کریم توانا کند. آموزش قرآن آن قدر اهمیت دارد که یکی از وظایف مهم حضرت رسول اکرم (ص) در دومین آیه سوره جمعه، تلاوت آیات و تعلیم قرآن کریم تعیین شده است. «یتلوا علیهم آیاته و...»

بدون شک بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، آموزش قرآن جایگاه وسیع‌تر و عمیق‌تری در مدارس کشور پیدا کرده و به دلیل اهمیت این موضوع، تا کنون چهار بار تغییراتی در برنامه آموزش قرآن ایجاد شده است. در برنامه‌ریزی اخیر سعی شده است همه چارچوب‌هایی که برای برنامه آموزشی یک درس مطرح است، در آموزش قرآن هم لحاظ شود. ذکر این نکته را ضروری می‌دانم که در برنامه درسی ملی که مراحل پایانی تصویب خود را می‌گذراند، به قرآن کریم بیش از «یک ماده درسی» توجه شده است. یعنی تلاش

مسعود وکیل



■ در کتابهای «دین و زندگی» عنایت ویژه‌ای به تدبیر در قرآن شده است

این روش با روش قبلی که معلم روخوانی می‌کرد و بعد بچه‌ها تکرار می‌کردند، بسیار متفاوت است.

● اهداف آموزش قرآن در سایر دوره‌های تحصیلی چیست؟
○ به نظر من، آموزش قرآن باید به «توانایی خواندن»، «درک معانی آیات ساده و کاربردی» و «انس با قرآن» ختم شود. این‌ها سه محور اساسی هستند که ما باید به آن‌ها توجه کنیم.

هر چند که آموزش قرآن در دوره ابتدایی بر روخوانی تأکید دارد، ولی به سایر امور نیز، در حاشیه خواندن، می‌پردازد.

در دوره راهنمایی، علاوه بر آموزش خواندن، به درک مفاهیم قرآن توجه خاصی می‌شود.

در دوره متوسطه، بحث آموزش خواندن قرآن و درک مفاهیم مطرح است، و در کنار آن‌ها، وارد تدبیر در آیات و شرح و تفسیر معارف قرآنی می‌شویم؛ به خصوص در کتاب‌های «دین و زندگی» عنایت ویژه‌ای به تدبیر در قرآن شده است.

● منظور شما از «انس با قرآن» چیست؟ این اصطلاح از کجا آمده است؟

○ در متون اسلامی هست که انسان به دنبال مونس واقعی خود می‌گردد و به فرمایش امام سجاده (ع)، چه مونس برای انسان بهتر از قرآن است؟

اشاره کردم که آموزش قرآن باید پر بار باشد و اصل بر این است که قرآن آموزش داده شود تا به صورت مستمر خوانده شود. در موضوع انس با قرآن کریم هیچ خبری در هیچ سطحی نمی‌تواند جانشین خواندن مستمر قرآن شود. ما باید در تربیت دینی خود بیاموزیم که هر روز قرآن بخوانیم. منظور از انس با قرآن، خواندن مستمر و همراه با درک معانی آیات قرآنی است.

توجه به این موضوع (انس با قرآن)، تا کنون در داخل و خارج آموزش و پرورش مغفول بوده است و ما نیز در فرایند آموزش به

پیام‌های قرآنی به ظاهر در بچه‌های کوچکی به دنیای عظیم درک مفاهیم قرآنی‌اند، ولی قابل توجه و مهم هستند و بچه‌ها را به تدریج با مضامین و آموزه‌های قرآنی آشنا می‌کنند. در برنامه جدید آموزش قرآن، ضمن توجه به خواندن قرآن، بر درک معانی آیات نیز تأکید شده است؛ البته در هر دوره تحصیلی یکی از این اهداف در محور قرار دارد و سایر اهداف در جانب آن. آموزش معنادار دو جهت دارد. از یک جهت، دانش‌آموزان با خواندن آیه‌ای از قرآن، مفهوم آن را درک می‌کنند و از جهت دیگر، در این آموزش، به یک غایت و هدف مشخص دست می‌یابند.

● چه روش‌هایی برای آموزش قرآن در مدارس به کار گرفته می‌شود؟ آیا هنوز هم رویکرد غالب آموزش قرآن، شیوه حفظ کردن است؟

○ آموزش قرآن کریم در مدارس ابتدایی، بر ۱. روخوانی و روان‌خوانی و ۲. یادگیری پیام‌های قرآنی، استوار است. این دو کار، محورهای اساسی آموزش قرآن در مدارس ابتدایی است. براساس این دو محور، روش آموزش ما، روش فعال یا دانش‌آموز محور است. در کتاب‌های درسی جدید، دیگر از روش‌های قدیمی (حفظ کردن آیات) استفاده نمی‌شود.

ما در حد آموزش روخوانی قرآن، به ویژه در کلاس اول ابتدایی، حروف و حرکات یا صامت‌ها و مصوت‌ها را به بچه‌ها یاد نمی‌دهیم؛ و این در واقع یک روش جدید است، زیرا آموزش روخوانی قرآن در پایه اول، بر سواد آموزی فارسی مبتنی است که در درس فارسی اتفاق می‌افتد.

در پایه اول دبستان، روخوانی قرآن حدود دی و بهمن ماه شروع می‌شود؛ یعنی زمانی که بچه‌ها حروف فارسی را یاد گرفته‌اند و بدون آن که معلم کلمه یا عبارتی از عبارات قرآنی را بخواند، خودشان عباراتی از قرآن را روخوانی می‌کنند.

بر این است که آموزه‌های قرآن به شکلی در کل برنامه‌های درسی و در روح نظام تربیتی ما ورود و وحی رسوخ پیدا کند.

● ساحت‌های گوناگون و متفاوت آموزش قرآن در مدارس کشور چیست؟

○ اشاره کردم که آموزش قرآن در مدارس کشور، خیلی متأثر از حال و هوای آموزش قرآن در «جامعه» است و برعکس. حتی به نظر من، برخی از ساحت‌ها و ابعاد گوناگون آموزش قرآن کریم در مدارس، بیشتر مورد توجه قرار گرفته است و همین امر بر آموزش قرآن در در خارج از آموزش و پرورش تأثیر گذاشته است. آموزش درک معنای عبارات و آیات قرآن در سطح گسترده جامعه ما، از آموزش و پرورش شروع شده است. دانش‌آموزان وقتی روخوانی قرآن کریم را آموختند، باید در کنار توسعه مهارت روان‌خوانی، به تدریج آموزش درک معنای عبارات و آیات ساده و پرکاربرد قرآن کریم را آغاز کنند.

ساحت یا بعد دیگر آموزش قرآن، پیام‌های قرآنی است. این پیام‌های کوتاه و حکیمانه قرآن کریم، عمدتاً بر آموزش و یادگیری مسائل اخلاقی، تربیتی، اجتماعی و اعتقادی تأکید دارند. بر اساس برنامه درسی جدید که از سال تحصیلی ۷۷-۷۸ آغاز شده است، در دوره ابتدایی، تقریباً در هر درسی، یک پیام قرآنی آمده است که به بچه‌ها آموزش داده می‌شود. پیام‌های قرآنی همان عبارات حکمت‌آموز قرآن کریم است که در سال‌های اول پس از پیروزی انقلاب اسلامی در مدارس به شعار هفته معروف بود. دانش‌آموزان در این بخش از آموزش قرآن، با معنای برخی از کلمات ساده آشنا می‌شوند و تصویری همراه با این پیام قرآنی را رویست و در باره آن گفت‌وگو می‌کنند و دریافت‌های خود را از آن تصویر، با هم در میان می‌گذارند و نتیجه آن را در کلاس برای دوستان خود مطرح می‌کنند. به نظر ما، این

■ در برنامه درسی ملی که مراحل پایانی تصویب خود را می‌گذراند، به قرآن کریم بیش از یک ماده درسی توجه شده است

■ انس با قرآن، به این معنی است که خواندن و درک تدریجی معنای آیات قرآن، به خواندن مستمر و مدبرانه قرآن منجر شود.

طور جدی به آن نمی‌پردازیم. به نظر من، انس با قرآن، به این معنی است که آموزش مهارت‌های اولیه و پایه، یعنی خواندن و درک تدریجی معنای آیات قرآن، به خواندن مستمر و مدبرانه قرآن منجر شود.

● آیا موضوع «انس با قرآن» تاکنون در داخل و خارج از آموزش و پرورش، علاوه بر خواندن مستمر، بر رفتار و اعمال دانش‌آموزان نیز تأثیر دارد؟

○ این همان هدفی است که نظام تربیتی و نظام اجتماعی ما به دنبال آن است. در واقع درس قرآن نیز مانند سایر دروس بر اساس این هدفی که شما اشاره کردید، تنظیم شده است. به عبارت دیگر، هر درسی یک وظیفه عمومی دارد و یک وظیفه اختصاصی.

هدفی که شما اشاره کردید، وظیفه عمومی درس قرآن و سایر دروس است. ما به علت محدودیت زمانی، نمی‌توانیم این هدف را جزو هدف‌های خاص آموزش قرآن قرار دهیم. بلکه این هدف در دروس دیگر نیز مانند دینی، فارسی و عربی، جزو وظایف عمومی است. البته درس قرآن باید نقش عمومی خود را در جهت این هدف ایفا کند. برای مثال، با آموزش پیام‌های قرآنی، ما می‌کوشیم دانش‌آموز را به این هدف نزدیک کنیم.

● همان‌طور که می‌دانید، عرصه آموزش قرآن فقط به کلاس و مدرسه محدود نیست و عرصه‌های دیگری مانند حوزه‌های علوم دینی، دانشگاه‌ها، مساجد و دارالقرآن‌ها هم به این امر می‌پردازند. آیا این عرصه‌ها مکمل یکدیگر و با هم در ارتباط هستند؟

○ به دلیل اهمیت قرآن، سازمان‌های گوناگونی به آموزش قرآن می‌پردازند، اما در دو سال اخیر، آموزش و پرورش به عنوان متولی اصلی آموزش عمومی قرآن، نه تنها برای مدارس کشور، بلکه برای کل کشور تعیین شده است. ما یک «شورای توسعه فرهنگ

قرآنی» داریم که تحت نظارت شورای عالی انقلاب فرهنگی تشکیل شده است. این شورا سه کمیسیون تخصصی دارد: کمیسیون آموزش عمومی، کمیسیون آموزش عالی قرآن و پژوهش و کمیسیون تبلیغ و ترویج فعالیت‌های قرآنی. هر یک از این کمیسیون‌ها به یک وزارت سپرده شده است. برای مثال، اگر برای کمیسیون آموزش عمومی قرآن، اهدافی در نظر گرفته و تصویب شود، آموزش و پرورش موظف است خود را با آن اهداف هماهنگ کند و تطبیق دهد. دو وزارت دیگر هم وزارت علوم و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی هستند.

● برای تربیت معلمان قرآن چه برنامه‌ای دارید؟

○ معلمان قرآن به سه گروه تقسیم می‌شوند: ابتدایی، راهنمایی و متوسطه. در دوره ابتدایی، آموزگار پایه که برای همه دروس در نظر گرفته شده است، مسئولیت آموزش قرآن را هم بر عهده دارد که به نظر ما، نحوه آموزش و تربیت معلمان قرآن دوره ابتدایی، نیازمند تغییرات جدی است. همیشه تغییر وضعیت موجود در هر موضوعی، با مشکلاتی مواجه است. در دوره ابتدایی، هر چند کتاب‌های درسی قرآن عوض شده‌اند، ولی مدرسان آموزش قرآن در مراکز تربیت معلم ما، عموماً با روش‌های قدیمی تدریس می‌کنند که ان‌شاءالله با صبر و حوصله و آموزش، این امر مهم هم دچار تغییر و تحول می‌شود.

● از صحبت‌های شما می‌توان چنین برداشت کرد که مدرسان مراکز تربیت معلم، از نظر محتوا و دانش درس قرآن با مشکلی روبه‌رو نیستند، اما در روش‌ها و تکنیک‌های آموزشی با کمبود روبه‌رو هستید؟

○ بله. ما از نظر روش‌ها و رویکردهای جدید، با مشکل و کمبود روبه‌رو هستیم.

● آیا شما به روش خاصی برای

آموزش قرآن در دروه ابتدایی معتقدید؟

○ بله. اتفاقاً در بخش روخوانی، روشی را پیشنهاد کرده‌ایم که ابتدا در مشهد توسط آقای خراسانی (آموزگار پایه اول ابتدایی)، اجرا و از سال تحصیلی ۷۸-۱۳۷۷، به صورت عمومی مطرح شد. در آن زمان آقای دکتر ملک، مدیر کل وقت دفتر تألیف و برنامه‌ریزی کتب درسی، آقای خراسانی را به ما معرفی کردند و این آشنایی باعث شناخت بیشتر ما با روش آموزشی ایشان از نزدیک شد و از همان زمان ایشان کارشناس گروه قرآن شدند. این روشی است که در حال حاضر روی آن تأکید داریم.

● بخشی از جامعه ما، اهل سنت هستند. آیا آموزش‌های شما شامل حال دانش‌آموزان اهل سنت هم می‌شود؟

○ بله. با سیاستی که از ابتدا اتخاذ شده است، خوش‌بختانه رابطه خوبی با این عزیزان داریم. زیرا اصل قرآن است که باعث وحدت مسلمانان می‌شود. البته در قسمت‌های محدودی از آموزش نماز که در درس قرآن می‌آید و تفاوت‌هایی با ما دارند، کوشیده‌اند این بخش‌ها در کتاب‌های جداگانه‌ای مانند کتاب آموزش دینی خاص برادران اهل سنت آورده شود. می‌توانم بگویم، بیشتر از ۹۷ درصد مطالب و متون درسی یکسان است.

● برنامه‌های آینده شما چیست؟

○ ما چند برنامه جدید و مهم داریم: یکی طرحی که آقای دکتر محمدیان، رییس سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی مطرح کرده است. در این طرح، نقدی به طولانی بودن برخی از بخش‌های آموزش قرآن شده است. همان‌طور که می‌دانید، خواندن قرآن، ماهیت مهارتی دارد. اگر برای این موضوع وقت زیادی در کلاس گذاشته شود، دانش‌آموز در فراگیری آن زود خسته می‌شود و آموخته‌ها را به سرعت



عزیز آفازاده (۱۳۴۲)
معلم نمونه کشوری
آذربایجان شرقی

عزیز آفازاده دارای لیسانس آموزش ابتدایی است و در مدیریت مدرسه چهره‌ای موفق است. در مدیریت خود به مشارکت همکاران و حتی دانش‌آموزان بها می‌دهد و از این جهت تأثیرگذار بوده است. وی تاکنون ۶ جلد کتاب کمک آموزشی تألیف کرده. ده سال مدرس کلاس‌های ضمن خدمت بوده و در جشنواره الگوهای برتر تدریس استانی و کشوری، هفت بار انتخاب شده است.

راهای **نرفته زیادی** **داریم تا** **بتوانیم** **کلاس های** **قرآن را** **جذاب تر کنیم**

دهیم. آموزه های قرآنی در قالب های زیبایی در ادبیات فارسی ما توسط بزرگانی چون مولوی، سعدی، حافظ و... مطرح شده که بهتر است از آنها استفاده کنیم.

اگر ما بتوانیم در ترجمه برخی از آیات و پیام های قرآنی از قالب های شعری استفاده کنیم، یادگیری قرآن برای دانش آموزان جذاب تر می شود. مثلاً بیت: «هر چه کنی به خود کنی، گر همه نیک و بد کنی»، ترجمه آیه ۴۶ سوره فصلت (مَنْ عَمِلْ صَالِحًا فَلِنَفْسِهِ و مَنْ اسَاءَ فَعَلِیْهَا) است.

● **آقای وکیل، شما از پیام های قرآنی گفتید. آیا این پیام ها تأثیر جدی و اساسی داشته است؟**

○ شما خوب می دانید که دانش آموزان بخشی از اوقات خود را در مدرسه و بخش اعظم وقت خود را در خانه و بین خانواده سپری می کنند. اگر خانواده صالح و درست کار باشد، مسلماً این پیام ها بر رفتار بچه ها تأثیر می گذارد. ما عملاً با دو ساعت کلاس قرآن، مهارت های لازم برای یادگیری این پیام ها را آموزش می دهیم.

راهنمایی، در درس قرآن دو کتاب دریافت می کنند؛ کتاب آموزش قرآن و مصحف ده جزئی در هر سال تحصیلی. در کتاب آموزش قرآن، بیشتر بر درک معنا تأکید شده است، و مصحف هم برای تقویت مهارت روان خوانی قرآن است.

در برنامه ای برای معلمان توضیح داده ایم چگونه این ۱۰ جزء قرآن را تدریس کنند تا بچه ها بتوانند روزی یک صفحه از قرآن را بخوانند. با این برنامه، دانش آموزان با قرآن بیشتر آشنا می شوند. برنامه های آینده ما بیشتر تقویت این نوع طرح هاست تا منجر به ارتقای سواد قرآنی و انس با قرآن کریم شود.

● **برای تحقق اهدافتان، چه انتظاری از معلمان قرآن دارید؟**

○ انتظار ما از معلمان قرآن در درجه اول این است که آنها خودشان با قرآن انس پیدا کنند و مأنوس شوند. البته باید بگویم، متأسفانه حرف های ما به گوش معلمان قرآن نمی رسد. زیرا در اکثر موارد، دوره های آموزش ضمن خدمت به طور ناقص برگزار می شود. معلمان عزیز ما به خاطر نداشتن اطلاع کافی، احساس بی نیازی می کنند و در دوره ها شرکت نمی کنند. آنها باید بدانند که این دوره ها برای افزایش معلومات علمی معلمان نیست، بلکه برای تقویت روش های تدریس آنهاست. انتظار ما این است که معلمان قرآن علاقه مند باشند از کارکرد این روش ها اطلاع پیدا کنند.

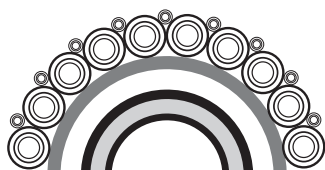
● **آیا در روش های آموزش قرآن به این نکته توجه می شود تا باعث دور شدن و فاصله گرفتن دانش آموزان از قرآن نشود؟**

○ ما سعی کرده ایم در محتوا و روش هایمان، بر امور کم فایده، زیاد تأکید نکنیم. مثلاً دانستنی های قرآن زیاد برای ما اصالت ندارد. من اذعان می کنم، راه های نرفته زیادی داریم تا بتوانیم کلاس های قرآن را جذاب تر کنیم. البته تلاش های زیادی هم کرده ایم تا جنبه های منفی را کاهش

فراموش می کند. طی دو یا سه سال اخیر، طرحی به نام «طرح تجمیع» مطرح شده که در کلاس سوم ابتدایی اجرا می شود. به این صورت که بدون این که به سر جمع ساعت آموزش قرآن در این پایه دست بزنیم، بخشی از این ساعت را در آبان ماه تجمیع کرده ایم. یعنی بچه ها در آبان ماه هر روز یک ساعت قرآن دارند و در آذر ماه کلاس قرآن از دو ساعت در هفته به یک ساعت کاهش می یابد. کتاب بر اساس طرح تجمیع ساعات، در سه فصل نیز تدوین شده است که فصل دوم مربوط به همین ساعات تجمیع شده است.

طرح تجمیع به صورت آزمایشی در مدارس و زیر نظر شورای عالی ارزش یابی اجرا و معلوم شد، دانش آموزانی که با این طرح کار کرده اند، در روخوانی قرآن موفق تر عمل کرده اند. این طرح پس از دو سال اجرای آزمایشی تصویب شد و از سال تحصیلی گذشته، همه کلاس های سوم ابتدایی طرح تجمیع را اجرا می کنند. به دنبال اجرای این طرح و در پی پیشرفت دانش آموزان، به طور طبیعی کتاب های پایه های چهارم و پنجم دوره ابتدایی نیز اصلاح و تکمیل شد. در تایلستانی که گذشت، ما مدرسان خود را برای تدریس کتاب های جدید آموزش داده ایم. البته این طرح نیازمند مراقبت است تا به خوبی تثبیت شود.

طرحی هم از دو سه سال پیش در دوره راهنمایی اجرا شد. بر اساس آن، آیات اول هر درس که در کتاب آموزش قرآن بود، حذف شد و ما توانستیم برنامه ای تنظیم کنیم که در آن قرآن به سه بخش و هر بخش به ده جزء تقسیم شود. بر این اساس، ۱۰ جزء اول برای پایه اول راهنمایی، ۱۰ جزء دوم برای دوم راهنمایی و ده جزء آخر برای پایه سوم راهنمایی در نظر گرفته شده است. متن این مصحف های ده جزئی، همراه با دی وی دی (قرائت قرآن)، همراه کتاب درسی در اختیار بچه ها قرار می گیرد. یعنی طی این سه سال، دانش آموزان در دوره



حمید برومند (۱۳۴۱)
معلم نمونه کشوری
آذربایجان شرقی

حمید برومند دانش آموزخته رشته معارف اسلامی است و از مدیران و دبیران موفق استان در زمینه های مختلف به شمار می رود به همین دلیل در سال ۱۳۹۰ به عنوان معلم نمونه کشوری انتخاب شد. دو سال سابقه خدمت در جبهه و درجه جانبازی دارد. سال های متمادی مربی نمونه شده است و در مسابقات ورزشی نیز تاکنون سه بار مقام اول منطقه را در تنیس روی میز کسب کرده



معلمان
بزرگ
ایران

اسفندیار معتمدی

پرویز شهریاری

را به مدرسه بفرستد تا کمال یابند و مؤثر شوند.

پرویز در مهرماه ۱۳۱۱ در دبستان کاویانی کرمان به تحصیل پرداخت. در سال ۱۳۱۸ به دبیرستان ایرانشهر رفت و دوره سه ساله آن را گذراند و وارد دانش سرای مقدماتی کرمان شد (۱۳۲۱). دوره دوساله دانش سرا را با موفقیت طی کرد و شاگرد اول شد و برای ادامه تحصیل به تهران اعزام گردید. او پس از یک سال کلاس مقدماتی دانشکده ادبیات، برای گرفتن دیپلم کامل متوسطه، وارد دانشکده علوم در رشته ریاضی شد (۱۳۲۴). دوره تحصیلات دانشگاهی استاد پرویز شهریاری با فعالیت‌های سیاسی شدید دانشجویان و اعتصابات و تعطیلی کلاس‌های درس هم‌زمان بود. در نتیجه او، به جای چهار سال، پس از ۹ سال، درجه لیسانس خود را از دانش سرای عالی تهران دریافت کرد. پس از آن بود که با حکم وزارت فرهنگ، به دبیری دبیرستان‌های شیراز منصوب شد و به شیراز رفت (۱۳۳۳). استاد پرویز شهریاری مؤسس، مؤلف، مترجم و معلم است. او در سال ۱۳۳۹ گروه فرهنگی خوارزمی را در تهران پایه‌گذاری کرد. در این گروه بود که نخستین کلاس کنکور در ایران تشکیل شد و ادامه یافت. به دنبال این کار، دبیرستان پسرانه خوارزمی را به وجود آورد. در سال‌های بعد، مدارس خوارزمی تشکیلات وسیعی یافتند. در ۱۳۴۰ دبیرستان دخترانه مرجان و در سال ۱۳۵۰ گروه فرهنگی مرجان را با همکاری ۷۰۰ نفر دبیر تأسیس کرد. مدرسه عالی علوم اراک را با کمک دکتر عبدالکریم فریب و دکتر حسین گل‌گلاب در ۱۳۵۳ ایجاد کرد و نیز در تأسیس انتشارات خوارزمی و انتشارات توکا، برای نشر کتاب‌های علمی و ادبی و اجتماعی، مؤثر بود. استاد پرویز شهریاری به مدت هشت سال، تا ۱۳۴۹، مجله‌ی سخن علمی و فنی را با توانایی کامل اداره و ۹۰ شماره از آن را منتشر کرد. مدتی سرپرست دفتر ترویج علوم وزارت آموزش عالی بود

«وقتی پدرم مرد، وضع زندگی ما بد بود، بدتر هم شد. به نحوی که گاهی در تمام طول روز، یک تکه نان گیرمان نمی‌آمد تا بخوریم. مادر به زحمت و با هزار کاری که می‌کرد، ما را اداره می‌کرد. من و هرمز [برادرم] چون کمی بزرگ‌تر بودیم، قادر بودیم قدری کمکش کنیم. در واقع انواع کارها را انجام دادیم؛ از بنایی گرفته تا خشت‌مالی و هزار کار دیگر، تا بتوانیم کمک خرج خانواده باشیم.»

آن‌چه در بالا خواندیم، بخشی از گفت‌وگوی استاد پرویز شهریاری است که در تیرماه ۱۳۸۱ در زندگی‌نامه او، از انتشارات انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، چاپ و در مجلس بزرگداشت ایشان منتشر شد. پرویز شهریاری یکی از معلمان مؤثر و از چهره‌های ماندگار در آموزش و پرورش ایران معاصر است. او در یکی از فقیرترین محله‌های کرمان به نام دولت‌خانه! به دنیا آمد. خانواده‌اش زرتشتی بودند. پدرش کارگری کشاورز بود که ظلم ارباب را تحمل نکرد و به کار در «کارخانه ریسندهی خورشید» که تازه در کرمان تأسیس شده بود، پرداخت. اما تغییر محیط کار از فضای باز و آزاد کشاورزی در مزرعه به فضای بسته و بی‌روح سالن ریسندهی، او را بیمار کرد و «شهریار دهقان» در زمستان ۱۳۱۷ در ۴۶ سالگی از دنیا رفت و اداره زندگی اختر، پرویز، هرمز و سهراب را به همسرش گلستان سپرد تا با پنه‌پاک‌کنی، نخ‌ریسی و پشم‌ریسی، زندگی بخور و نمیری فراهم کند و آن‌ها

■ همیشه
در شاهراه
نبودیم،
گاه غالباً به
بن‌بست
رسیده‌ام،
برگشته‌ام و
کوچه دیگری را
امتحان کرده‌ام.
زندگی را جز
همین تلاش
و پی‌گیری
نمی‌دانم

■ ریاضیات

**سرشار
از «زیبایی»
است و حیف
است که
هنرمندان و
نویسندگان
پرتکاپوی ما، از
شناخت و درک
این «زیبایی»
محروم باشند**

ایران و جهان چنین اظهار کرد:

ما هنوز با جهان علم فاصله داریم، ولی نباید ناامید بود. تلاش و تلاش‌هایی آغاز شده است که با همه نواقص خود، بسیار صمیمانه‌اند. تردید ندارم که بزرگان دانش ما، دیر یا زود موفق خواهند شد. توجه بیشتر به این صمیمیت‌ها و تلاش‌ها و برداشتن سدهای مادی و معنوی ترمزکننده می‌تواند زمان این موفقیت را نزدیک‌تر کند.

استاد پرویز شهریاری در سن ۸۵ سالگی هم‌چنان امیدوار و پویا و برانگیزاننده است. در روزهای آخر فروردین ۱۳۸۱ که دانش‌آموزان دبیرستان نیکان در همایشی، فعالیت‌های علمی خود را به معرض نمایش گذاشته بودند، یکی دو ساعت در حضور استاد بودم. ایشان با نگاه کردن، گوش دادن و پرسیدن دقیق خود، پژوهشگران جوان را به وجد آورده بود تا بیشتر و بهتر به توضیح کارهای خود بپردازند. او با حرکت و سخنان خود، روح امید و عشق به علم‌آموزی را به دانش‌آموزان القا می‌کرد؛ گرچه آثار رنج‌های زمان و کهولت در بدن او دیده می‌شد، لیکن روحی قوی و سازنده در سخنانش موج می‌زد. به دوستان حاضر در جلسه گفتم، بهترین تشویق برای جوانان کشور آن است که استاد شهریاری و افراد دیگری مثل او را به مراکز آموزشی و پژوهشی کشور دعوت کنند تا هم خود نمونه انسان‌های بزرگوار و خادم کشور را بشناسند و هم احترام جامعه را نسبت به این بزرگان ببینند و خود بیشتر به پیشرفت و آبادانی کشور کمک کنند

استاد شهریاری که در سال ۱۳۳۴ از دواج کرده است، چهار فرزند دارد به نام‌های شهریار، مزده، شروین و توکا که همگی تحصیلات عالی دارند. هنوز غم از دست رفتن دختر هشت‌ساله‌اش به نام مرجان را در دل دارد و به نام و یاد او بود که دبیرستان دخترانه مرجان و گروه فرهنگی مرجان را به پا کرد و مرجان‌های دیگری پرورش داد. او که با همه سختی‌ها و مشکلات ساخته و بر همه آن‌ها چیره شده است، اکنون از زندگی خود چنین می‌گوید:

من از گذشته خود راضی‌ام. سعی می‌کنم «از خود راضی» نباشم، ولی از خودم ناراضی نیستم. هرگز نخوابیده‌ام به جای کس دیگری باشم. بسیار پیش آمده که نگران و حتی وحشت‌زده شده‌ام؛ نگران از سرنوشت همسر و فرزندانم، و وحشت از این که نتوانسته‌ام با معیارهای انسانی، شوهر خوبی برای همسر و پدر خوبی برای فرزندانم باشم. ولی این احساس‌ها، غالباً زودگذر بوده‌اند و دوباره با همه‌ی توانم، کارم و هدفم را دنبال کرده‌ام. همیشه در شاهراه نبوده‌ام، گاه غالباً به بن‌بست رسیده‌ام، برگشته‌ام و کوچه‌ی دیگری را امتحان کرده‌ام. زندگی را جز همین تلاش و پی‌گیری نمی‌دانم. هر کس هر چه از دستش برمی‌آید، می‌کند. هرگز طعم بدبختی را نچشیده‌ام و همیشه خودم را خوش‌بخت دیده‌ام؛ چرا که دوستان بسیار خوب و انسانی دارم که اکثراً بیش از آن‌چه شایسته باشم، به من محبت می‌کنند. خانواده‌ای فداکار و سست‌کوش دارم و خودم، اگر چه ممکن است چندان کارساز نباشم، در حد توانم تلاش کرده‌ام.

منابع

۱. باقرزاده، محسن. ارجامه‌ی شهریاری. نشر طوس، تهران، ۱۳۸۰.
۲. پورحسینی، ابوالقاسم. پس از چهل سال، زندگی‌نامه استاد پرویز شهریاری. نشر مهاجر، ۱۳۸۰.
۳. انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ۲۶ مرداد ۱۳۸۱. زندگی‌نامه و خدمات علمی و فرهنگی استاد پرویز شهریاری.

و نشریه‌ای به نام «مسائل دانشگاهی» را انتشار می‌داد. از سال ۱۳۵۶ تا اسفندماه ۱۳۷۱، تعداد ۷۰ شماره از مجله «آشتی با ریاضیات و آشنایی با ریاضیات» منتشر کرد و در سال اول انقلاب، هفت شماره از نشریه «آشنایی با دانش» را برای دانشگاه آزاد ایران (پیش از تأسیس دانشگاه آزاد اسلامی) چاپ کرد. او مجله «چستا» را نیز از سال ۱۳۵۹ و «دانش و مردم» را از سال ۱۳۷۹ تاکنون منتشر می‌کند. شهریاری سال‌هاست با مجله «رشد برهان» (ریاضی متوسطه) که در دفتر انتشارات کمک آموزشی منتشر می‌شود، همکاری دارد.

از دیگر کارهای ماندنی استاد پرویز شهریاری، تألیف ۵۷ جلد کتاب درسی ریاضی از سال ۱۳۳۵ تا ۱۳۶۸ است. او تعدادی از این کتاب‌ها را با همکاری آقایان باقر امامی، ازگمی، بهنیا، شیخ‌رضایی و جهانگیر شمس‌آوری نوشته است. شماره تألیفات و ترجمه کتاب‌هایی که از استاد چاپ و منتشر شده، بالغ بر ۲۰۸ جلد است. علاوه بر این، نزدیک به هزار مقاله، از سال ۱۳۳۵ تاکنون، در نشریات به ویژه نشریه‌های علمی و ریاضی، چاپ کرده است. استاد شهریاری متجاوز از ۵۰ سال در دبیرستان‌ها، دانشکده فنی دانشگاه تهران و دانش‌سرای عالی (شبهانه و روزانه) تدریس کرده و بیشترین فعالیت‌های علمی و آموزشی او در زمینه ریاضیات است. او بر این باور است که:

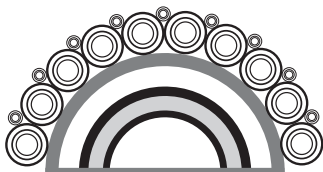
ریاضیات تنها ابزار کار مهندسان و فیزیک‌دانان و اخترشناسان نیست. ریاضیات می‌تواند به پژوهشگران تاریخ، به روان‌شناسان و حتی به نویسندگان و شاعران هم کمک کند و اثرهای آن‌ها را غنی‌تر و پر اعتبارتر سازد. به جز این‌ها، ریاضیات سرشار از «زیبایی» است و حیف است که هنرمندان و نویسندگان پرتکاپوی ما، از شناخت و درک این «زیبایی» محروم باشند. [باقرزاده، ۱۳۸۰]

استاد پرویز شهریاری به دنبال پرورش انسان‌های همه‌جانبه است. او گرچه به ریاضیات عشق می‌ورزد، اما در پاسخ به یک پرسشگر که از او نظرش را درباره هنر و ادبیات می‌پرسد، چنین جواب می‌گوید: آدم‌های تک‌بعدی، نه خودشان زندگی درونی شایسته‌ای دارند و نه می‌توانند معلم زندگی دیگران باشند. جهان پیرامون ما، هم جهانی ریاضی است، هم جهانی فیزیکی و هم جهانی فلسفی و هنری.

ریاضی‌دانی که جز رابطه‌ها و قانون‌های ریاضی، به چیز دیگری کار ندارد، به دسته یا محور مکانیکی ماشینی می‌ماند که تنها می‌تواند وسیله معینی را با اندازه و وزن معین، از جایی به جایی دیگر منتقل کند... و البته این شایسته یک انسان نیست.

ریاضی‌دان نه تنها باید با هنر و ادبیات آشنا باشد، بلکه باید به این آفریده‌های زیبای روح انسانی عشق بورزد، نه تنها هنر و ادبیات! ریاضی‌دان باید به تاریخ، فلسفه و علوم اجتماعی علاقه‌مند باشد، موسیقی را دوست داشته باشد و از سفر خوب لذت ببرد. کوتاه سخن، انسان باشد. بدون این، ریاضی‌دان حتی ریاضی‌دان هم نیست! [انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ۱۳۸۱]

او در بیست و سومین کنفرانس ریاضی کشور، در مقایسه علم در



مجید سaeedi پور

دبیر نمونه کشوری

آذربایجان شرقی، هریس

وی در رشته امور تربیتی و معارف اسلامی تدریس می‌کند و در زمینه فعالیت‌های دانش‌آموزی فوق برنامه اعم از سازمان دانش‌آموزی، بسیج دانش‌آموزی، دارالقرآن، اردوگاه‌ها، انجمن‌های اسلامی مدارس، توزیع مجلات رشد و... همکاری‌های شایان توجهی داشته است. از این جهت بارها به عنوان مربی فعال و برگزیده و معلم نمونه و نیز عضو فعال انجمن اولیا و مربیان انتخاب معرفی شده است. وی به مدت دو سال نیز در جبهه‌های حق علیه باطل حضور داشته است.

لَا يَجْرِمَنَّكُمْ شُرَائِكُكُمْ أَنْ لَا تَعْدِلُوا ۚ إِنَّكُمْ لَعِندَ رَبِّكُمْ أَكْثَرُ الظَّالِمِينَ

باب «توجه» را برای آنان می‌گشاید و قانون را به نفع نزدیکان و اقربا دور می‌زنند.

قرآن کریم به صراحت انسان را از این وسوسه اهریمنی بر حذر داشته است: کونوا قوامین بالقسط شهداء لله و لو علی انفسکم او الوالدین والاقربین... فلا تتبعوا الهوی ان تعدلوا [نساء/۱۳۵].

در ادامه می‌فرماید که در غیر این صورت، تبعیت از هوای نفس کرده‌اند (نه از خدای متعال) و این هواپرستی مآلاً به عدول از حق محوری می‌گراید. لذا، یکی از موانع اجرای عدالت اجتماعی، حب و دل‌بستگی به وابستگان و جانب‌داری از منافع شخصی است.

تعریف عدل همان است که امیرالمؤمنین (ع) در نهج البلاغه شریف ارائه فرموده است. آن‌جا که فردی پیرامون رتبه عدل در مقایسه با رتبه جود از ایشان سؤال کرد: «العدل یضع الامور مواضعها و الجود یخرجها من جتها». عدالت هر چیزی را در جای خود می‌نهد، اما جود، آن را از جای خویش بیرون می‌برد. در ادامه می‌فرماید: «العدل سائس عام و الجود عارض خاص» [نهج البلاغه، حکمت ۴۳۷]: عدالت سیاستی دامن گستر است، ولیکن بخشش امری موردی و جنبی است.

از این‌روست که خداوند فلسفه ارسال رسولان و انزال کتاب‌های آسمانی را «اقامه عدل» در جامعه می‌داند [حدید/۲۴]. و علی (ع) هم خطاب به ابن عباس می‌گوید، حکومت در چشم من هیچ ارزشی ندارد، مگر آن‌که بتوانم حقی را به صاحب حقی برسانم [نهج البلاغه، خطبه ۲۳]. و جای دیگر در لزوم برگرداندن

لَا يَجْرِمَنَّكُمْ شُرَائِكُكُمْ أَنْ لَا تَعْدِلُوا ۚ إِنَّكُمْ لَعِندَ رَبِّكُمْ أَكْثَرُ الظَّالِمِينَ [مائده/۸]

در آموزه‌های اسلامی، پدیده «عدل و عدالت» سهم به سزایی دارد؛ به طوری که هم در اصول اقتصادی و هم در احکام علمی و اجتماعی وارد شده است. متکلمان شیعه، عقیده به عدل الهی را در زمره اصول پنجگانه عقیدتی قرار داده‌اند و این اعتقاد را، از لوازم اسلامیت و عقیده صحیح به دین برشمرده‌اند؛ با این که خدای متعال صفات متعددی دارد که در دعای جوشن کبیر به ۱۰۰۰ مورد رسیده است.

حضرت باری تعالی، جهان و عالم تکوین را بر پایه عدل آفریده (چنان‌که در تفسیر صافی، آیه هفت، روایت شده که بالعدل قامت السماوات والارض)، ملاک سنجش اعمال در روز واپسین را نیز عدل و عدم ظلم یاد کرده (أَنَّهُ إِنْ تَكْ مِثْقَالِ حَبِّهِ مِنْ خَرْدَلٍ فَتَكُنْ فِي صَخْرَةٍ أَوْ فِي السَّمَاوَاتِ فِي الْأَرْضِ يَأْتِ بِهَا اللَّهُ) [لقمان/۱۶]. و متقابلاً از انسان‌ها نیز تقید به عدالت را در نظام اجتماعی خواسته است (إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ) [نحل/۹۰].

در این مقاله به دو مورد از آیات مشعر به موضوع یاد می‌کنیم:

حب بازدارند از عدالت

بسیار دیده می‌شود که افراد، به ویژه اگر سمت‌های مدیریتی و اجرایی داشته باشند و امضای اینان و زیرنویس آن‌ها نافذ باشد، در مواجهه با خویشان و آشنایان خود، دچار وسوسه می‌شوند. اینسان از لغزش و بی‌عدالتی باید به خدا پناه ببرند، والا شیطان

این آیه شریفه را می‌توان از شاهکارهای قرآن کریم در زمینه آموزش اخلاق به حساب آورد

وقتی که عدالت قربانی کینه‌ها می‌شود

کلید واژه ها: عدالت، حب، حب بازدارنده

محمدحسن مکارم*

عَدْلٌ لِّوَالِدٍ لِّوَالِدِهِمْ قَرِيبٌ لِّلَّتَّقِ

■ متکلمان

شیعه، عقیده

به عدل

الهی را در

زمره اصول

پنجگانه

عقیدتی

قرار داده اند

و این اعتقاد

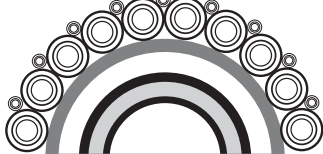
را، از لوازم

اسلامیت و

عقیده صحیح

به دین

برشمرده اند



سیمیلیالی

معلم نمونه کشوری

آذربایجان شرقی، سراب

خاتم میلانی در روستای قلعه جوق

شهرستان سراب در مدرسه فدک

به خدمت اشتغال دارد و معاون-

آموزگار مدرسه است. وی به مدت

۲۵ سال آموزگار چندپایه بوده

و همین موجب شده تا به عنوان

معلم نمونه کشوری در سال ۸۹-۹۰

انتخاب شود. پیش از این نیز به

عنوان معلم نمونه در منطقه انتخاب

شده بود. به جز این خاتم میلانی به

دفعات از سوی استانداری، وزارت

آموزش و پرورش و دارالقرآن، به

دلیل حسن همکاری و فعالیت های

مؤثر مورد تشویق قرار گرفته است.

مثلاً نمره مستمر او را پایین می دهد.

در ادارات، بسه و فور اتفاق می افتد که بعضی از ارباب رجوع، به جای کرنش و تواضع و تملق نسبت به کارمند مربوط، با ارائه بخشی نامه و مستندات قانونی، به احقاق حق خود می پردازند و احیاناً صدایشان بلند می شود. در این شرایط، گاه کارشناس مربوط کینه به دل می گیرد و پرونده او را زیر می گذارد و به اصطلاح او را تنبیه می کند. در حوزه طبابت، بعضی اوقات، بیمار به چانه زنی برای پرداخت هزینه معالجه و درمان می پردازد تا کمی از مخارج خود بکاهد. این اقدام ممکن است پزشک را به تعلل و تسامح در درمان او وادارد.

در حوزه وکالت، بعضی از وکلا یا وکالت طبقه مستضعف را به عهده نمی گیرند یا به تناسب حق الوکاله ای که از موکل دریافت کرده اند، در محکمه از او دفاع می کنند؛ در حالی که عدالت حکم می کند حب و بغض های ناشی از زیاد یا کم بودن حق الوکاله، تأثیری روی قدرت دفاع وکیل نگذارد.

به نظر می رسد که ارگان های فرهنگی جامعه باید به اشاعه دقیق فرهنگ قرآنی مبادرت ورزند؛ این آموزه بزرگ قرآنی را که به ظاهر در لفافه یک آیه از سوره مبارکه مائده نازل شده است، کم نگیرید. فرزندان نسل جدید باید به همت معلمان و مربیان و استادان حوزوی و دانشگاهی طوری تربیت شوند که عدالت گرایی، خلق و خوی آنان و ملکه نفسانی شود، تا آن جا که دوستی ها، دشمنی ها، قبیله گرایی و جناح بندی ها، سدی و مانعی در مسیر اجرای عدالت ایجاد نکند. هم چنین، در صحنه های فرهنگی، سیاسی، قضایی، اقتصادی و... شاهد حکومت حقدها و حسادت ها و کینه ها، به جای حاکمیت قانون و عدالت و احسان نباشیم. کارکنان و کارگزاران تحت تأثیر تنوع رفتار ارباب رجوع قرار نگیرند و با سوء صدر و آرامش خاطر به حل مشکل مراجعان، بر مبنای قانون و عدالت رفتار کنند و تفاوتی بین آشنا و غریب نگذارند.

بدیهی است این خود نوعی «مهارت اخلاقی» محسوب می شود و آموزش و پرورش و رسانه های ارتباط جمعی، بیش از سایرین، متکفل آن هستند. قبل از همه، آموزگار دبستان و دبیر راهنمایی و متوسطه باید متخلق به این خلق زیبا باشد تا افراد تحت تعلیم آنان نیز بر این خلق و خوی مودب شوند و رشد کنند.

منابع

۱. قرآن کریم.
۲. نهج البلاغه، گردآوری سیدرضی، ترجمه دشتی، حکمت ۴۳۷.
۳. نهج البلاغه، سیدرضی، ترجمه فیض الاسلام، خطبه ۳۳.

* مدرس تربیت معلم و مراکز آموزش فرهنگیان استان فارس

اموال بیرون رفته از بیت المال توسط یکی از خلفا، بانگ بر می آورد که آن ها را به صاحبان اصلی برمی گردانم، هر چند به کابین زنان رفته باشد. سپس چنین استدلال می کند: «فإن فی العذل سعه...»: عدالت قاعده ای فراگیر است و کسی که عدل بر او گران است، قطعاً تحمل ظلم گران تر خواهد بود [همان، خطبه ۱۵].

بُغض بازدارنده از عدالت

نه فقط حب، که بغض و عداوت نیز به کزات مانع از اجرای عدالت می شود. در آیه هشتم سوره مبارکه مائده که در مطلع سخن آمده سه بار از این آفت عدل شکن پرهیز داده است: «مباد که شتتان و کینه ورزی با قومی، شما را از عدالت محوری باز دارد! عادل باشید که عدالت به موازین تقوا نزدیک است.» در پایان آیه نیز مکرراً تقوا را به رخ می کشاند و خبیر بودن خداوند را بر اعمال انسان متذکر می شود.

واژه «لا یجر منکم» به دو معنا می تواند باشد: یکی این که «شما را وادار نکنند» و معادل با «لا یحملنکم» است؛ دوم این که «شما را به گناه نکشانند». هر کدام از این دو حالت را برمی گزینیم، با توجه به تأکیدی که با کاربرد نون مشدد به عمل آمده است، اخطار به احتمال وقوع حادثه بزرگی دارد و جداً از افتادن در این گرداب هولناک هشدار می دهد. این آیه شریفه را می توان از شاهکارهای قرآن کریم در زمینه آموزش اخلاق به حساب آورد.

ما پرچم داران و طلیعه داران انقلاب فرهنگی در جهان خواسته یا ناخواسته مزه ذربین نقادان بین المللی و حتی داخلی هستیم. این آموزه والای قرآنی، امروزه حجت را بر همگام تمام کرده است و مسئولان را بیش از مردم عادی کوچه و بازار فرامی گیرد؛ از جمله ما معلمان که هر کدام مسئول یک یا چند کلاس هستیم. گاه پیش می آید، دانش آموزی مرتکب خلاف اخلاقی شود. در این موارد به ویژه اگر اهانتی به ما [معلم] شده باشد، چه بسا برگه امتحانی او را با قلبی بغض آلود تصحیح کنیم و با همان دید عادلانه که به او را با سایر بچه ها نگاه می کنیم، به برگه او ننگریم و اگر ارفاقی به سایرین کرده ایم، از او مضایقه کنیم. یا ممکن است دانش آموزی، در عالم بچگی خود، با طرح سؤالاتی بالاتر از سطح کلاس، قصد محک زدن معلم را داشته باشد و بخواهد معلومات او را زیر سؤال ببرد که معلم نیز ممکن است کینه او را به دل گیرد و در کاهش نمره امتحانی او اعمال و به اصطلاح تلافی و عقده گشایی نماید. پدیده ای که از عواقب شوم کلاس های خصوصی می تواند باشد. گاه شاگرد ضعف علمی یا عملی معلم یا دیرکرد او را - به قصد اصلاح - به مدیر مدرسه خبر می دهد؛ در مقابل معلم در شناسایی او می کوشد و سپس به او و سر نوشت تحصیلی او کینه می ورزد؛

مقدمه

به یاد دارم سال‌ها پیش، یکی از معاونان مؤثر وزارت آموزش و پرورش می‌گفت: من در آموزش و پرورش افراد توانا و برجسته در زمینه‌های علمی، فنی، اجرایی و... زیاد دیده‌ام، اما ندیده‌ام کسی را که در امر «اقتصاد آموزش و پرورش و مباحث مربوط به آن دارای بینش و بصیرت و دانش کافی باشد.» واقعیت این است که امروز هم وضع بهتر از آن سال‌ها نیست؛ به طوری که بسیاری از نظریه‌پردازان، صاحب‌نظران و دست‌اندرکاران مسائل آموزش و پرورش، حتی آن‌ها که در سطوح کلان به طرح و بحث موضوعات مربوط به تعلیم و تربیت می‌پردازند و به چشم‌اندازهای آن می‌نگرند، از ورود به بحث اقتصاد آموزش و پرورش، منابع تأمین سرمایه و

اشاره
با توجه به نام‌گذاری
سال جاری به «سال
جهاد اقتصادی» از
سوی مقام معظم
رهبری، بر آن
شدیم در سلسله
نوشتارهایی، به
موضوع اقتصاد و
آموزش و پرورش که
امری تقریباً مغفول
در آموزش و پرورش
ماست، بپردازیم. امید
است این مجموعه
بتواند در اصلاح نگاه
خوانندگان عزیز،
به‌ویژه معلمان گرامی،
هم به «اقتصاد» و هم
به «آموزش و پرورش»،
مؤثر واقع شود.

آموزش و پرورش و اقتصاد

محمد ابراهیم نژاد

تنه و شاخ و برگ :
نظام مناسب اقتصادی،
حفظ ثبات نظام

نمودار درخت
توسعه اقتصادی،
برگرفته از کتاب
مدارهای توسعه
نیافتگی در ایران
۱۳۷۸

هزینه‌های این دستگاه عظیم می‌پرهیزند و آن را در حاشیه قرار می‌دهند. این نوع رویکرد را ظاهراً باید ناشی از این امر دانست که دولت‌های ما چه قبل و چه بعد از انقلاب - و بعد از انقلاب بیشتر - خود به تنهایی زیر بار تأمین منابع مالی آموزش می‌رفته‌اند - و هنوز هم می‌روند - و این بار را یک تنه به دوش کشیده‌اند که نتیجه آن، عمدتاً مصرفی شدن آموزش و پرورش و نه تولیدی بودن آن شده است. البته نباید به این موضوع بی‌توجه بود که در دو دهه اخیر، تأسیس مدارس غیرانتفاعی (غیردولتی) تا حدی - اگرچه نه زیاد - از بار مالی دولت در آموزش و پرورش کاسته است. این مقدمه را از آن رو آوردیم تا خوانندگان عزیز از ابتدا بدانند که رویکرد ما در این مجموعه، رویکردی مبتنی بر اصل هزینه‌فایده در امر تعلیم و تربیت است؛ رویکردی که جهان امروز نیز بیش از پیش به اهمیت و کارایی آن واقف شده است و نشانه‌های آن را در کشور خودمان نیز در عمل می‌توان مشاهده کرد.

اقتصاد چیست؟

از نظر علمی، اقتصاد یکی از رشته‌های علوم اجتماعی است. علم بودن این رشته، طبعاً تعریف روشنی از آن را لازم می‌آورد. این تعریف را ما از **پل ساموئل‌سون**^۱ یکی از اقتصاددانان برجسته جهان می‌آوریم: «علم اقتصاد عبارت است از بررسی روش‌هایی که بشر به وسیله یا بدون وسیله پول، برای به کار بردن منابع کمیاب تولید، به منظور تولید کالاها و خدمات در طی زمان، و همچنین برای توزیع کالاها و خدمات بین افراد و گروه‌ها در جامعه، به منظور مصرف در زمان حال و آینده انتخاب می‌کند» [متوسلی و آهنجیان: ۲۰].

رشته: فرهنگ مناسب

غذا:
آموزش مناسب - سرمایه تخصیص یافته
به فعالیت‌های توسعه اقتصادی

تعاریفی که از اقتصاد در مجامع علمی و دانشگاهی عرضه می‌شود، غالباً جدید است. یعنی حاصل نظر دانشمندان یکی دو قرن اخیر است و لذا با تعاریف گذشته تفاوت دارد. از این رو لازم است در تبیین این تعریف، قبل از ورود به مطلب اصلی، توضیحی درباره اقتصاد بیفزاییم.

صنعت و اقتصاد

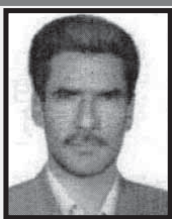
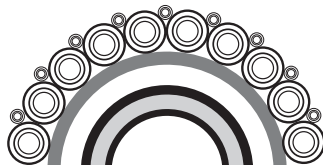
می‌دانیم انقلاب صنعتی که از نیمه دوم قرن هجدهم تا نیمه اول قرن نوزدهم (۱۸۵۰-۱۷۵۰) در انگلستان و سپس در سایر نقاط اروپا اتفاق افتاد، به تدریج تمام جوامع و کشورها را از جوامع مبتنی بر تولید کشاورزی به جوامع صنعتی، یعنی «تولید انبوه به وسیله ماشین»، متحول ساخت و تغییری اساسی در آن‌ها به وجود آورد. از این رو علم اقتصاد نیز که تا پیش از آن عمدتاً حول موضوع توزیع و تجارت دور می‌زد، دچار دگرگونی شد که پیامد آن اهمیت یافتن بیش از پیش اقتصاد در سرنوشت جوامع و تحولات ناشی از آن بود. تا آن‌جا که پاره‌ای متفکران مانند **کارل مارکس**، در رویکردی افراطی کوشیدند همه تحولات اجتماعی و تاریخی را براساس علم اقتصاد تفسیر کنند که البته در دراز مدت بطلان آن آشکار شد و تجربه بشری نشان داد که اقتصاد اگرچه عامل بسیار مهمی در پدید آمدن تحولات تاریخی و اجتماعی است، ولی عامل منحصر به فرد نیست و خود از عوامل دیگر متأثر است. اقتصاد، و اگر دقیق‌تر بگوییم، توسعه اقتصادی را می‌توان به درختی تشبیه کرد که هر یک از اجزا و عناصر آن کارکردی دارند و نقش خاص خود را - در نظامی هماهنگ - ایفا می‌کنند.

همان‌طور که ملاحظه می‌کنید، در این نمودار، ریشه درخت توسعه را «فرهنگ» تشکیل می‌دهد. این را به معنای «تقدم فرهنگ بر اقتصاد» نیز می‌توان تعبیر کرد و بدان معناست که تا زمانی که جامعه‌ای از فرهنگ مناسب در ابعاد گوناگون (زبان، تاریخ، دین، اخلاق، سخت‌کوشی، روابط صحیح انسانی و...) بی‌بهره است، نظام اقتصادی بسامانی در آن شکل نخواهد گرفت. حال این فرهنگ - اگر وجود داشته باشد - باید از منابع مناسبی (آموزش، سرمایه و...) تغذیه شود تا رشد کند و بال و پر بگیرد. در واقع با تغذیه شدن فرهنگ است که ساختار اقتصادی متناسبی نیز در جامعه به وجود می‌آید و درخت آن میوه می‌دهد؛ میوه‌هایی چون رفع فقر و محرومیت و بی‌کاری، حصول استقلال و عزت‌نفس، تأمین اقتصادی، کاهش مفاسد اجتماعی و...

اینک که به اجمال با کلیت اقتصاد به مثابه یک درخت آشنا شدیم، ببینیم که در این میان، نقش اقتصادی آموزش و پرورش و یا نقش متقابل اقتصاد و آموزش و پرورش چیست؟

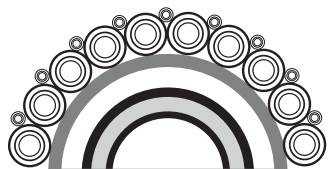
آموزش و اقتصاد

اگر توجه کنیم که هرگونه به کارگیری منابع و امکانات به منظور تولید کالا یا خدمات به جامعه، بدون وجود



اسماعیل رحیم‌زاده
آواتسر (۱۳۴۹)
معلم نمونه کشور
آذربایجان غربی

متولد روستای آواتسر از توابع شهرستان اهر است. دارای لیسانس و فوق‌لیسانس ادبیات فارسی است و در مدارس ارومیه و نیز مؤسسات آموزش عالی این شهر به تدریس اشتغال دارد. وی سرگروه ادبیات فارسی استان است و تاکنون به عنوان دبیر نمونه ناحیه (نوبار)، دبیر نمونه استان و معلم نمونه کشوری (۹۰-۸۹) انتخاب شده است. اسماعیل رحیم‌زاده در جشنواره‌ها و همایش‌های متعدد شرکت و مقالات بسیاری عرضه کرده است که در پاره‌ای از آن‌ها به دریافت رتبه و جایزه نایل آمده است.



اروجعلی سعادت (۱۳۴۱)
معلم (مدیر نمونه کشوری
اذربایجان غربی

متولد روستای چونقرالوی سلماس،
دانش آموخته مرکز تربیت معلم
شهید رجایی ارومیه، دارای مدرک
کارشناسی الهیات و معارف
اسلامی از دانشگاه بین المللی امام
خمینی قزوین و کارشناس ارشد
علوم قرآن و حدیث از دانشگاه
آزاد خوی است. هشت سال در
اشنویه خدمت کرده و اکنون در
ارومیه به خدمت مشغول است.
اروجعلی سعادت در فعالیتهای
مختلف اعم از حضور در جبهه،
ادامه تحصیل، تدریس، حفظ قرآن،
چشنواره های الگوی تدریس،
بازرسی ویژه آموزش و پرورش
و... فردی موفق بوده، چندین بار
در شهرستان و استان، معلم نمونه
شده و سرانجام در سال ۹۰-۸۹
به عنوان معلم (مدیر نمونه کشوری
نیز انتخاب شده است.

نیروی انسانی کارآمد و آگاه تقریباً غیر ممکن است و این نیرو نیز با «آموزش» تأمین می شود، به اهمیت و جایگاه تعلیم و تربیت در تولید اقتصادی که رشد در سایر زمینه ها را نیز به دنبال خواهد داشت، پی می بریم. با چنین نگاهی به اقتصاد است که آموزش معنای تازه ای می یابد و به دنبال آن رشته یا مفهوم تازه ای به نام «اقتصاد آموزش و پرورش» متولد می شود.

خوب است بدانیم اقتصاد آموزش و پرورش در سطح جهان رشته ای نسبتاً نوپاست و در کشور ما از آن هم نوپاتر، چرا که تازه در سال های پس از انقلاب اسلامی بود که یک واحد درسی با این عنوان (اقتصاد آموزش و پرورش) به درس های رشته های علوم تربیتی دانشگاه ها اضافه شد. در سطح جهان، پیدایش علم اقتصاد آموزش و پرورش از دهه ۱۹۶۰م به بعد در کشورهای انگلیس و آمریکا و سپس در سایر کشورهای اروپای غربی، مشخصاً مطرح شد تا جایی که امروزه مباحث عمده ای را شامل می شود [کریم زاده، ص ۱۵].

نکته مهمی که باید اشاره کنیم، این است که از نیمه دوم قرن بیستم، بسیاری از کشورها به اهمیت آموزش و پرورش و نقش آن در پیشرفت اقتصادی پی بردند و به نحو مؤثری در پی اصلاح نظام های آموزشی خود برآمدند. برای مثال در ایران، در تغییر نظام آموزشی که در دهه ۱۳۴۰ روی داد، به موضوع «راهنمایی تحصیلی» و «راهنمایی شغلی» توجه ویژه شد. رشته های دبیرستانی هم به نظری (شامل ریاضی فیزیک، علوم تجربی، فرهنگ و ادب)، خدمات، کشاورزی و صنعت تقسیم شدند، با این هدف که از رهگذر آن، نوجوانان کشور بتوانند رشته آموزشی خود را با علاقه های شغلی شان در آینده منطبق سازند. مراسم «هفته مشاغل» که هنوز در پایان هر سال در مدارس راهنمایی تحصیلی برگزار می شود، از لوازم همان دوره است.

در سال های پس از جنگ تحمیلی (دوره سازندگی) نیز که نظام آموزش متوسطه دچار تغییراتی شد، باز چنین نگاهی، یعنی نگاه اقتصادی-اجتماعی به موضوع در کار بود. در حقیقت برنامه ریزان بر این باور بودند که با کاستن یک سال از تحصیلات دوازده ساله قبلی، نیروهای کار بیشتری از مدارس فارغ التحصیل خواهند شد و تنها بخشی که توانایی بیشتری برای ورود به دانشگاه دارند، به مراتب بالاتر خواهند رفت (پیش دانشگاهی) و البته می دانیم که آن طرح با موفقیت قرین نشد.

باری، به طور کلی رویکرد اقتصادی به آموزش و پرورش، «در واقع مبین تحول در جوامعی است که از ایستایی به پویایی رسیده و از اقتصاد کشاورزی به اقتصاد صنعتی تحول یافته اند، اگرچه جنبه های سنتی آموزش و پرورش انطباق آن را با بنیاد نو کند می کند» [کریم زاده، ص ۲۰].

پیش تر اشاره کردیم که اقتصاد آموزش و پرورش مباحث عمده ای را در برمی گیرد. در این جا عناوین مهم ترین مباحث را بیان می کنیم، اما قبلاً باید به این موضوع بسیار توجه داشته باشیم که در وضعیت خاص کشور ما، که متأسفانه چندین دهه است از درآمد استخراج و صدور نفت اداره شده است و دولت ها همواره متکفل تأمین تقریباً تمامی هزینه های آموزش و پرورش بوده اند و هنوز هم هستند، آموزش و پرورش

هیچ گاه از رهگذر بازده اقتصادی آن مورد توجه قرار نگرفته است و لذا با وجود تزریق مداوم پول از طرف دولت به آن، که بخش عظیمی از بودجه عمومی کشور است، بهره وری آن به نسبت اندک است. بدیهی است این وضع برای همیشه نمی تواند ادامه داشته باشد و بالاخره باید راهکارهای صحیحی برای به بار نشستن آن اندیشیده شود.

و اما «اقتصاد آموزش و پرورش» به عنوان یک علم، می تواند باب مسائل بسیاری را باز کند و خود نیز به آن ها پاسخ گوید. اهم مسائل به این شرح است:

- منابع مالی آموزش و پرورش از کجا تأمین شود؟
- آموزش های عالی بر چه اساس و مبنایی گسترش یابند تا مقرون به صرفه اقتصادی باشند؟
- راه تأمین سرمایه برای آموزش معلمان و تربیت معلم چیست؟

- چه باید کرد تا مردم جامعه (اعم از فقیر و غنی) به یک نسبت از آموزش و پرورش برخوردار شوند و به اصطلاح عدالت آموزشی برقرار شود؟

- تشکیلات آموزشی و پرورشی- اعم از ستاد و صف- بر چه اساسی گسترش یابد تا مقرون به صرفه و دارای بهره وری باشد؟

- چه باید کرد تا سرمایه گذاری در امر آموزش و پرورش برای سرمایه گذاران جذابیت لازم را داشته باشد؟

- چگونه می توان آموزش و پرورش را در راستای مبارزه با فقر، بیکاری، مفاسد اجتماعی و... سامان داد و آیا صرف توسعه سوادآموزی، جامعه با کاهش فقر مواجه می شود؟
- رشد اقتصادی کشور (که خود موجب کارآفرینی، تولید، رفع فقر و برطرف شدن بسیاری از مشکلات اجتماعی می شود)، تا چه حد و بر چه اساس به آموزش و پرورش وابسته است؟

- چه راه یا راه هایی باید اتخاذ شود تا برنامه ریزی آموزشی و درسی بازده اقتصادی داشته باشد و به آموزش های عمومی و نظری منحصر نشود؟

- فقر آموزش، ایستایی و عقب ماندگی در آموزش و پرورش را از چه راهی باید برطرف کرد؟

- دولتی بودن آموزش و پرورش در چه مواردی ضرورت دارد و در چه مواردی می تواند نتیجه معکوس بدهد؟

پاسخ به این سؤالات و سؤالات بسیاری از این دست، همه در گرو داشتن نگاه اقتصادی مبتنی بر هزینه-فایده و نه مبتنی بر سود انگاری- به آموزش و پرورش- است.

پی نوشت

1. Paul Samuel son

منابع

۱. عظیمی (آرانی)، حسین. مدارهای توسعه نیافتگی در اقتصاد ایران، نشر نی. چاپ دهم، ۱۳۸۸.
۲. کریم زاده، صمد. مباحث اساسی اقتصاد آموزش و پرورش. دانشگاه آزاد اسلامی تهران (مرکز) چاپ اول، ۱۳۸۴.
۳. متوسلی، محمود و آهنچیان، محمدرضا. اقتصاد آموزش و پرورش. سمت. تهران، ۱۳۸۱.



دوقورباغه

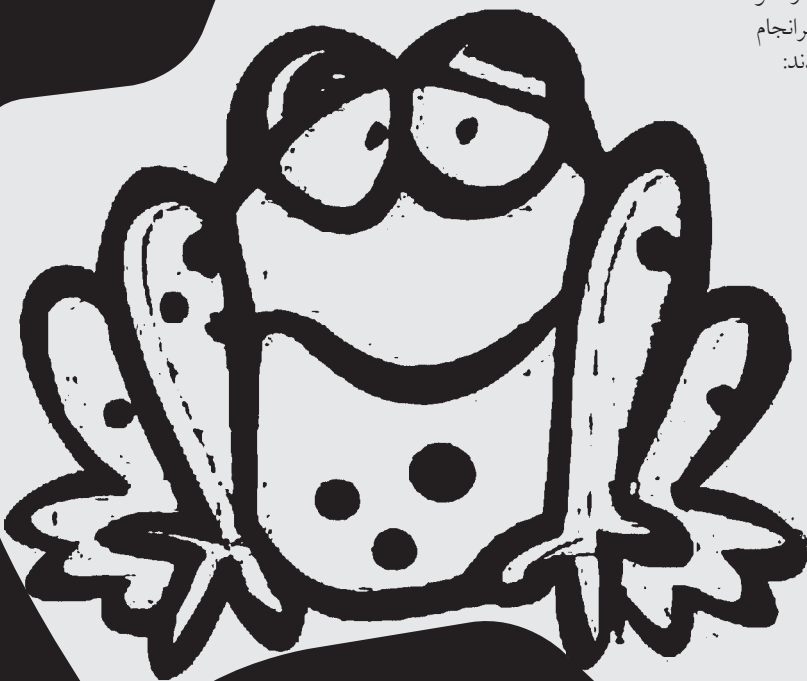
نویسنده: ناشناس
ترجمه: معصومه خیرآبادی

یک دسته قورباغه از جنگلی عبور می‌کردند. ناگهان دو تا از آن‌ها داخل گودالی افتادند. قورباغه‌های دیگر که عمق گودال را دیدند، به دو قورباغه گرفتار گفتند: «دیگر خود را مرده بدانید!» اما آن دو قورباغه، بدون توجه به نظرات دیگران، با تمام وجود سعی کردند خود را از گودال نجات دهند. بار دیگر قورباغه‌ها به آن‌ها گفتند: دست از این کار بردارید، چون هرگز موفق نخواهید شد. سرانجام یکی از دو قورباغه روحیه‌اش را از دست داد؛ تسلیم حرف‌های قورباغه‌ها شد و به پایین گودال افتاد و مرد!

در این حال، قورباغه دوم با تمام نیرو به پریدن ادامه می‌داد. جمعیت قورباغه‌ها دوباره بر سر او فریاد زدند که: این زجر کشیدن را متوقف کن و بمیر. اما او همچنان مصمم‌تر از قبل بالا می‌پرید تا سرانجام موفق شد از گودال بیرون بیاید. قورباغه‌ها از او پرسیدند: «مگر متوجه حرف‌های ما نشدی؟! قورباغه جوابی نداد. آن‌ها تازه فهمیدند که او «کر» است و تمام مدت تصور می‌کرده است که دوستانش برای بیرون آمدن از گودال او را تشویق می‌کنند!

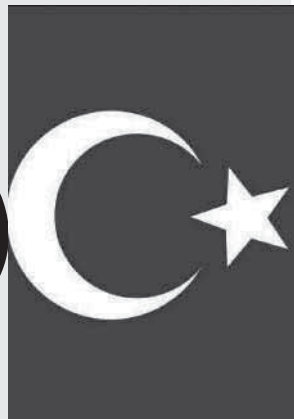
این داستان به ما می‌آموزد:

در زبان نیرویی نهفته است که زندگی می‌بخشد یا می‌میراند. گفتن کلماتی امیدبخش به کسی که بر زمین افتاده است، می‌تواند او را از زمین بلند کند و به زندگی بازگرداند. در حالی که کلام ناامیدکننده ممکن است زندگی را از او بگیرد. درباره آن چه بر زبان می‌آورید، مراقب باشید. به آن‌هایی که در مسیر شما قرار می‌گیرند، کلام امیدبخش هدیه کنید. گاهی فهمیدن این نکته دشوار است که کلام امیدبخش، می‌تواند آغازگر راهی طولانی شود. همه می‌توانند از کلماتی استفاده کنند که شرایط دشوار را برای دیگران دشوارتر سازد، اما انسان هنرمند کسی است که بتواند با کلماتی امیدبخش، آرامش و خوش‌بختی را به دیگران هدیه کند.



آموزش و پرورش ترکیه

ترجمه مهر و اشجع مهدوی



کلید واژه‌ها:
آموزش و پرورش در ترکیه، فناوری
اطلاعات و ارتباطات

این اصلاحات و نوآوری‌ها همه بر فراهم کردن فرصت‌های یکسان یاددهی-یادگیری، افزایش دست‌رسی به فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات، اصلاح برنامه‌های درسی ابتدایی و راهنمایی، افزایش فرصت یادگیری مادام‌العمر، کسب مهارت‌های کلیدی توسط جوانان، مدرنیزه کردن تربیت فنی حرفه‌ای و مدرنیزه کردن تحصیلات عالی و کار، تأکید دارند.

وزیر آموزش و پرورش ملی در حال تلاش برای ایجاد یک سازمان تقویت‌کننده ظرفیت‌های مدیریتی، و رهبری بهتر نظام آموزش و پرورش است. چند جنبه زیر در این تلاش مدنظر است:

- فراگیری اجتماعی و تساوی
- توجه به کودکان با نیازهای خاص
- توسعه منابع انسانی
- سرمایه‌گذاری مؤثر
- رهبری، سازمان‌دهی و هدایت نظام
- یکی از مهم‌ترین اصلاحات در ترکیه، "تصویب قانون اجرا و کنترل عمومی" است. با این قانون، بودجه‌بندی‌ها روی طرح‌ها و اجراهای راهبردی برای همه مؤسسات و سازمان‌های ترکیه، از جمله وزارت آموزش و پرورش ملی، مؤثرتر و بیشتر شده است.

فناوری اطلاعات و ارتباطات در آموزش و پرورش

در آموزش و پرورش با افزایش زیربنای فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات در مدارس و فراهم کردن ارتباطات اینترنتی برای همه مدارس، نوآوری‌های قابل توجهی در حال اجراست. در طول پنج سال، ۷۲۰۰۰۰ رایانه شخصی برای مدارس فراهم شده است. در چند سال گذشته، کلاس‌های فناوری اطلاعات و ارتباطات در مدارس (با هشت کلاس یا بیشتر)، برپا شده‌اند. امکان اینترنت پرسرعت ADSL برای همه مدارس فراهم شده است. در نتیجه، ۹۵ درصد از دانش‌آموزان از کلاس‌های فناوری اطلاعات و ارتباطات بهره‌می‌برند.

اهداف آموزش و پرورش در دوره‌های گوناگون براساس طرح نهم توسعه (۲۰۱۳-۲۰۰۷)

طرح نهم توسعه که از سال ۲۰۰۷ تا ۲۰۱۳ را تحت پوشش قرار می‌دهد، ترکیه را به عنوان «یک جامعه اطلاعاتی، باثبات، دارای رقابت جهانی و مطابق با استانداردهای اتحادیه اروپا»، تفسیر کرده است.

اهداف آموزش و پرورش در سطح پیش دبستانی

هدف نظام آموزش و پرورش ترکیه، افزایش رفاه و خوشبختی شهروندان و جامعه ترکیه، حمایت و تسریع رشد اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و تبدیل کشور ترکیه به تمدنی معاصر، سودمند، خلاق و متمایز است. در نتیجه، نظام آموزش و پرورش ترکیه مسئولیت تربیت دانش‌آموزان را برای مقابله با چالش‌های جامعه اطلاعاتی، و مدارس ترکیه نیز مسئولیت رشد انتقادی و مهارت‌های حل مسئله در دانش‌آموزان و نیز افزایش حس احترام به ارزش‌ها را بر عهده دارند.

۱. آموزش و پرورش رسمی در ترکیه به چهار دوره تقسیم می‌شود: آموزش و پرورش پیش دبستانی (برای کودکان ۳ تا ۵ ساله)
۲. آموزش و پرورش ابتدایی (برای کودکان ۶ تا ۱۴ ساله): هشت سال تحصیلات ابتدایی برای تمام شهروندان ترکیه اجباری و رایگان است.
۳. آموزش و پرورش راهنمایی: که شامل مدارس عمومی، و فنی حرفه‌ای است و تا ۱۸ سالگی ادامه دارد.
۴. تحصیلات عالی.

آموزش و پرورش غیررسمی

آموزش و پرورش غیررسمی شامل افرادی می‌شود که یا به کلی قادر به استفاده از آموزش و پرورش رسمی نبوده‌اند و یا مدرسه را ترک کرده‌اند. این شیوه از آموزش و پرورش، به صورت آموزش و پرورش عمومی، آموزش و پرورش کارآموزی و آموزش و پرورش از راه دور، ارائه می‌شود.

هم‌چنین، در ترکیه خدمات دیگری به عنوان آموزش و پرورش غیررسمی ارائه می‌شود؛ از جمله: مؤسسات عمومی و فنی حرفه‌ای غیررسمی شامل: مراکز آموزش و پرورش همگانی، مراکز آموزش حرفه‌ای، مدارس هنری برای دختران، مراکز تربیتی پیشرو، مدارس صنعتی، مراکز تربیت فنی برای بزرگسالان، مراکز تربیتی هتل‌داری و گردشگری برای بزرگسالان، مؤسسات آموزش از راه دور و دوره‌های خصوصی.

اصلاحات در نظام آموزش و پرورش ترکیه

در ترکیه، در زمینه اجرای عمومی و مدیریت نظام آموزش و پرورش، از سال ۲۰۰۳ تاکنون تلاش‌های اصلاح‌گرایانه‌ای انجام گرفته است. این اصلاحات اعم از اصلاح در حفظ سلامت، تحصیلات، فرهنگ، رفاه اجتماعی، توریسم، محیط زیست، کارهای روستایی، کشاورزی، باغبانی، خدمات ارتباطی و حمل و نقل و همه در حال پیشرفت است.



■ در طول پنج سال، ۷۲۰۰۰۰ رایانه شخصی برای مدارس فراهم شده است

مجله ۱۶
شماره اول - مهر ۱۳۹۰

■ در ترکیه،
در زمینه
اجرای عمومی و
مدیریت نظام
آموزش و پرورش،
از سال ۲۰۰۳
تلاش‌های
اصلاح گرایانه‌ای در
حال انجام است



- پرورش روحیه پیشرفت دائمی در تمام سطوح؛
- فراهم کردن ارتباطات اینترنتی برای مراکز یادگیری مادام‌العمر؛
- توسعه سواد دیجیتالی؛
- ارزیابی دانش و مهارت‌های کسب شده؛
- اصلاح نظام آموزش و پرورش در مقطع راهنمایی برای آماده کردن دانش‌آموزان در ورود به تحصیلات عالی و دنیای کار؛
- افزایش تقاضا برای آموزش و پرورش فنی حرفه‌ای؛
- افزایش مشارکت و حمایت جامعه در برنامه‌های آموزش و پرورش.

تغییر برنامه درسی

برنامه درسی جدید در ترکیه یکی از نوآوری‌های آموزشی در این کشور است. مهم‌ترین هدف این تغییر، تربیت افراد برای کسب مهارت‌های لازم عصر اطلاعات است. بنابر این از سال ۲۰۰۵، هشت مهارت کلیدی در این برنامه گنجانده شده است: تفکر انتقادی، خلاقیت، ارتباطات، تحقیق، مهارت‌های حل مسئله، اطلاعات و ارتباطات، کارآفرینی و مهارت‌های زبانی. این مهارت‌ها با مهارت‌های سوادآموزی و ریاضیات ادغام شده‌اند. یکی از پروژه‌های اصلاح گرایانه در ترکیه، «پروژه مدارس سیار و معلمان سیار» است. هدف این پروژه‌ها فراهم کردن مدرسه و معلم برای مناطق روستایی و مناطق بدون مدرسه و معلم است.

منبع

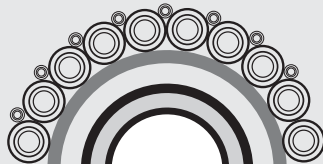
The Ministry of National Education, (2008), The development of education (national report of Turkey), Ankara.



- افزایش آموزش‌های پیش دبستانی در تمام کشور به منظور فراهم کردن فرصت‌های یکسان برای همه
- تربیت معلمان پیش دبستانی و افزایش آگاهی عمومی راجع به اهمیت تربیت دوران اولیه کودکی
- اهداف آموزش و پرورش در سطح ابتدایی
- تضمین صددرصد تحصیلات برای گروه سنی ۶ تا ۱۴ سال تا سال ۲۰۱۳؛
- تأسیس مدارس ابتدایی باز (آموزش از راه دور) برای دانش‌آموزانی که به آموزش و پرورش ابتدایی دسترسی ندارند؛
- بهبود کیفیت مدارس ابتدایی؛
- افزودن موفقیت دانش‌آموزان با تمرکز بیشتر بر کیفیت در آموزش و پرورش؛
- فراهم کردن فرصت یادگیری حداقل یک زبان خارجی و افزودن فرصت یادگیری بیشتر برای زبان دوم خارجی؛
- وارد کردن فن‌آوری‌های اطلاعات و ارتباطات به آموزش و پرورش ابتدایی؛
- کاستن تعداد دانش‌آموزان هر کلاس به کمتر از ۳۰ دانش‌آموز؛
- افزایش تعداد و ظرفیت‌های مدارس ابتدایی مرزی؛
- پاسخ به نیازهای آموزشی دانش‌آموزان فقیر؛
- افزایش خدمات مشاوره‌ای برای همه دانش‌آموزان.

اهداف آموزش و پرورش در سطح راهنمایی

- حذف تفاوت‌های کمی و کیفی بین مناطق گوناگون و تضمین فرصت‌های آموزش و پرورش یکسان برای همه؛
- کاهش تعداد دانش‌آموزان در هر کلاس در ابتدا به ۳۰ دانش‌آموز و سپس به ۲۰ دانش‌آموز؛
- استفاده منطقی و مؤثر از منابع؛
- افزایش سرمایه‌گذاری روی آموزش و پرورش؛



معصومه صحابی
رازیان (۱۳۵۲)
معلم نمونه کشوری، آذربایجان
غربی، نقده

متولد شهرستان نقده، شاغل در آموزش و پرورش شهرستان و دارای ۱۹ سال سابقه کار است. وی دارای مدرک لیسانس فقه و مبانی حقوق اسلامی است و در مدارس و دبیرستان‌های مختلفی تدریس کرده است. دبستگی شدیدی به دانش‌آموزانش دارد و خود دارای دو فرزند (زهره و فائده) است. دو بار معلم نمونه منطقه‌ای شد و در سال ۸۹۰۹ نیز معلم نمونه کشوری شده است. پارهای از مهم‌ترین فعالیت‌های او: سرگروه آموزشی، مربی انجمن‌های قرآنی، جوانان هلال احمر، مسابقات قرآن، کسب رتبه‌های برتر در جشنواره‌های الگوی تدریس برتر، مقاله‌نویسی و... خانم صحابی به جز تعدادی مقاله دو کتاب نیز به نام‌های «امام حسین بر کرانه عزت» و «اسوه حسنه» تألیف و منتشر کرده است.

اشاره
یکی از جلوه‌های بارز
آموزش و پرورش نوین
ترکیه در بعد اسلام‌گرایی،
فعالیت‌های آموزشی
فتح‌الله گولن و مدرسه‌ها و
مراکز آموزشی اوست. این
فعالیت در داخل و خارج
ترکیه شناخته شده است،
اما در ایران اطلاعات
اندکی راجع به آن وجود
دارد. از این‌رو در این‌جا
می‌کوشیم با نگاهی گذرا،
خوانندگان عزیز را در
معرض آشنایی با این
مدارس قرار دهیم.*



محمد فتح‌الله گولن یک متفکر اسلامی و فعال آموزشی است. وی در شهر ارزروم در خانواده‌ای مذهبی با گرایش صوفیانه متولد شد. تعلیمات مذهبی دید و در جوانی تحت تأثیر تعلیمات **بدیع‌الزمان سعید نورسی**، چهره بارز اسلام‌گرایی در ترکیه، قرار گرفت و هم‌زمان بر مطالعات علمی جدید خود افزود و با علوم فیزیک، شیمی و... نیز آشنایی حاصل کرد. گولن در مدارس **امام خطیب ترکیه** تحصیل کرد و سرانجام از دانشکده الهیات فارغ‌التحصیل شد و سپس به استخدام سازمان امور دیانت جمهوری ترکیه در آمد و برای تبلیغ به شرق ترکیه رفت و به تبلیغ اندیشه‌های **سعید نورسی** پرداخت و هم‌زمان به تأسیس مراکز و بنیادهای اقتصادی، فرهنگی و آموزشی نیز مشغول شد.

گولن از همان آغاز به اهمیت تعلیم و تربیت اسلامی به خوبی پی برد و لذا از دهه ۷۰ میلادی به بعد، رسماً وارد



Fethullah Gülen

مدرسه‌های

اسلام‌گرایان در ترکیه

مدرسه‌ها و دانشگاه‌های گولن

مدرسه‌ها و دانشگاه‌های گولن امروز در بیش از ۵۰ کشور جهان گسترده است؛ به ویژه پس از فروپاشی شوروی این گسترش رو به فزونی رفت. برای مثال وی در جمهوری آذربایجان دانشگاهی تأسیس کرد که هر سال حدود ۷۰۰۰ متقاضی دارد، ولی تنها ۱۰ درصد آن‌ها را می‌پذیرد. در سیبری روسیه، در ۱۰ جمهوری از ۱۳ جمهوری خودمختار آن، مدارس گولن تأسیس شده است. به همین ترتیب، در ترکمنستان ۲۰ مؤسسه، در ازبکستان ۱۸ مجتمع آموزشی، در بوسنی ۳ کالج، در افغانستان ۴ کالج، در قزاقستان یک دانشگاه و نیز در قرقیزستان، مغولستان، پاکستان، بلغارستان، داغستان، لندن و... مؤسسات گولن فعالیت دارند. در مجموع مدارس و مؤسسات آموزشی گولن از موفقیت بسیاری برخوردارند و با اقبال بسیاری مواجه شده‌اند. گولن با دوستان و هم‌فکرانش برای تأسیس مدارس دست به تأسیس شرکت‌های متعددی زده‌اند و توانسته‌اند در کل جهان بیش از ۲۰۰ مرکز آموزشی علمی و تبلیغی تأسیس کنند که ۱۷۰ مرکز آن در آسیای مرکزی- حوزه نفوذ فرهنگی ترکیه- واقع است. شایان ذکر است که فتح‌الله گولن ضد کمالیسم یا مخالف سیاست‌های پان ترکیسم نیست و از این‌رو همواره مورد تأیید و حمایت دولت‌های ترک، اعم از لاییک و اسلام‌گرا بوده است.

منابع

۱. پدر نسل طلایی، جنبش آموزشی فتح‌الله گولن در ترکیه. هفته‌نامه شهروند امروز، ۷ خرداد ۸۶.
۲. پایگاه حوزه:

hawzah.net

3. <http://af.fethullahgulen.com>

*این مطلب در دفتر مجله تهیه شده است.

فعالیت برای تأسیس مدرسه شد و با افتتاح مدرسه‌ای در شهر ازمیر، کار خود را آغاز کرد.

وی در گفت‌وگو با روزنامه انگلیسی، مهم‌ترین اهداف خود در این فعالیت‌ها را چنین اعلام کرده است: تأسیس مکان‌هایی برای تعلیم و تربیت نوجوانان قبل از این‌که کشورهای رقیب به این کار اقدام کنند؛ پرورش نسل برتر برای آینده ترکیه؛ پرورش مبلغ اسلامی برای تبلیغ از ترکیه، ایجاد هم‌بستگی بین ملت‌ها.

یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های اندیشه گولن، پیوند میان اسلام و آموزش است. وی می‌کوشد از اسلام‌گرایی سیاسی فاصله بگیرد، اگر چه همین فعالیت‌های او به طور غیر مستقیم موجب رشد اسلام سیاسی در ترکیه امروز شده و چهره‌های برجسته‌ای از دولت‌مردان مسلمان ترکیه را پرورش داده است. از نظر گولن، مهم‌ترین نقش را در شکل‌گیری نسل جدید مسلمان و متعهد، معلمان به عهده دارند. این معلمان هستند که در عمل علم را با خرد ترکیب می‌کنند و آن را با ارزش‌های اسلامی می‌آمیزند. از نظر او علم ماتریالیست (مادی‌گرا) که از ارزش‌ها تهی شده، در قبال جنگ‌ها و بدبختی‌های معاصر مسئول است، چرا که موضوع جدا بودن «ارزش» از «واقعیت»، این پیامد منطقی را دارد که علم و فعالیت علمی نسبت به دستاوردهایش هیچ مسئولیتی ندارد.

گولن به کار و فعالیت بسیار اهمیت می‌دهد و آن را موجب فلاح و رستگاری می‌داند. همین امر باعث شده است تا مسلمانان نوگرای ترکیه که تحت تأثیر گولن هستند، خصوصاً مسلمانان برجسته فرقه نقشبندی، در صنایع نساجی ترکیه نقش مهمی ایفا کنند.



واژه‌های آشنا

اشاره

«واژه‌های آشنا» بخش جدیدی است که در این دوره به مجله افزوده‌ایم تا خوانندگان عزیز را به «شیوه‌ای علمی»، با معنای مشروح و تفصیلی پاره‌ای از لغات، کلمات و اصطلاحات حوزه تعلیم و تربیت، اعم از روان‌شناسی، علوم تربیتی، برنامه‌ریزی درسی، آموزش‌های اخلاقی، و فنون و حرفه‌های بیشتر آشنا کنیم. همان‌طور که از عنوان مطلب برمی‌آید، این واژه‌ها یا اصطلاحات غریب نیستند، بلکه به طور روزمره در گفتارها و نوشتارهای ما به کار می‌روند. با این حال، دقت بیشتر در معانی آن‌ها به ما کمک می‌کند تا نسبت به «شناخت علمی» آن‌ها بصیرت بیشتری پیدا کنیم. این واژه‌ها را از منابع زیر استخراج می‌کنیم:

۱. فرهنگ توصیفی اصطلاحات روان‌شناسی، فرانکو پرونو. ترجمه مهشید یاسایی و فرزانه طاهری. انتشارات طرح نو، تهران، ۱۳۷۰.
۲. فرهنگ توصیفی علوم تربیتی، محسن فرمehنی فراهانی. انتشارات اسرار دانش، تهران، ۱۳۷۸.
۳. فرهنگ واژه‌ها، تعاریف و اصطلاحات تعلیم و تربیت، سید داود حسینی نسب و اصغر علی‌ا قدم، انتشارات احرار، تبریز، ۱۳۷۵.

آزمون (test)

در تعلیم و تربیت، آزمون به هر نوع وسیله اندازه‌گیری برای سنجش معلومات، توانایی، رغبت، فعالیت و... اطلاق می‌شود و آن عبارت از فنی است که امکان توصیف کمی و قابل کنترل رفتار یک فرد خاص را که در وضعی مشخص قرار گرفته است، فراهم می‌کند.

آزمون از یک مجموعه سؤال تشکیل می‌شود که از دانش آموز یا پاسخ‌دهنده انتظار می‌رود به صورت مستقل به آن‌ها پاسخ دهد. نتایج آزمون‌ها به صورت کمیت یا ارزش عددی بیان می‌شود. بدین ترتیب، آزمون زیرمجموعه سنجش و اندازه‌گیری است.

آمادگی یادگیری (learning set)

آمادگی یادگیری عبارت است از این که انسان بتواند رفتاری را که در ارتباط با مجموعه‌ای از تکالیف قبلی آموخته است، به تکالیف جدید، به نحوی مؤثر، منتقل کند.

برای مثال، یکی از سرگرمی‌های جمشید حل کردن جدول کلمات متقاطع است. او آن‌قدر جدول حل

کرده است که معمولاً می‌تواند یک جدول را در نصف مدت زمانی که یک فرد متوسط صرف حل کردن جدول می‌کند، حل کند. او برای حل جدول آمادگی دارد.

آموزش آزاد یا بدون درجه (nongrade instruction)

آموزش آزاد شیوه‌ای از آموزش است که در آن، کلاس یا طبقه خاصی وجود ندارد، بلکه مواد درسی از ساده به دشوار طراحی می‌شوند تا کودک یا هر آموزنده‌ای، با یادگیری ساده‌تر به مرحله بالاتر ارتقا یابد. در این روش، بین دو کلاس یا طبقه، از نظر زمانی، حدی وجود ندارد.

آموزش ابتدایی (elementary instruction)

به آموزش در سطوح تحصیلی ابتدایی و یا آموزش مقدمات یا اصول اولیه هر موضوع یا ماده، آموزش ابتدایی گفته می‌شود. اما در اصطلاح، به آن دوره از آموزش و پرورش گفته می‌شود که در کودکی معمولاً از ۵ تا ۷ سالگی آغاز می‌شود و تقریباً تا دوره نوجوانی یعنی تا آغاز دوره راهنمایی ادامه می‌یابد. در این دوره، به کودکان مهارت‌ها و معلوماتی آموخته می‌شود که جامعه از همه افرادش می‌خواهد و

هر فرد باید آن‌ها را یاد بگیرد.

آموزش اجباری (compulsory education)

آموزش اجباری استاندارد قانونی است که به موجب آن کودکان سنین ۵ تا ۱۶ ساله باید به مدرسه بروند. به بیان دیگر، آموزش اجباری مجبور ساختن افرادی که در سن مدرسه هستند، به تحصیل در مدرسه تا یک سن معین است. گاهی این سن پایان دوره ابتدایی و در بعضی از کشورها تا آخر دوره متوسطه است. آستانه اجبار در همه جوامع یکسان نیست. وجود آموزش اجباری موجب ریشه‌کنی بی‌سوادی، و عدم اشتغال زودرس و بهره‌کشی از کودکان خواهد شد.

آموزش اجتماعی (social education)

آموزش اجتماعی در سه معنا به کار می‌رود:

۱. آموزش مهارت‌های اجتماعی از قبیل روابط شخصی و بهداشت؛
۲. آموزش کودکان برای فهم بیشتر اجتماع و محیطشان؛
۳. تربیت مدرسه‌ای، که هدف آن رشد و گسترش توانایی‌های اشخاص برای شرکت در امور جامعه است.

پیام آبپران



سرزمین بختیاری و محال اربعه
پیش ازین گویندگانی داشت هم چون این زمان
خواهی ار دانی محال اربعه باشد کجا
هست آن لار و کبار و میزدج با گندمان
مرکز شعر و سخن دانی و دانش بوده است
قهقرخ، سامان، بروجن، شهرکرد و جونقان
بختیاری را چو «پژمان» اوستادانی بود
هم چنین چون «احمدی» و «افسر» شیرین زبان
مشفق بختیاری

چهارمحال و بختیاری یکی از زیباترین مناطق ایران است. سرزمینی در دل رشته کوه عظیم زاگرس، با قله زردکوه، با برف های بی پایان و یخچال های ابدی. سرزمینی با چشمه ها و رودهایی که از هر سو جاری می شوند و در یک سوی زاگرس زاینده رود آرام را به حرکت درمی آورند و در سوی دیگر کارون خروشان را، و از رهگذر این آب پربرکت است که سدهای بزرگ ساخته می شود، توربین های عظیم به حرکت درمی آیند، نیروی برق تولید می کنند و چرخ های کارخانه ها را به حرکت درمی آورند و از سرریز آب آن ها باغ ها و مزارع آبیاری می شوند.

استان چهارمحال و بختیاری هفت شهرستان دارد: شهرکرد، بروجن، فارسان، لردگان، اردل، کوهرنگ و کیار. جمعیت آن در حدود ۹۰۰ هزار نفر و مساحت آن حدود یک درصد از کل مساحت ایران است. شهرکرد مرکز استان است. به این شهر «پام ایران» می گویند، زیرا با ارتفاع ۲۰۷۲ متر از سطح دریا، بلندترین شهر ایران است. شهرکرد سابقاً دهکرد نام داشت، ولی از سال ۱۳۱۴ نامش به شهرکرد تغییر یافت. بخشی از مردم این استان را مردم ایل بختیاری تشکیل می دهند. درباره این ایل در دایرةالمعارف مصاحب چنین آمده است «... مردان آن ها در سواری و تیراندازی شهره اند... مذهب شیعه و آداب و رسوم و ترانه های خاص دارند و رؤسای آن ها به عنوان «خان» مشهورند... طوایف بختیاری عنوان «لر بزرگ» دارند... خوانین بختیاری از اواخر عهد صفویه و نادرشاه، در بعضی از حوادث و وقایع ایران مداخله داشته اند در عهد استبداد صغیر محمدعلی شاه قاجار، قیام آن ها و مساعی بعضی از رؤسای آن ها مانند صمصام السلطنه و سردار اسعد بختیاری، به کمک مجاهدین مشروطیت در فتح تهران کارساز شد و مشهور است.» در تداوم همین سیره دلاوری و مردانگی بود که در جنگ نابرابر تحمیلی، یعنی در سال های دفاع مقدس نیز مردان و زنان این سرزمین هم پای دیگر مردمان ایران زمین، کمر همت بر بستند و در جبهه ها حماسه ها آفریدند و شهیدانی بزرگ در راه خدا تقدیم کردند.

این ویژه نامه را خاص آموزش و پرورش استان چهارمحال و بختیاری تهیه کرده ایم تا جلوه ای از تلاش های معلمان و مربیان را در شکوفا کردن استعداد کودکان و نوجوانان این گوشه از میهنمان، به دیگر همکاران آن ها در اقصا نقاط کشور نشان داده باشیم. از آقایان، حبیب نیک خو- مدیر کل، محمدتقی کلواری، معاون و قدمعلی گنجعلی مسئول روابط عمومی اداره کل آموزش و پرورش استان، به خاطر همکاری در تهیه این ویژه نامه، تشکر می کنیم.
ان شاء الله





حبیب نیک‌خو، مدیرکل آموزش و پرورش استان است. وی در سال ۱۳۶۰ با پذیرفته شدن در اولین دوره پذیرش دانشجو پس از انقلاب اسلامی، وارد مرکز تربیت معلم شهید پاک‌نژاد یزد شد و پس از فراغت از تحصیل، در مراکز آموزشی مشغول به کار گردید. وی در دی‌ماه ۱۳۸۴ از سوی وزیر وقت آموزش و پرورش به سمت مدیرکل استان منصوب شد و تاکنون در این مسئولیت انجام وظیفه کرده است. پاسخ سؤال‌های رشد معلم از آقای حبیب نیک‌خو را با هم می‌خوانیم:

فراز و فرود در آموزش و پرورش

گفت و گو با حبیب نیک‌خو
مدیرکل آموزش و پرورش استان

تقریباً تمام نقاط جغرافیایی قابل دسترسی استان، به آموزشگاه مجهز شده است.

- بازسازی فضای کالبدی و تجهیز فضاها که به‌طور کامل فضای آموزشی استانی را عوض کرده است.
- ارتقای وضعیت توانمندی‌های حرفه‌ای کارکنان و آموزگاران آموزش و پرورش استان و جذب نیروهای کارشناس

- توسعه حداکثری آموزش‌های فنی و حرفه‌ای
- فعال شدن بخش غیردولتی و مشارکت نسبی مردم در امر آموزش جامعه هدف.

● آیا در استان با کمبود معلم هم روبه‌رو هستید؟
برای تأمین آن و نیز برای ارتقای آموزش معلمان چه اقداماتی انجام داده‌اید؟

○ در جنسیت یادوره، و بعضی رشته‌های آموزشی خاص، کمبودهایی داریم. البته به هر حال، نیروهای لازم از مسیرهای گوناگون تأمین می‌شوند. کمبود دبیران برخی رشته‌های علوم پایه و دبیران فنی، از جمله کمبودهای ماست. فعالیت‌های مربوط به بخش ارتقا و تأمین نیز از این قرارند:

الف) در بخش پذیرش نیروهای انسانی، نیروها صرفاً با لحاظ جنسیت و رشته مرتبط و سطح کارشناسی ارشد و کارشناسی انتخاب می‌شوند.
ب) دالان ورود نیروی انسانی ما، دانشگاه ویژه فرهنگیان است که نیروهای انسانی متخصص را با توانمندی‌های خاص حرفه‌ای، آموزش می‌دهد.

ج) در بخش نیروهای موجود، واحد ارتقا، هزاران ساعت آموزشی برای افزایش سطح تحصیلات یا کارکردهای حرفه‌ای و اعتقادی نیروها برنامه‌ریزی کرده است و در تمام ایام سال، مجموعه نیروهای آموزش و پرورش تحت پوشش این برنامه‌ها هستند.

● وضعیت رفاهی معلمان در استان چگونه است و چه اقداماتی در این خصوص صورت گرفته است؟

○ پرداخت به‌موقع حقوق کارکنان؛ ابلاغ و اجرای احکام مربوط؛ اجرای برنامه‌های حمایتی و رفاهی مثل بیمه‌های عمر، تکمیلی و طلایی؛ تقویت تعاونی‌های مسکن و مسکن‌دار کردن همکاران فرهنگی دارای شرایط؛ حمایت از مراکز رفاهی، آموزشی و درمانی ویژه فرهنگیان؛ اختصاص دادن سهمیه‌های خاص زیارتی و گردشگری؛ برگزاری اردوهای خاص برای مجموعه‌های گوناگون معلمان و فرهنگیان؛ انتخاب، ترغیب و تشویق فرهنگیان برتر از نظر شاخص‌های تربیتی و آموزشی.

● مهم‌ترین مسئله یا مشکل شما در استان چیست؟
○ در بخش نیروی انسانی، تأمین نیروی مورد نیاز

● شما ویژگی برجسته و البته مثبت آموزش و پرورش استان را در چه می‌بینید؟

○ بزرگ‌ترین ویژگی آموزش و پرورش استان، حضور نیروهای کارآمد و شاخص در بخش‌های متفاوت آن است؛ به‌طوری که علاوه بر ایفای نقش مدیریتی در بخش‌های آموزش و پرورش، اکثر مناصب مدیریتی سایر دستگاه‌های اجرایی نیز در اختیار فرهنگیان استان است. وجود این بخش از نیروها، مزیتی فوق‌العاده برای آموزش و پرورش استان محسوب می‌شود.

● در سه دهه اخیر، چه تحولات مهمی در آموزش و پرورش استان روی داده است که بتوان آن را رشد و پیشرفت تلقی کرد؟
○ اگر بخواهیم از تحولات قابل توجه آموزش و پرورش یاد کنیم، این موارد قابل ذکر است:

- توسعه و تسری آموزش عمومی در اقصا نقاط استان؛ به‌طوری که در چند دهه گذشته،



مردم، فرهنگ، شهادت و...

آموزش و پرورش ما مرهون تلاش های بزرگانی است که شیرازۀ تعلیم و تربیت این دیار را بستند و فرهنگ مردم شهری، روستایی و عشایر این سامان را با فرهنگ الهی آمیختند تا ضامن تعالی نسل های بعد باشد.

آموزش و پرورش یا به عبارتی تعلیم و تربیت مردم ما نیز برپایۀ همین فرهنگ شکل گرفته است. مردمی که در گذر تاریخ درس استقامتشان را از «کوه کلار» آموخته اند، با مردانی که در شجاعت کم نظیرند و مادران صبوری که دستان پربرکشان چون سرچشمه های زاینده رود جاری و جوشان است. اینان مردمی هستند به روایت روزگار، آبدیده و تجربه اندوخته؛ حکایت فقرشان را از طاغوت به یادگار دارند و نجات از جهل را مدیون آن پیر سفر کرده ای هستند که گرچه امروز در بین ما نیست، اما حکایتش تا ابد ماندگار خواهد بود. اینان در مدرسه تلاش، شجاعت را به فرزندانشان یاد دادند.

کوچک و بزرگشان برای حراست از این دیار، عاشقانه به میدان جنگ شتافت و گلگون کفنانی که در دورترین نقاط این دیار با نام شهید خفته اند، سند ماندگار این روایت اند.

مدرسه های این دیار همواره معطر است به عطر خوش قرآنی که هر روز از صبحگاه مدارسش به گوش می رسد؛ همان که هر صبح دل به نوایش می سپارند و پس از آن علوم عقلی و نقلی را به یادگیری، زانوی تلمذ بر زمین می زنند.

این دیار معلمان و مربیانی داشته که در عرصه جهاد و شهادت، فرماندهان عشق اند چون خداکرم رجب پور، حسن نادری، رحمان استکی و بسیاری دیگر که گم نام ماندند اما تاریخ امروز و فردای این دیار را ساختند.

حکایت این دیار حکایت انسان های آزاده ای است که هر روز در دانشگاه بندگی مشق عشق می کنند. به یادمان باشد ما در این راه عقب نمانیم و به فرمودۀ مراد و پیر سفر کرده مان، برای تعالی از دو بال تهذیب و تعلیم مدد گیریم، چرا که پای درسش یاد گرفته ایم تعلیم و تعلم هر دو عبادت است و شاید این یکی از مصادیق همان آیه شریفه ای است که فرمود «و ما خلقت الجن و الانس الا ليعبدون».



در برخی گروه های تخصصی، همان طور که قبلاً گفته شد، با مشکل مواجه است.

در بخش فضاهای کالبدی، تأمین، تدارک و تجهیز فضاهای نیمه تمام و دارای نیازمندی های خاص و ساخت و ساز برای نقاط پر تراکم دانش آموزی در برخی نقاط محروم استان ضروری است.

در بخش فناوری اطلاعات، جایگاه و پایگاه اولیه توسعه فناوری اطلاعات، آموزش و پرورش است، اما متأسفانه زیرساخت مناسب برای توسعه استفاده از نرم افزارها و شبکه اتوماسیون اداری و سایر مباحث مرتبط فراهم نیست. فقدان این زیرساخت، فعالیت های مرتبط را معوق و معطل نگه داشته است.

● آیا مجلات رشد را می خوانید؟ به نظر شما این مجلات تا چه حد بر معلمان و دانش آموزان مؤثرند؟

○ مجلات رشد همیشه مورد توجه بوده اند، تا جایی که مدیریت آموزش و پرورش استان و معاونان آموزشی دوره های گوناگون تحصیلی، بر استفاده دانش آموزان و معلمان از مجلات رشد تأکید خاص دارند. ما برای پوشش کامل دانش آموزان، اعتبارات خاص مالی تخصیص داده ایم. برنامه تأمین محتوا برای مجلات رشد نیز جزو برنامه های خاص حوزه مدیریتی مرتبط است تا سطح این اقدام مشارکتی افزایش یابد.

● به نظر شما مجلات رشد چه امری را باید در اولویت کاری خود قرار دهند؟

○ مهم ترین نکته مرتبط با آموزش و پرورش، ابلاغ الزامات اجرایی نامه تحول بنیادین مورد نظر مقام معظم رهبری در آموزش است. بخشی از بایسته های تحولی، برطبق قاعده در تأمین محتوای مجلات رشد باید لحاظ شود. امروز مجلات رشد مورد توجه خاص نیروهای تخصصی استفاده کننده و جامعه دانش آموزی هستند و تأمین محتوای هر چه مطلوب تر آن ها ضرورت دارد.

عمان سامانی

سامانی به یادگار مانده، عبارت‌اند از: گنجینه الاسرار، معراج‌نامه، مخزن‌الدّر و دیوان اشعار.

از این میان گنجینه الاسرار شهرت بسزایی دارد. ابیاتی از آن را می‌خوانیم:

کیست این پنهان مرا در جان و تن
کز زبان من همی گوید سخن
این‌که گوید از لب من راز کیست
بنگرید این صاحب آواز کیست
در من این‌سان خودنمایی می‌کند
ادعای آشنایی می‌کند

کیست این گویا و شنوا در تنم
باورم یا رب نیاید کاین منم
متصل‌تر با همه دوری به‌من
از نگه با چشم و از لب با سخن
خوش پریشان با منش گفتارهاست
در پریشان‌گویی‌اش اسرارهاست
گوید او چون شاهدهی صاحب‌جمال
حُسن خود بیند به‌سر حد کمال
از برای خودنمایی صبح و شام
سربر آرد که ز برزن که زیام
با خدنگ غمزه صید دل کند
دید هر جا طایری بسمل کند
گردنی هر جا در آرد در کمند
تا نکوید کس اسیرانش کم‌اند

عمان سامانی، شاعر پرآوازه‌ای از استان است که به سال ۱۲۵۸ هـ.ش در سامان (مرکز بخش لار) به دنیا آمد و به سال ۱۳۲۲ هـ.ق در سن ۶۴ سالگی در زادگاهش بدرود حیات گفت. پیکر او را براساس وصیت خودش به نجف اشرف بردند و در وادی السلام به خاک سپردند.

عمان از اعضای اصلی انجمن ابوالفقرای اصفهان بود و تا سال ۱۲۸۶ هـ.ق در جلسات هفتگی این انجمن شرکت می‌کرد. وی در این ایام، شاعری ۲۶ ساله بود. عمان در قصیده انجمنیه خود، از ۱۴ نفر از شعرای بنام اصفهان که عضو انجمن ابوالفقرا بوده‌اند، یاد کرده است؛ ابوالفقرا، مسکین، پرتو، افسر، بقا، عنقا، آشفته، فرح، ساغر، پروین، دهقان، شعری، و جوزا.

پس از درگذشت ابوالفقرا (ملاحمدباقر اصفهانی) جلسات هفتگی انجمن ادبی در منزل ملک‌الشعرا (عنقا) تشکیل می‌شد و عمان سامانی نیز در آن شرکت می‌کرد. استاد فقید مرحوم **جلال همایی** (سنا) در مقدمه دیوان طرب به نقل از مرحوم «سها» و بعضی از بزرگان شعرای اصفهان، مرقوم داشته است که عمان سامانی، قصیده معروف لامیه خود را در مدح امیرمؤمنان علی(ع) (در ایامی که جلسات انجمن در منزل عنقا برگزار می‌شد)، سروده است. آثاری که از عمان

دارا افبختیار

خدایه

ای که روزی همه خلق ز انبار تو نه^۱
آسمون‌ها و زمین کرده کردار تو نه^۲
ئی همه نقش و نگاری که منہ^۳ دنیا هد^۴
همه از پرتو یک جلوه دیدار تو نه^۵
افتو^۶ و ئی همه نوری که اتاوه^۷ به زمین
مختصر ذره‌ای از تابش رخسار تو نه^۸
ئی همه او که به دریا چونو^۹ هی موج از نه^{۱۰}
چکه‌ای از کرم اور گهریار تو نه^{۱۱}
عاقلون هرچه کنن فکرو ایا^{۱۲} لن^{۱۳} به خوشون^{۱۴}
اشتباه کردند، پاک جمله ز افکار تو نه^{۱۵}
هر که زهد^{۱۶} از پی مقصود و به مقصود رسید
او نرهد و نرسیده، یو^{۱۷} ز رفتار تو نه^{۱۸}
هر حکیمی که دوا داد و مریض^{۱۹} "خو"^{۲۰} اید^{۲۱}
او دواها همه از قیطی^{۲۲} عطار تو نه^{۲۳}

دارا افسر بختیاری از شاعران معاصر بختیاری است. پدرش آقا اصلان از طایفه احمدی بختیاری و مادرش بی بی گوهر، دختر حسین قلی خان ایلخانی، و خواهر سردار اسعد بود. دارا در سال ۱۳۷۹ ش در چقاقور متولد شد. از سی سالگی شروع به سرودن شعر کرد و شعر زیبایی به لهجه لری سرود به نام «رستاخیز مسجد سلیمان» که در نوع خود بی نظیر است.

از افسر دیوان شعری باقی است که در سال ۱۳۴۴ به کوشش **عبدالحسین سپنتا** در اصفهان چاپ شد و اشعار فارسی و لری این شاعر را در بردارد. دارا در سال‌ها به علت سکت در بستر بیماری بود و در سال ۱۳۴۵ درگذشت. بخشی از شعر «خدایه» او را که به لری سروده است، می‌خوانید:

پی‌نوشت

۱. تو است
۲. میان، در
۳. هست
۴. آفتاب
۵. می‌تابد
۶. چنین
۷. ببالند
۸. به‌خودشان
۹. رفت
۱۰. این
۱۱. مریض او
۱۲. خوب
۱۳. شد
۱۴. قوطی



آموزش و پرورش ما از آغاز تا امروز

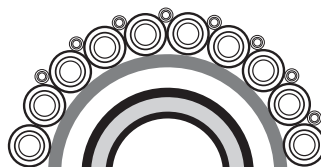
منطقه چهارمحال و بختیاری یکی از مراکز تمدنی با سابقه در ایران است که می‌توان نشانه‌هایی از آن را با توجه به اسناد باستان‌شناختی و تاریخی برجای مانده در گوشه و کنار استان مشاهده کرد. در گذشته‌ای نه چندان دور، از این منطقه علمای برجسته‌ای برخاستند که از آن میان باید به **آیت‌الله سید ابوالقاسم دهکردی** اشاره کرد. خوانین بختیاری نیز غالباً اهل فرهنگ و جویای دانش و فرزاندی بودند و آثاری، اعم از تألیف و ترجمه و سفرنامه، از خود به جا گذاشته‌اند.

اما مدارس

پس از مکتب‌خانه‌های ثابت موجود در بسیاری از روستاها و شهرهای چهارمحال و بختیاری و مکتب‌خانه‌های سیار عشایر در سردسیر و گرمسیر این ناحیه، باید از **مدرسه علمیه امامیه شهرکرد** (دهکرد) یاد کرد که به عنوان مرکزی برای تحصیل علوم دینی و مذهبی در اواسط دوره قاجاریه تأسیس شد. اما از اواخر قاجاریه به بعد، به دنبال گسترش تأسیس مدارس ملی، بویژه به تأسی از دارالفنون و سپس مدارس نوین در شهرهای اصفهان، تبریز، شیراز، مشهد، بوشهر و... با حمایت بزرگان این منطقه، مقدمات راه‌اندازی مدارس ملی نیز فراهم شد. نتیجه آن، بنیادگذاری مدارس و مؤسساتی آموزشی است چون: **هنرستان شهاب اروجن** (بروجن) به سرمایه و حمایت **حاج سلطان علی شهاب السلطنه بختیاری**، **مدرسه بختیاری دهکرد** (شهرکرد) به سرمایه و حمایت هیئت خوانین بختیاری و گروهی از مالکان دهکردی (شهرکردی)، **مدرسه سعادت قهفرخ** (فرخ‌شهر) به سرمایه و حمایت **حاج علی مدنی قهفرخی** و مدرسه جوقنان به سرمایه و حمایت **جعفرقلی خان سردار اسعد سوم بختیاری**؛ مدرسی که ماحصل فعالیت‌های علمی و آموزشی‌شان تربیت دانش‌آموزانی بود که بسیاری از آن‌ها به مدارج عالی تحصیلی رسیدند.

از ابتدای دهه ۱۳۰۰ ه.ش به بعد، با تأسیس نمایندگی اداره فرهنگ در شهرکرد، وابسته به اداره کل فرهنگ استان دهم، که مناطق اصفهان، یزد و چهارمحال و بختیاری را شامل می‌شد، فعالیت‌های آموزشی در این منطقه با نظم بیشتری پی‌گیری شد و با تأسیس مدارس چون **سنایی فرخ‌شهر** و **شاپور شهرکرد**، بر تعداد مدارس افزوده شد. تأسیس اداره کل فرهنگ، در فرمان‌داری کل چهارمحال و بختیاری، در دهه ۱۳۳۰ ه.ش که یک دهه بعد نام آن به اداره کل آموزش و پرورش چهارمحال و بختیاری تغییر یافت، نظام تعلیم و تربیت ملی را در سطح بسیاری از مناطق شهری و روستایی این خطه گسترش داد. این روند با تبدیل «فرمان‌داری کل چهارمحال و بختیاری» به «استان چهارمحال و بختیاری» در دهه ۱۳۵۰ ه.ش ادامه یافت تا این‌که با پیروزی انقلاب اسلامی و تأسیس مرکز تربیت معلم شهید رجایی و دانش‌سرای شهید باهنر، به منظور تأمین معلم برای واحدهای آموزشی عشایری، روستایی و شهری، به نقطه اوج خود نزدیک شد.

در طول سال‌های دفاع مقدس، خانواده بزرگ فرهنگیان و دانش‌آموزان این استان، با تقدیم ۱۳۷ معلم شهید سرافراز و ۶۰۰ دانش‌آموز شهید جاوید نام، دین خویش را به انقلاب اسلامی ادا کردند تا سهمی اساسی در پیشرفت ایران اسلامی داشته باشند. در دهه ۱۳۷۰ ه.ش، اداره کل آموزش و پرورش چهارمحال و بختیاری به سازمان آموزش و پرورش چهارمحال و بختیاری تغییر نام یافت و از سال ۱۳۸۸ ه.ش مجدداً تحت عنوان اداره کل آموزش و پرورش چهارمحال و بختیاری، با دارابودن منطقه، شهرستان، ناحیه و نمایندگی، هم‌چنان مشعل دار تعلیم و تربیت در سطح این استان است.



غلامحسین فاتحی (۱۳۵۳)
معلم نمونه کشوری

آقای غلامحسین فاتحی متولد فرخ‌شهر است. از دبیرستان شهید صالحی این شهر دیپلم گرفته و از دانشگاه شهرکرد مدرک کارشناسی ارشد دریافت کرده است. وی ۱۷ سال سابقه کار دارد که هفت سال آن را در منطقه کیار خدمت کرده است و اکنون در آموزش و پرورش ناحیه ۲ شهرکرد به کار اشتغال دارد. غلامحسین فاتحی علاوه بر فعالیت درسی، در زمینه قرآن نیز چهره‌ای درخشان است. حافظ کل قرآن است و در سال ۱۳۷۳ رتبه اول حفظ قرآن را در مسابقات دانشجویی کشور حائز شده است. انتخاب ایشان به عنوان معلم نمونه کشوری سال ۹۰-۱۳۸۹ را تبریک می‌گوییم.



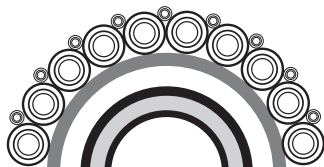
اداره آموزش و پرورش عشایر استان چهارمحال و بختیاری

آموزش عشایر را در ایران شادروان محمد بهمن بیگی در دهه ۱۳۳۰ بنا نهاد و خدمات شایانی به این قشر از جامعه ایران کرد. پس از پیروزی انقلاب و فتوری چند ساله، خوش بختانه این بخش بار دیگر فعال شد و اداره کل آموزش و پرورش عشایر در گستره ای وسیع تر به خدمات خود ادامه داد.

اداره آموزش و پرورش عشایر استان چهارمحال و بختیاری نیز در راستای خدمت رسانی به دانش آموزان مستعد عشایری و ایجاد زمینه شکوفایی آنان، فعالیت خود را در سال ۱۳۷۰ با تحت پوشش قرار دادن ۳۵۶ آموزشگاه در شش منطقه عشایری استان آغاز کرد.

این اداره از سال ۱۳۷۶ تاکنون، به عنوان اداره ای مستقل به کار خود ادامه داده و هم اکنون با تعداد ۲۵ پست سازمانی در سه شهرستان لردگان، اردل و کوهرنگ (به صورت کوچ رو) مشغول فعالیت است. خوش بختانه در طول چند سال فعالیت و در راستای سیاست دولت مردان جمهوری اسلامی مبنی بر محرومیت زدایی و برقراری عدالت در زمینه های آموزشی، پرورشی، عمرانی و تأمین تجهیزات، فعالیت های چشم گیری در این مناطق صورت گرفته که امید است با حمایت مسئولان محترم و عمل به شعارهای دولت کریمه اسلامی، بویژه شعار عدالت محوری دولت، زمینه های رفع معضلات و مشکلات موجود فراهم شود.

اداره آموزش و پرورش عشایر استان چهارمحال و بختیاری در سال تحصیلی ۹۰-۱۳۸۹ با تعداد ۱۳۴ آموزشگاه (شامل ۸۷ آموزشگاه ابتدایی، ۲۳ آموزشگاه راهنمایی و ۱۴ آموزشگاه متوسطه، ۵ مرکز پیش دانشگاهی و ۵ آموزشگاه کار دانش، و با جمعیت دانش آموزی ۷۰۱۶ نفر (۳۹۰۴ در دوره ابتدایی، ۱۷۴۹ نفر در دوره راهنمایی، ۱۰۳۷ نفر در دوره متوسطه، ۲۳۰ نفر در دوره کار دانش و تعداد ۹۶ نفر در دوره پیش دانشگاهی) در سه شهرستان استان، در راستای خدمت به دانش آموزان عشایری فعالیت می کند. تعداد ۲۸ نفر کارمند اداری و ۶۱۷ نفر همکار آموزشی (شامل ۱۹۳ نفر همکار خواهر و ۴۵۲ نفر همکار برادر) در سال تحصیلی ۹۰-۱۳۸۹ در این اداره به کار اشتغال دارند. کسب یک رتبه کشوری و ۲۴ رتبه استانی در مسابقات ورزشی دانش آموزان، راهیابی دو نفر از دانش آموزان به المپیاد علمی کشوری و کسب رتبه اول قبولی کنکور در استان، هم چنین کسب رتبه اول مسابقات سرود دانش آموزان عشایری کشور در سال تحصیلی ۹۰-۱۳۸۹ تنها گوشه ای از موفقیت های دانش آموزان عشایری این استان است.



گیتی محسنی (۱۳۴۶)
معلم نمونه کشوری

خانم گیتی محسنی دارای مدرک لیسانس امور تربیتی است و در حال حاضر مدیریت مدرسه حاج عباس صفروپور را در شهرکرد برعهده دارد. از فعالیت های او، برگزاری جلسات مشاوره برای دانش آموزان مدارس و انجام کارهای پژوهشی است. دو جزء قرآن را از حفظ دارد و تاکنون تقدیرنامه هایی هم از طرف ریاست جمهوری و وزیر آموزش و پرورش برای پرسش مهر دریافت کرده است.

وی در سال تحصیلی ۹۰-۱۳۸۹ به عنوان معلم نمونه کشوری از استان چهارمحال و بختیاری معرفی شده است. برای این همکار محترم آرزوی موفقیت داریم.



رتبه‌های برتر استان در کنکور سراسری سال ۱۳۸۹ (سهمیه عادی)

ردیف	شهر	نام	نام خانوادگی	جنس	گروه امتحانی	سهمیه نهایی	رتبه در سهمیه	گروه قبولی	نام رشته قبولی	نام دانشگاه	دوره	مقطع
۱	لردگان	صادق	حسینی ساطعی	مرد	تجربی	منطقه سه	۱۰	تجربی	پزشکی	دانشگاه علوم پزشکی - شهید بهشتی - تهران	روزانه	دکترا
۲	شهرکرد	مژده	حیدری سورخانی	زن	انسانی	منطقه سه	۱۶	انسانی	حقوق	دانشگاه تهران	روزانه	کارشناسی
۳	شهرکرد	حمیده	طاهری	زن	هنر	منطقه دو	۱۹	هنر	عکاسی	دانشگاه هنر اصفهان	روزانه	کارشناسی
۴	بروجن	سپیده	درخشان	زن	انسانی	منطقه دو	۲۵	انسانی	حقوق	دانشگاه شهید بهشتی - تهران	روزانه	کارشناسی
۵	لردگان	شکوفه	مرادی گوزلکی	زن	انسانی	منطقه سه	۲۹	انسانی	حقوق	دانشگاه اصفهان		

رتبه‌های برتر استان در کنکور سراسری سال ۸۹
رتبه‌های زیر ۵۰ (سهمیه شاهد)
۱. فاطمه امیرپور، رتبه ۲۴، رشته هنر
۲. محمدحسین حبیبی، رتبه ۲۷، رشته ریاضی

نفرات برتر المپیادهای علمی
۱. آرمان فره‌زار، مدال برنز المپیاد شیمی
۲. پوریا میرزاوند بروجنی، مدال برنز المپیاد شیمی
۳. نسیمه حیدری، مدال نقره المپیاد شیمی
۴. محمدجواد نادری بنی، مدال نقره المپیاد کامپیوتر
۵. مصطفی کریمی، مدال نقره المپیاد کامپیوتر

تعداد مراکز آموزشی استان چهارمحال و بختیاری

تعداد	دوره
۴۱۷	کودگستانی و پیش‌دبستانی
۹۶۴	ابتدایی
۴۹۴	راهنمایی
۳۱۴	متوسطه
۱۰	فنی
۲۱	حرفه‌ای
۶۸	کارودانش
۲	کشاورزی
۱۴۶	پیش‌دانشگاهی
۶۷	آموزش بزرگسالان

آموزش و پرورش استان در آینه آمار

ردیف	شهرستان/ منطقه	رییس/ مدیر	تعداد دانش‌آموز
۱	ناحیه یک	شکرالله چراغیان	۹۶۰۳
۲	ناحیه دو	بهنام شمس	۱۳۸۱
۳	کیار	علی کریمی	۴۲۷۴
۴	بروجن	مسلم شبانی	۸۳۳۲
۵	آردل	مسعود پرخورداری	۳۸۵۶
۶	فارسان	بهادر مختاری	۹۶۵۱
۷	کوه‌رنگ	دادشاه اقبالی	۳۶۰۷
۸	لردگان	علی رحیمی	۱۱۶۹۶
۹	فلارد	ایرج سلطانی	۳۰۰۱
۱۰	لارارن	اسفندیار شقیعی	۲۹۶۹
۱۱	سامان	حمزه عرب	۳۰۱۰
۱۲	بن	یحیی اکبری	۲۴۳۵
۱۳	مینکوه	عزت‌الله علی یاری	۱۸۷۰
۱۴	گندمان	هومان جمالی	۱۳۶۴
۱۵	خانمیرزا	فریدون علی‌پور	۳۵۶۹
۱۶	بلداجی	عباس رفیعی	۱۸۵۸
۱۷	عشایری استان	نیازعلی انصاریان	۳۲۷۶
۱۸	استثنایی	حجت‌الله صفری	۵۲۸
۱۹	نهضت سوادآموزی	امیرحسین پور	-

واژه‌های آتشنا

احساس (sensation)

احساس فرایندی است که به کمک آن، اندام‌های حسی (چشم‌ها، گوش‌ها و...) انرژی‌های محرک جهان بیرونی را به داده‌های خام تجربه تبدیل می‌کنند. مثلاً وقتی انرژی نوری وارد چشم می‌شود، مواد خاصی به نام رنگدانه‌های نوری را در چشم تجزیه می‌کند که این امر موجب آزاد شدن انرژی و در پی آن تحریک یافته‌های عصبی می‌شود و دیدن اتفاق می‌افتد؛ یعنی چشم وجود چیزی را در مقابل خود «احساس» می‌کند.

اختلال شخصیت

(personality disorder)

اختلال شخصیت نوعی اختلال رفتاری است که مشخصه آن، بروز مشکلات بسیار در انطباق اجتماعی است. کسی که دچار اختلال شخصیت است، لزوماً احساس نمی‌کند که اشکالی دارد، ولی غالباً دیگران او را، پر در دسر یا آزار دهنده می‌دانند.

ادراک

(perception)

ادراک فرایندی است که از طریق آن، احساس‌ها، یعنی اجزای اطلاعاتی که از اندام‌های حسی گرفته می‌شود، به کل‌های سازمان یافته و معنادار تبدیل می‌شوند. مثلاً شما به چهار نقطه روی یک تکه کاغذ نگاه می‌کنید. این نقطه‌ها به شکل چهار رأس یک مربع قرار گرفته‌اند. شما می‌گویید می‌توانید آن‌ها را به صورت یک مربع ببینید. «دیدن» این مربع که بر اساس اطلاعات حسی به دست آمده از چهار نقطه نامتصل است، عمل ادراک نامیده می‌شود.

اراده

(will)

اراده استعدادی ذهنی تلقی می‌شود که فرد را به «انتخاب آگاهانه» قادر می‌سازد. انتخاب از میان چند چیز، دست زدن به اقدام مثبت، یا اقدام بازدارنده، همگی قدرت‌هایی هستند که به طور سنتی به اراده مربوط دانسته می‌شوند. برای مثال، محسن بارها تلاش کرده است سیگار را ترک کند، ولی موفق نشده است. او به دوستش می‌گوید: «گمانم قدرت اراده چندان

ندارم.» این گفته نشان می‌دهد که اصل خبر وجود اراده را می‌پذیرد. در ضمن، نشان می‌دهد که اراده او برای دست زدن به اقدام بازدارنده-مقاومت در برابر میل به سیگار-ضعیف است.

منابع

۱. فرهنگ توصیفی اصطلاحات روان‌شناسی. فرانکو برونو. ترجمه مهشید یاسایی و فرزانه طاهری. انتشارات طرح نو. تهران. ۱۳۷۰.
۲. فرهنگ توصیفی علوم تربیتی. محسن فرمehینی فراهانی. انتشارات اسرار دانش. تهران. ۱۳۷۸.
۳. فرهنگ واژه‌ها، تعاریف و اصطلاحات تعلیم و تربیت. سید داود حسینی نسب و اصغر علی اقدم. انتشارات احراز. تبریز. ۱۳۷۵.

آموزش باز

(open education)

در طی سالیان متمادی، واژه‌های «باز» و «از راه دور» به طور مترادف به کار رفته‌اند تا این نوع نظام را از هرگونه سنتی که در آن امر یادگیری منوط به تشکیل کلاس است و ظاهراً نظام «بسته» یا محدود تلقی می‌شود، متمایز سازد. در این زمینه «باز بودن» به معنای رهایی از تماس چهره به چهره میان یاددهنده و یادگیرنده و همچنین نشان دهنده رویکردی در امر آموزش است که به جای تأکید بر محتوا، روش، کتاب و معلم، بیشتر بر علاقه‌ها و نیازهای دانش‌آموزان یا دانشجویان متمرکز است. آموزش باز شیوه‌ای چند رسانه‌ای است که از مواد چاپی، دیداری، شنیداری، کیت‌های آموزشی و برنامه‌های رایانه‌ای استفاده می‌کند.

آموزش فرهنگی

(cultural education)

آموزش فرهنگی در سه معنا به کار می‌رود:

۱. آموزش و پرورشی که به پیشرفت فرهنگ می‌پردازد و برای انتقال آداب و رسوم و عرف به یک عده یا ملت می‌کوشد.
۲. تربیتی که به ارزش‌های انسانی، تاریخی، علم، ادبیات و هنر بیشتر توجه دارد؛ با صرف‌نظر از جنبه‌های عملی و حرفه‌ای.
۳. تنویر و تهذیب تدریجی و دائمی افکار به وسیله گسترش تجربه و فهم.



علیرضا اقتصاد (۱۳۴۵)

معلم نمونه کشور، اصفهان

در معرفی این معلم به قلم خود ایشان آمده است: دبیر آموزش و پرورش ناحیه ۲ اصفهان هشتم و ۲۴ سال سابقه کار دارم. به قول مولانا خود: ثنا گفتن ز من ترک‌ناست / اکین دلیل هستی و هستی خطاست. زندگی اثر هنری است. یک شاهکار هنری است. یک آفریده تمام‌عیار هنری از جانب خالق یکتاست. پس چه بهتر که از این شاهکار هنری بتوان لذت برد. در شهر استهبان-نصف کوچک ایران- به دنیا آمدم. در سال ۶۶ در رشته هنرهای تجسمی تحصیل کردم و به استخام آموزش و پرورش استان فارس درآمد. در عین حال به جبهه رفتم و به افتخار جانبازی نایل شدم. بعداً جهت ادامه تحصیل به دانشگاه هنر اصفهان وارد شدم و توانستم مدرک کارشناسی و سپس کارشناسی ارشد هنر را دریافت کنم و اکنون در این شهر به تدریس مشغولم. بیش از پنجاه مقاله در زمینه‌های علمی، فرهنگی و هنری نوشته‌ام. سه کتاب تألیفی نیز دارم: شیوه طراحی به زبان ساده، آموزش خط تحریری، مفهوم رنگ از نظر اسلام.

شناخت
علمی

جریان‌های اقیانوسی

ترجمه و تألیف: حسن پستا

شناخت علمی پدیده‌های هستی و کشف قوانین حاکم بر جهان آفرینش، کلید کسب معرفت و خود راهی روشن برای شناخت خداوند حی لایموت است. مقالاتی که از این شماره و با عنوان کلی «شناخت علمی» می‌خوانید و حوزه‌های گوناگون علوم از جمله فیزیک، شیمی، ریاضی، زیست‌شناسی، جغرافیا، روان‌شناسی و ... را در بر خواهد گرفت، با این هدف تهیه و تقدیم شما معلمان گرامی می‌شود. این مقالات جنبه تخصصی ندارد و همه خوانندگان می‌توانند از آن بهره لازم را ببرند و بر دانش و آگاهی خود بیفزایند. توجه شما را به نخستین مقاله از این سلسله که در مورد جریان‌های اقیانوسی است، جلب می‌کنیم: رشد

کلید واژه‌ها:

اقیانوس، حرکت زمین، زیردریایی

چگونگی حرکت آب‌های اقیانوس‌ها

حرکت «جریان‌های اقیانوسی» به سه عامل بستگی دارد: تابش خورشید، حرکت زمین و جریان‌بادهای

تابش خورشید

می‌دانیم که زمین طوری به دور خورشید می‌گردد که همیشه منطقه استوا در برابر خورشید قرار می‌گیرد؛ یعنی نور خورشید بر استوا تقریباً عمودی می‌تابد. بنابراین، دریاهای نزدیک به استوا، حرارت بیشتری از دریاهای قطبی به دست می‌آورند. این عامل به تنهایی کافی است تا آب اقیانوس‌ها را به حرکت درآورد. زیرا خورشید آب‌های سطح دریا را در منطقه استوا گرم و منبسط می‌کند و در نتیجه سطح دریا در استوا چندین سانتی‌متر بالاتر می‌آید. این بالا آمدن سطح آب زیاد نیست، اما همین مقدار کم، نسبت به آب‌های اطراف، شیب مختصری ایجاد می‌کند. لذا این آب‌های گرم استوایی، از دو سو به سوی قطب شمال و قطب جنوب سرازیر می‌شوند؛ در نتیجه آب‌های سرد سنگین‌تر منطقه قطبی زیر این آب‌های گرم فرو می‌روند و

در دریاها و اقیانوس‌ها، رودهای بزرگی جاری هستند که به «جریان‌های دریایی یا اقیانوسی» معروف‌اند. مهم‌ترین و بزرگ‌ترین این جریان‌ها گلف استریم Gulf-Stream، یعنی «جریان خلیجی» است، زیرا نقطه شروع آن از خلیج مکزیک است. گلف استریم ابتدا از کنار ساحل ایالات متحده آمریکا می‌گذرد و سپس به طرف مشرق می‌پیچد و در اقیانوس اطلس پیش می‌رود. وقتی که این جریان از خلیج مکزیک دور شد، رنگ آبی روشن پیدا می‌کند و عرض آن در حدود ۱۶۰ کیلومتر و عمق آن چند صد متر می‌شود. سرعت آن هم بسیار زیاد است و در بیشتر جاها تقریباً روزی ۱۶۰ کیلومتر پیش می‌رود.

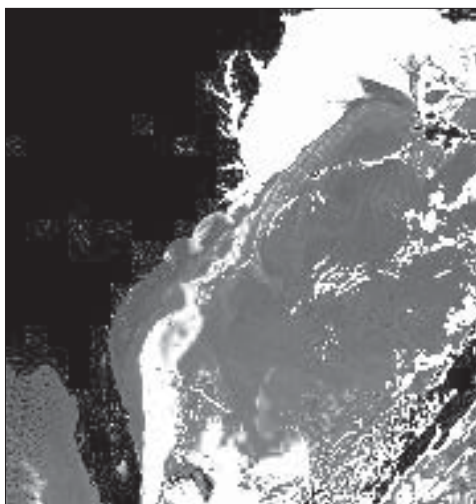
به طور کلی، دمای گلف استریم به اندازه ۱۰ تا ۱۵ درجه زیادتر از دمای آب‌های اطراف خود است. این جریان دریایی، به سوی اروپای شمالی پیش می‌رود و چون درجه حرارت آن زیاد است، هوای بعضی از کشورهای شمالی اروپا را ملایم و مطبوع می‌کند و از شدت سرمای آن‌ها در زمستان می‌کاهد.

■ خورشید
آب‌های سطح
دریا را در
منطقه استوا
گرم و منبسط
می‌کند و
در نتیجه
سطح دریا در
استوا چندین
سانتی‌متر
بالاتر می‌آید

■ جابه‌جا
 شدن آب‌های
 گرم استوایی
 و آب‌های سرد
 قطبی، یکی
 از مهم‌ترین
 عوامل ایجاد
 جریان‌های
 اقیانوسی
 است



در این نقشه،
 جریان کلی
 بادهای نشان
 داده شده
 است. فشار
 این بادهای
 آب‌های
 سطح دریا را
 به حرکت در
 می‌آورد



اسپانیایی‌ها این را فهمیدند که در اطراف خلیج مکزیک، جریان دریایی بزرگی وجود دارد، اما نمی‌دانستند جهت و مسیر آن چگونه است و علت حرکت این رود دریایی چیست.

یکی از نخستین کسانی که به مطالعه علمی جریان‌های اقیانوسی مشغول شد و تأثیر و اهمیت آن را در زندگی انسان اثبات کرد، «بنیامین فرانکلین» بود. فرانکلین متوجه شد کشتی‌های آمریکایی تقریباً دو هفته زودتر از کشتی‌های انگلیسی اقیانوس اطلس را طی می‌کنند. و وقتی علت را از یک ناخدای همشهری‌اش سؤال کرد فهمید که ناخداهای آمریکایی، کشتی‌های خود را روی جریانی می‌رانند که به طرف شرق، از این سو به آن سوی اقیانوس اطلس جریان دارد و سرعت آن حدود شش کیلومتر در ساعت است؛ هم‌چنین در برگشتن، کشتی‌های خود را طوری هدایت می‌کنند که از این جریان برکنار بمانند. فرانکلین بعد از فهمیدن این مطلب، مطالعات خود را ادامه داد و نقشه‌ای کشید که این جریان دریایی را نشان می‌داد و زیر نقشه عبارت «گلف استریم» را نوشت. فرانکلین این نقشه را برای استفاده کشتی‌هایی که اقیانوس اطلس را طی می‌کردند، تهیه کرد و این نخستین نقشه‌ای بود که از یک جریان اقیانوسی کشیده شد.

■ یکی از
 نخستین
 کسانی که به
 مطالعه علمی
 جریان‌های
 اقیانوسی
 مشغول شد و
 تأثیر و اهمیت
 آن را در زندگی
 انسان اثبات
 کرد «بنیامین
 فرانکلین» بود

از همان زیر، آهسته به طرف استوا جریان می‌یابند. این جابه‌جا شدن آب‌های گرم استوایی و آب‌های سرد قطبی، یکی از مهم‌ترین عوامل ایجاد جریان‌های اقیانوسی است.

تأثیر حرکت زمین

می‌دانیم که زمین از مغرب به مشرق به گرد خود می‌چرخد. سرعت گردش زمین در استوا حدود ۱۸۰۰ کیلومتر در ساعت است. این سرعت زیاد باعث می‌شود آب‌های سطح دریا از گردش زمین کمی عقب بمانند و چون گردش زمین به طرف مشرق است، آب‌ها در سواحل غربی اقیانوس‌ها توده می‌شوند و کمی بالا می‌آیند.

گردش زمین نه تنها بر آب‌ها و بادهای، بلکه بر تمام اشیای در حال حرکت، مثل قایق، موشک و حتی بر توپ پرتاب شده هم تأثیر می‌گذارد و باعث می‌شود همه آن‌ها کمی به سوی غرب منحرف شوند. این تغییر جهت را نخستین بار یک قرن پیش، ریاضی‌دانی فرانسوی کشف کرد. از آن پس توپچی‌ها هم دانستند که وقتی به هدف‌های دور دست تیراندازی می‌کنند، اگر بخواهند دقیق باشند، باید این تغییر جهت را حتماً در نظر بگیرند.

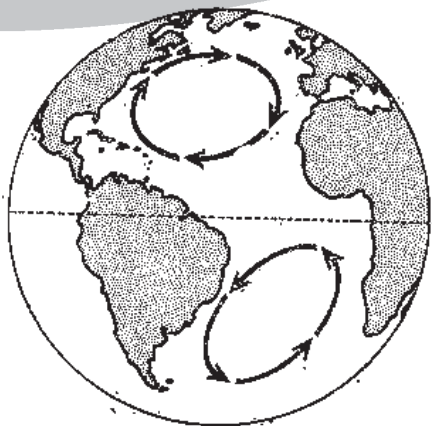
تأثیر بادهای

می‌دانیم که بادهای همیشگی بادهایی هستند که از خارج از منطقه گرم استوایی پیوسته به سوی استوا می‌وزند. بادهای همیشگی در هر دو نیم‌کره به طور اریب به طرف استوا می‌وزند و جهت آن‌ها از شرق به سوی غرب است. فشار شدید این بادهای در شمال و جنوب استوا، آب‌های دریاها را به طرف غرب می‌رانند و همین حرکت آب‌ها به سوی غرب، جریان‌های بزرگی را به وجود می‌آورد.

نتیجه این است که عامل گفته شده، یعنی تابش خورشید، گردش زمین و فشار بادهای، دست به دست هم می‌دهند و «جریان‌های اقیانوسی» را ایجاد می‌کنند.

چگونه و چه وقت گلف استریم شناخته شد؟

در ابتدا گفتیم که در میان جریان‌های اقیانوسی، گلف استریم از همه بزرگ‌تر و مشهورتر است. این جریان در زمان کشفیات دریانوردان اسپانیایی شناخته شد. در حدود ۵۰۰ سال پیش،



مسیر جریان آب‌ها در نیم کره‌های شمالی و جنوبی



که حدود ۲۰۰۰ کیلومتر عرض و ۴۰۰۰ کیلومتر طول دارد. آب این منطقه گرم بی حرکت است و از گیاهان دریایی مخصوصی پوشیده شده که در گذشته همیشه باعث ترس دریانوردان و مسافران کشتی‌ها می شده است. دریانوردان مدت‌ها عقیده داشتند که این گیاهان دریایی می توانند کشتی‌های بی احتیاط را به دام اندازند. به همین سبب، تقریباً تا ۸۰ سال پیش، کشتی‌های بخار خودشان را از این منطقه دور نگه می داشتند، زیرا می ترسیدند این گیاهان عجیب به پروانه‌های کشتی بپیچند و کشتی را گرفتار و متوقف کنند.

جریان‌های دریایی دیگر

غیر از آب گرم گلف استریم و آب سرد لابرادور، جریان‌های دریایی دیگری هم وجود دارند که مشهورترین آن‌ها، جریان آب گرم کورو شیو^(۱) است که از کنار جزیره فر (تایوان) و جزایر ژاپن می گذرد. این جریان تقریباً مانند گلف استریم است، اما در اقیانوس آرام جریان دارد. پس همان‌طور که گلف استریم باعث ابر و رطوبت و باران در شمال غربی اروپا می شود، جریان کورو شیو هم در شمال غربی ایالات متحده آمریکا رطوبت و باران ایجاد می کند.

یک جریان دریایی سودمند و زبان‌آور

در اقیانوس آرام، جریان آب نیرومندی وجود دارد که کنار از ساحل آمریکای جنوبی می گذرد و آب خنک را از مناطق جنوبی به سوی سواحل گرم شمالی حمل می کند و نعمت و غذای فراوانی به همراه می آورد. در این جریان، به اندازه‌های ماهی وجود دارد که ماهی‌گیران این سواحل را می توان از خوشبخت‌ترین ماهی‌گیران دنیا دانست. همین جریان باعث شده است که به

گلف استریم مشهورتر از همه

گلف استریم هنوز هم مشهورترین جریان دریایی است. گلف استریم یک قسمت از گرداب بزرگی است که تمام حوزه شمالی اقیانوس اطلس را فرا می گیرد. قبلاً گفتیم که آب‌های منطقه استوا گرم‌تر از مناطق دیگر است و دانستیم که این آب‌های گرم، تحت تأثیر حرکت زمین و وزش بادهای همیشگی، به طرف مغرب رانده می شوند. به این صورت، در اقیانوس اطلس و در شمال خط استوا، جریان آبی به سوی غرب ایجاد می شود و این جریان در حقیقت نقطه شروع گرداب عظیمی است که یک ضلع آن گلف استریم را تشکیل می دهد. این جریان عظیم، مقدار زیادی آب به سوی سواحل غربی حمل می کند. قسمت‌هایی از این جریان به این سو و آن سو منحرف می شود، اما قسمت بیشتر آن به سوی غرب حرکت می کند و با فشار بادهای همیشگی، از میان کوبا و سواحل آمریکای مرکزی می گذرد، به داخل خلیج مکزیک راه می یابد و چون ساحل خلیج راه آن را سد می کند، آب در مقابل ساحل توده می شود و سطح آن تقریباً ۲۰ سانتی متر بالا می آید. این جریان گرم استوایی که راهش به وسیله ساحل بسته شده است، ناچار به تندی به طرف شمال شرق می چرخد و از راه میان فلوریدا و کوبا به درون اقیانوس اطلس سرازیر می شود و جریانی را به وجود می آورد که به «گلف استریم» مشهور است. گلف استریم از کنار فلوریدا که می گذرد، سرعتی بیش از ۹ کیلومتر در ساعت دارد و عرض آن بیش از ۹۰ کیلومتر و عمق آن حدود ۵۰۰ متر است و در هر دقیقه بیش از ۴ میلیون تن آب را حرکت می دهد. این مقدار آب، هزار برابر مقدار آبی است که رود «می‌سی‌سی‌پی»، یعنی بزرگ‌ترین رود ایالات متحده آمریکا جابه‌جا می کند.

این جریان عظیم سپس به سوی شمال شرق منحرف می شود و به طرف سواحل اروپای شمالی پیش می رود. اما قبل از این تغییر مسیر، آب گرم و آبی گلف استریم با آب‌های سرد و سبز «لابرادور»^(۱) برخورد می کند. جریان سرد لابرادور از مناطق قطبی به سوی جنوب جریان دارد. این برخورد آب‌های سرد و گرم، امواجی از مه به وجود می آورد و از پیشرفت جریان گلف استریم می کاهد.

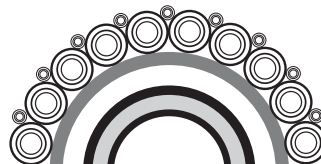
جریان لابرادور از مناطق قطبی که حرکت می کند، هر ساله صدها کوه یخ شناور را با خود حمل می کند. تعدادی از این کوه‌های یخ تا گلف استریم و خطوط کشتی‌رانی اقیانوس اطلس پیش می آیند. گلف استریم در حدود ده روز یا کمتر قادر است که ۱۵۰/۰۰۰ قطعه از این یخ‌ها را آب کند. اگر آب گرم گلف استریم نبود، شاید این کوه‌های یخ، خطرهای زیادی برای کشتی‌ها ایجاد می کردند.

گلف استریم در نیمه راه اقیانوس اطلس به دو قسمت تقسیم می شود: قسمتی به سوی شمال اروپا و مناطق قطبی پیش می رود و قسمت دیگر آن به سوی جنوب دور می زند تا در مقابل برآمدگی آفریقا دوباره به جریان استوایی شمالی بپیوندد. به این صورت است که گرداب بزرگی در اقیانوس اطلس شمالی ایجاد می شود که در حقیقت گلف استریم یک ضلع آن را تشکیل می دهد.

منطقه عجیب!

وسط این گرداب عظیم، منطقه عجیب و بزرگی قرار دارد

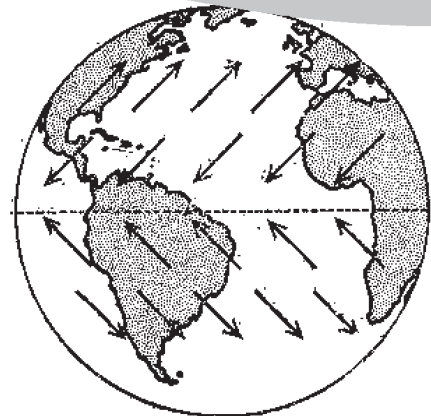
■ گلف استریم هنوز هم مشهورترین جریان دریایی است. گلف استریم یک قسمت از گرداب بزرگی است که تمام حوزه شمالی اقیانوس اطلس را فرا می گیرد



حسین فخره
معلم نمونه کشور
اصفهان، کاشان

حسین فخره معلمی از شهر کاشان است و بیش از ۲۶ سال سابقه خدمت دارد. وی دارای مدرک کارشناسی الهیات و معارف اسلامی و کارشناسی ارشد مدیریت دولتی است. در رده‌های آموزشی از ابتدایی تا دبیرستان و کارشناسی انجام مسئولیت کرده و در ضمن مسئولیت پایگاه بسیج شهدای معلم شهر کاشان را به عهده دارد. پیش از این در منطقه و استان معلم نمونه شده بود و در سال ۸۹-۹۰ نیز معلم نمونه کشوری شد. علاوه بر این که بیش از ۲۰ بار رتبه‌هایی را در همایش‌ها و جشنواره‌ها کسب کرده است. آقای فخره تألیفاتی نیز اعم از کتاب و مقاله دارد که از آن جمله است: صبح آینه‌ها، مدیریت علمی، ویژگی‌های معلم در قرن ۲۱، مدارس هوشمند.

زیردریایی های
آلمانی در
جنگ جهانی
دوم از جریان
آب های سطح
و عمق دریای
مدیترانه سود
می جستند و
باموتورهای
خاموش حرکت
می کردند



آب حساب و محل زیردریایی های دشمن را دقیقاً تعیین می کردند و آن ها را هدف قرار می دادند. از آن پس بود که آمریکایی ها در جنگ با ژاپن نیز، همیشه زیردریایی های خود را در مناطقی از دریا نگه می داشتند یا حرکت می دادند که با آب های بالاتر یا پایین تر از خود، اختلاف درجه حرارت داشت.

حرکت زیردریایی ها با موتور خاموش

جریان های دریایی غالباً مورد استفاده کشتی های جنگی قرار گرفته اند. مثلاً در جنگ جهانی دوم، زیردریایی ها و کشتی های آلمانی از این جریان ها در دریای مدیترانه به خوبی استفاده می کردند، زیرا تبخیر آب دریای مدیترانه زیاد است و این تبخیر زیاد، نمک و غلظت آب های سطح دریا را زیاد می کند. بنابراین، آب های غلیظ تر و سنگین تر سطح دریا به عمق فرو می روند و از همان زیر به طرف غرب جریان پیدا می کنند، و از میان تنگه جبل الطارق که بین دریای مدیترانه و اقیانوس اطلس قرار دارد می گذرند، و تا مسافت زیادی در اقیانوس اطلس پیش می روند. طبیعی است که آب های کم نمک تر و سبک تر اقیانوس اطلس، از رو به طرف مدیترانه حرکت می کنند تا جای خالی آن آب ها را پر کنند. در نتیجه، دو جریان دریایی در مدیترانه به وجود می آید که یکی از زیر دریا به طرف اقیانوس اطلس حرکت می کند و دیگری روی دریا از سمت اقیانوس اطلس به سوی مدیترانه جریان دارد.

در جنگ جهانی دوم، زیر دریایی های آلمانی که از این جریان ها اطلاع داشتند، وقتی می خواستند از تنگه جبل الطارق عبور کنند، موتور کشتی های خود را خاموش و با جریان آب حرکت می کردند، زیرا جبل الطارق پایگاه بزرگ دریایی انگلستان بود و صدای موتور زیردریایی ها، پایگاه انگلیس را از وجود دشمن آگاه می کرد.

زیردریایی های آلمانی در جنگ جهانی دوم از جریان آب های سطح و عمق دریای مدیترانه سود می جستند و با موتورهای خاموش حرکت می کردند.

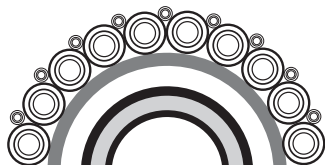
پی نوشت

1. Labrador
2. Kuro Shio
3. Peru Current

خصوص در «پرو» که یکی از کشورهای آمریکای جنوبی است، ناوگان ماهی گیری بزرگ و ثروتمندی به وجود آید. به همین دلیل، این جریان به جریان پرو^(۳) مشهور شده است. در اطراف این جریان، میلیون ها پرندۀ دریایی و ماهی خوار زندگی می کنند. این پرندگان در ماهی گیری با ماهی گیران رقابت می کنند، زیرا در سال سه میلیون تن ماهی صید می کنند. در عوض فضله های آن ها در ساحل روی هم جمع می شود و باعث به وجود آمدن صنایع کودسازی مهمی می گردد. متأسفانه هر چند سال یکبار، این جریان آب متوقف می شود و آب گرم شمالی جای جریان خنک جنوبی را می گیرد. در نتیجه ماهی ها نابود می شوند و میلیون ها پرندۀ ماهی خوار هم از گرسنگی می میرند و ناگزیر، صنایع تولید کود از فضله پرندگان نیز تعطیل می شود و مصیبت و بدبختی بر زندگی ماهی گیران سایه می افکند.

حرکت زیردریایی ها با استفاده از جریان های دریایی

گفتم، آب های سرد همیشه زیر آب های گرم قرار می گیرند و در اعماق اقیانوس ها به کندی حرکت می کنند. بنابراین، دمای آب در عمق های متفاوت فرق می کند. در اوایل جنگ جهانی دوم، زیردریایی های آمریکایی که مأمور کشف زیردریایی های آلمانی بودند، نمی توانستند محل زیردریایی های دشمن را پیدا کنند و آن ها را هدف قرار دهند. علت اصلی این ناکامی، همان اختلاف دمای آب در عمق های مختلف بود. زیرا زیردریایی های آلمانی در عمق بیشتر حرکت می کردند و چون آب های زیرین سردتر بود، وقتی امواج صوتی آن ها به آب های بالا که گرم تر بود می رسید، تغییر جهت می داد و باعث می شد کشتی های جنگی آمریکا گمراه شوند و نتوانند به وسیله امواج صوتی موقعیت و محل زیردریایی های آلمانی را معین کنند و آن ها را از بین ببرند. عکس این حالت هم پیش می آمد. یعنی در صورتی که زیردریایی های آلمانی در آب های گرم بالاتر قرار می گرفتند، زمانی که امواج صوتی آن ها به آب های سردتر زیرین می رسید، باز منحرف می شد و کشتی های آمریکایی را سردر گم می کرد. از این رو، دانشمندان آمریکایی به جست و جو و مطالعه مشغول شدند و دستگاهی اختراع کردند که می توانست درجه حرارت مناطقی را که زیردریایی های آلمانی در آن حرکت می کردند، معلوم کند. به این وسیله، کشتی های جنگی آمریکا انحراف صوت را در حرارت های متفاوت



زهراسقا حضرتی (۱۳۴۶)
معلم نمونه کشوری
اصفهان، کاشان

در شهر کاشان متولد شده است. دارای مدرک کاردانی آموزش ابتدایی و کارشناسی مدیریت آموزش است. د رمدارس مختلف کاشان مدیریت و تدریس کرده است. خاتم حضرتی در زمینه امور فرهنگی نیز بسیار فعال بوده است که به پاره ای از آن ها اشاره می شود. کسب رتبه تقدیری مسابقه قلم معلم مجله رشد معلم (۸۱-۸۲)، کسب رتبه اول در پنج سال متوالی در همایش مربیان اهل قلم بسیج، کسب رتبه های برتر در چند سال «پرسش مهر» رتبه اول کشور در فراخوانی پژوهشی آموزش از راه دور (۸۶)، کسب رتبه دوم مقاله نویسی در استان (۸۵-۸۶)، کسب رتبه سوم مقاله نویسی دفتر امور بانوان وزارت آموزش و پرورش (۸۷-۸۸).



«انسان‌ها به سه طریق صاحب خرد می‌شوند: اول با تفکر و اندیشیدن که شریف‌ترین روش است، دوم با کمک تقلید که آسان‌ترین روش است و سوم با تجربه کردن که سخت‌ترین روش است»
[کنفوسیوس، فیلسوف چینی].

کلید واژه‌ها:
تدریس، تدریس اندیشه و ورزش، معلم

تدریس اندیشه و ورزشانه

اشاره

تدریس اندیشه و ورزشانه^۱ رویکردی به تدریس است. بر این اساس که معلمان می‌توانند کیفیت تدریس خود را با تفکر انتقادی نسبت به آن بهبود بخشند. اگر بخواهیم دقیق‌تر بگوییم، تدریس اندیشه و ورزشانه یعنی مشاهده آن‌چه در کلاس انجام می‌گیرد و فکر کردن به این که چرا این کار انجام می‌شود، و این که آیا این روش کارآمد است یا نه. پس تدریس اندیشه و ورزشانه را می‌توان نوعی تدریس همراه با کاوش و بررسی دانست که معلمان را در چرخه تفکر و عمل (تفکر = عمل) - براساس تجربیات حرفه‌ای - درگیر می‌کند.

در این مقاله، ابتدا درباره ویژگی‌های تفکر اندیشمندانه بحث می‌شود. سپس تفاوت‌های معلم پویا یا اندیشه‌ورز با معلم ایستا یا تغییرناپذیر مشخص می‌گردد. در نهایت، مرأی‌هایی که معلمان برای تدریس اندیشه و ورزشانه باید طی کنند، ارائه می‌شود. تدریس اندیشه و ورزشانه رویکردی در آموزش است که در آن معلمان عملکرد خود را تجزیه و تحلیل می‌کنند و می‌کوشند راه‌های بهتری برای دست یافتن به اهداف آموزشی پیدا کنند. مطمئناً این امر به سادگی صورت نمی‌پذیرد، بلکه مستلزم رویکردی نظام‌مند است که طی آن معلمان درباره فرایند تدریس خود اطلاعاتی جمع می‌آورند و دیدگاه‌ها، پیش‌فرض‌های آموزشی، و عملکرد خود را با دیدی انتقادی بررسی می‌کنند. این کار ممکن است به تغییراتی در تدریس معلمان منجر شود.

محمد احمدوند*



ویژگی‌های تفکر اندیشمندان

اندیشیدن شکل خاصی از تفکر است. این گونه تفکر در شک و تردید و پیچیدگی‌هایی ریشه دارد که در یک موقعیت احساس می‌شود و به کاوش هدفمند و حل مسئله منتهی می‌گردد. **بارتلت**^۲ (۱۹۹۰) برای چرخه اندیشیدن مدلی ارائه می‌دهد که در آن معلم باید به پنج سؤال اساسی پاسخ دهد:

۱. من دارم چه کار می‌کنم؟
۲. چه هدفی را دنبال می‌کنم؟
۳. چه طور به نتیجه رسیدم که این روش خوب است؟
۴. آیا می‌توانم به روش دیگری تدریس کنم؟
۵. حالا چه و چگونه باید تدریس کنم؟

پرسش اول ناظر به مشاهدات فردی معلم است. پرسش دوم به دنبال یافتن معنا و مفهومی برای تدریس است. پرسش سوم سعی دارد پیش فرض‌ها و عقاید پنهان در ذهن معلم را در مورد روش کاری‌اش مشخص کند. پرسش چهارم او را وامی‌دارد به دنبال روش‌های جای‌گزین هم باشد. سرانجام پرسش پنجم او را به سوی اقدام براساس تفکرات جدید سوق می‌دهد. رسیدن به هدف اصلی از اندیشیدن، ایجاد خودآگاهی در میان معلمان، به چالش کشیدن دیدگاه‌ها و اعتقادات آن‌ها و کمک به رشد حرفه‌ای و مطلوب‌تر آن‌ها در امر آموزش است. در این میان، بعضی متخصصان امر آموزش، بین دو نوع اندیشه تمایز قائل شده‌اند: «اندیشه در حین عمل» که در فرایند تدریس صورت می‌پذیرد و هدف از آن حل مشکلات غیرمنتظره در طول زمان تدریس است، و «اندیشه درباره عمل» که بعد از فرایند تدریس صورت می‌گیرد و هدف از آن این است که بفهمد آیا آن‌چه در کلاس رخ داده مفید بوده و این‌که آیا تغییراتی در روش کار لازم است یا نه. اما **گیمنز**^۴ (۱۹۹۹) نوع سومی از اندیشه را پیشنهاد می‌کند و آن «اندیشه قبل از تدریس» است که به آمادگی قبلی معلم پیش از شروع تدریس اشاره دارد.

به هر حال، تدریس خوب سه مرحله دارد: مرحله اول آشنا کردن دانش‌آموزان است با موضوع جدید از طریق مرور آموخته‌های قبلی مرتبط با درس جدید. مرحله دوم تدریس و تفهیم درس است. سومین مرحله هم شامل نتیجه‌گیری، جمع‌بندی و مشخص کردن تکالیف دانش‌آموزان می‌شود. در تمام این مراحل، اندیشیدن و تأمل باید جزء مهمی از کار معلم باشد.

ویژگی معلم پویا در مقایسه با معلم ایستا

معلم پویا یا اندیشه‌ورز رویکردی فعال و پویا در تدریس دارد که وی را از دیگر معلمان متمایز می‌کند. این معلم با تطبیق توانایی‌ها و فنون خود در تدریس، با توجه به ویژگی‌های مدرسه، هدف‌های آموزشی درس موردنظر و علاقه‌ها و نیازهای دانش‌آموزان، می‌کوشد برنامه آموزشی موردنظر را به خوبی اجرا کند، در حالی که معلم ایستا، یک روش و محتوای ثابت را در همه موقعیت‌ها و بدون توجه به ویژگی‌های بچه‌ها و مدرسه به کار می‌برد. معلم اندیشه‌ورز پیشرفت آموزشی را با توجه به عواملی مثل سرعت بهبود وضعیت علمی دانش‌آموزان، نیاز آن‌ها به مهارت‌های جسمی و نیز علاقه‌های آن‌ها می‌سنجد، در حالی که معلم ایستا پیشرفت آموزشی را با

توجه به عواملی هم‌چون مقدار مطالبی که در هر سال تحصیلی باید آموزش داده شود، اندازه می‌گیرد.

معلم اندیشه‌ورز در دروس و فعالیت‌های آموزشی تغییراتی ایجاد می‌کند تا با امکانات موجود هم‌خوانی داشته باشند، ولی معلم ایستا دروس و فعالیت‌هایی را که با امکانات موجود هماهنگ نیستند، نادیده می‌گیرد.

معلم اندیشه‌ورز می‌کوشد دلیل مشکلات اجرایی و مدیریت کلاس را بفهمد، انتقادات سازنده دانش‌آموزان را می‌پذیرد و روش‌های آموزشی خود را طبق آن تغییر می‌دهد، در حالی که معلم ایستا مشکلات اداره کلاس را از چشم دانش‌آموزان می‌بیند و برای اصلاح رفتار آن‌ها به اقدامات تنبیهی دست می‌زند.

معلم اندیشه‌ورز به طور مستمر از دانش‌آموزان ارزیابی به عمل می‌آورد، اما معلم ایستا فقط گاهی مواقع ارزیابی انجام می‌دهد.

چگونه معلمی اندیشه‌ورز شویم

گام اول

اولین گام، جمع‌آوری اطلاعات درباره عملکرد کلاسی و روش کار خود است. می‌توانید این کار را به روش‌های زیر انجام دهید:

۱. دفتر یادداشت‌های روزانه تهیه کنید.

در این دفتر، نه تنها وقایعی را که در کلاس رخ می‌دهد، بلکه افکار و احساسات خود و همین‌طور عکس‌العمل دانش‌آموزان را یادداشت کنید. به این نمونه که از دفتر یادداشت یک معلم زبان انگلیسی در کشورهای عربی برداشت شده است، توجه کنید: «همه‌اش نگران بودم که آیا معماهای تصویری کارآمد هستند یا نه. البته قبل از هر کاری، نمونه‌ای از این معماهای تصویری را با کمک عاصف عملاً انجام دادم تا بچه‌ها با روش کار آشنا شوند. این کار را باید در کلاس قبلی هم انجام می‌دادم، اما در آن‌جا فقط روش کار را توضیح دادم. نتیجه کارم در این کلاس عالی بود. حتی هاشم هم با دیگران انگلیسی صحبت می‌کرد. همه از حل کردن معما لذت می‌بردند. برای جلسات بعد، باید چند تا دیگر از این معماها پیدا کنم» [Mohamed, 2006].

۲. از کلاس خود فیلم‌برداری کنید.

یک راه دیگر برای کسب اطلاعات در مورد چگونگی عملکرد، فیلم‌برداری یا ضبط است. البته قبل از این کار بچه‌ها را از تصمیم خود آگاه کنید، هر چند بعضی از دانش‌آموزان در این حالت محتاط‌تر شده و تمایل کمتری برای شرکت در فعالیت‌های کلاسی از خود نشان می‌دهند. نوار ضبط شده، در مورد نسبت زمان صحبت کردن شما و بچه‌ها، این‌که آیا به همه آن‌ها توجه یکسانی مبذول داشته‌اید یا نه، حرکات شما در کلاس، تن صدایتان، وضوح توضیحات و دستورات شما، محل ایستادن و ... به شما اطلاعاتی می‌دهد.

۳. از خود دانش‌آموزان بازخورد بگیرید.

نظر دانش‌آموزان را درباره روش تدریستان، به صورت گروهی یا انفرادی بپرسید. از آن‌ها بپرسید از چه قسمت از کار خوششان آمده و از کدام قسمت بدشان آمده است. می‌توانید به آن‌ها پرسش‌نامه یا حتی تکه کاغذی بدهید تا نظرشان را

■ **تدریس خوب سه مرحله دارد: مرحله اول آشنا کردن دانش‌آموزان است با موضوع جدید. مرحله دوم تدریس و تفهیم درس است. سومین مرحله هم شامل نتیجه‌گیری، جمع‌بندی و مشخص کردن تکالیف دانش‌آموزان می‌شود**

■ **معلم اندیشه‌ورز انتقادات سازنده دانش‌آموزان را می‌پذیرد و روش‌های آموزشی خود را طبق آن تغییر می‌دهد**

معلم ایستا، یک روش و محتوای ثابت را در همه موقعیت‌ها و بدون توجه به ویژگی‌های بچه‌ها و مدرسه به کار می‌برد

نتیجه

تدریس اندیشه‌ورز راه‌هایی کاربردی و عملی برای حل مشکلات و ضعف‌ها در اختیار معلم قرار می‌دهد که به رشد مهارت‌های حرفه‌ای او منجر می‌شود. با این رویکرد، معلمان دیدگاه‌ها و نظرات خود را در مورد تدریس با دیگران مبادله می‌کنند. معلمان اندیشمند را وامی‌دارد به دلایل و تفکراتی که پشت اعمالشان وجود دارد توجه کنند و تعادل بهتری بین فرضیات آموزشی و نیازهای دانش‌آموزان برقرار سازند. اگرچه موانعی هم‌چون کمبود وقت، ترس از شکست، ترس از مورد قضاوت قرار گرفتن توسط دیگران و... بر سر راه تدریس اندیشه‌ورزانه وجود دارند، نتایج حاصل از اتخاذ چنین رویکردی، بسیار فراتر و والاتر است. وقتی معلمی به صورت علمی و نظام‌مند درباره فرایند تدریس خود می‌اندیشد، ممکن است در نهایت تصمیم بگیرد روش متفاوتی در پیش بگیرد، یا حتی به این نتیجه برسد که روش تدریس فعلی او بهترین است. رشد و پویایی حرفه‌ای هم که از معلم انتظار می‌رود همین است و چیزی بیشتر از این نیست.

پی‌نوشت

1. reflective teaching
2. critical thinking
3. Bartlett
4. Gimenez

منابع

1. Bartlett, L. (1990). In A. Pickett. Reflective Teaching Practices and Academic Skills Instruction. Internet Article. <http://www.indiana.edu/~1506/mod02/pickett.html>
2. Gimenez, T. (1999). Reflective Teaching and teacher education contribution from teacher training. Internet Article. http://www.rle.ucpel.tche.br/php/edicoes/v2n2/F_gimenez.pdf
3. Mohamed, N. (2006). Reflective Teaching: improving teaching through systematic inquiry. Internet Article. <http://www.bse.edu/Academics/education/mission/reflection.htm>

* کارشناس ارشد آموزش زبان انگلیسی و مدرس دانشگاه و دبیر آموزش و پرورش

بنویسند. این نظر می‌تواند درباره روش تدریس شما به طور کلی، یا جنبه‌ای از کار-مثلاً سؤالاتی که برای تعمیق فهم دانش‌آموزان مطرح می‌کنید-باشد. دانش‌آموزان این طور مواقع معمولاً روراست هستند و پیشنهادات خوبی خواهند داد.

۴. از یک همکار نزدیک بخواهید از کلاستان بازدید کند. منظور از بازدید و مشاهده، بررسی هدفمند فرایند تدریس از طریق روش‌های نظام‌مند جمع‌آوری اطلاعات و تجزیه و تحلیل این اطلاعات است. بازدید رسمی توسط مافوق معمولاً تنش‌زاست، اما دریافت بازخورد در مورد تدریس از یک همکار یا دوست نزدیک این‌طور نیست. می‌توانید از همکاران بخواهید روی جنبه خاصی از تدریس شما (مثلاً نحوه تعامل با بچه‌ها) یا تدریس شما به طور کلی تمرکز کند. بلافاصله بعد از پایان درس، نکات موردنظر را با همکاران بحث کنید.

گام دوم

بعد از جمع‌آوری اطلاعات لازم در مورد روش تدریس و کلاس‌داری خود، باید چند کار انجام دهید:

۱. فکر کنید.

با دقت کردن در اطلاعات به دست آمده از گام اول، ممکن است متوجه الگوهای یکنواخت در کار خود شوید. ممکن است از نکاتی آگاه شوید که قبلاً از آن‌ها غفلت می‌کرده‌اید. ممکن است از بازخورد بچه‌ها متعجب شوید و حتی ممکن است تصمیم بگیرید تغییراتی انجام دهید. برای روشن شدن ذهن خود، به سؤالات زیر پاسخ دهید:

* هدف‌های آموزشی و رفتاری (برای این درس خاص) چه بودند؟

* من چه‌طور قصد داشتم به این اهداف دست یابم؟

* چه اتفاقی افتاد؟

* احساس من در مورد این اتفاق چیست؟

* آیا می‌توانم از روش دیگری برای رسیدن به این اهداف استفاده کنم؟

۲. صحبت کنید.

با یک همکار صمیمی، یک دوست، یا استادان دانشگاه، در مورد نکات قوت و ضعف کار خود و هر آنچه که کشف کرده‌اید، صحبت کنید. آن‌ها ممکن است ایده‌های جدیدی به شما بدهند و روش‌های دیگری پیشنهاد کنند.

۳. مطالعه کنید.

اگر در مورد نکته یا روش خاصی به اطلاعات بیشتر نیاز دارید، کتاب‌ها و مجلات زیادی هستند که می‌توانید مطالعه کنید. حتی می‌توانید گشتی در اینترنت بزنید، به پایگاه‌های رایانه‌ای مخصوص معلمان بروید و مقالات خوبی به دست آورید.

۴. امتحان کنید.

دفعه بعد که به کلاس می‌روید، ایده‌ها و روش‌های جدید را امتحان کنید. دوباره به وقایع کلاستان دقت کنید و درباره نتیجه کار فکر کنید. یادتان باشد که اندیشیدن فرایندی مداوم و چرخه‌دار است.

دفعه بعد که به کلاس می‌روید، ایده‌ها و روش‌های جدید را امتحان کنید. دوباره به وقایع کلاستان دقت کنید و درباره نتیجه کار فکر کنید





پله اول یادگیری

کلید واژه‌ها:
تدریس، تدریس اندیشه ورزانه، معلم

ارتقای نگرش مثبت دانش‌آموزان به آموزش زبان انگلیسی

اشاره

آموزش زبان انگلیسی یا هر زبان خارجی دیگری، مشکل خاص ما ایرانیان نیست، بلکه در هر کشوری به نوعی وجود دارد. با توجه به عنوان این مقاله، به نظر می‌رسد مشکل اصلی در این زمینه، «نگرش منفی» یا حداقل نگرش نه چندان مثبتی است که دانش‌آموزان همه کشورها اصولاً به زبان‌های بیگانه دارند؛ طوری که حتی آموزش زبان عربی هم در کشور ما از این جهت تفاوتی با زبان انگلیسی ندارد. منظور از نگرش منفی هم این است که دانش‌آموزان از همان آغاز با این زبان احساس بیگانگی می‌کنند و حتی تا آخرین سال دوره متوسطه آن را غریبه می‌پندارند و همواره با «نگاه غرض‌آلود» به آن می‌نگرند. نتیجه این که یاددهی و یادگیری این زبان با دشواری بسیار صورت می‌گیرد و در نهایت هم چنان که می‌دانیم، نمره متوسط یا میانگین دانش‌آموختگان ما از زبان انگلیسی پس از حداقل هفت سال زبان خواندن در آزمون‌های ورودی دانشگاه‌ها بسیار پایین است.

مقاله‌ای که می‌خوانید، از این جهت اهمیت دارد که نویسندگان آن «اهل یونان» هستند؛ یعنی کشوری که هم‌چون ما زبان انگلیسی در مدارس آن به عنوان زبانی بیگانه تدریس می‌شود و به احتمال زیاد، یونانی‌ها هم با مشکلاتی چون مشکلات ما در ایران روبه‌رو هستند. ما مطالعه این مقاله را علاوه بر دبیران زبان انگلیسی، به دیگر معلمان عزیز توصیه می‌کنیم، زیرا حاوی نکاتی است که ممکن است در ایجاد نگرش مثبت به درس‌های دیگر هم به کار آید.

به مشارکت و توانایی زبانی بیشتری برخورد دارند. نگرش دانش‌آموزان به زبان بیگانه، تحت تأثیر عوامل چهارگانه روابط معلم-دانش‌آموز، فضای کلی کلاس، فعالیت‌ها و مواد آموزشی شکل می‌گیرد.

مقاله‌ای که در این مورد می‌خوانید، ماهیتاً کاربردی است و هدف آن ارائه راهبردها و پیشنهادهایی عملی است که

نحوه نگرش زبان‌آموزان هر کشور نسبت به زبان بیگانه‌ای که می‌آموزند، بر میزان یادگیری آن‌ها تأثیرگذار است. این موضوع مورد توافق بسیاری از صاحب‌نظران است. دانش‌آموزانی که مثلاً نسبت به یادگیری زبان انگلیسی نگرش مثبتی دارند، نه تنها کمتر در معرض اضطراب ناشی از یادگیری زبان بیگانه قرار می‌گیرند، بلکه از انگیزه و تمایل



می‌تواند به معلمان زبان انگلیسی کمک کند تا نگرش مثبت دانش‌آموزان خود را نسبت به یادگیری این زبان به عنوان زبانی خارجی افزایش دهند.

روابط معلم- دانش‌آموز

معلمان می‌توانند با دانش‌آموز خود رابطه دوستانه ایجاد کنند. با فرض این که شما، خواننده این مطلب، دبیر زبان انگلیسی هستید، برخی از رفتارهای مناسب را که می‌توانند بر این رابطه تأثیر بگذارند، یادآور می‌شویم:

۱. رفتار هر روز شما در کلاس درس اهمیت دارد. همه ما می‌دانیم که بیشتر دانش‌آموزان از معلمان خود الگو برداری می‌کنند. بنابراین، معلمان برای برانگیختن دانش‌آموزان به یادگیری زبان انگلیسی، باید خودشان علاقه‌مند به این زبان، خوش اخلاق و صمیمی باشند. پس، به دانش‌آموزانتان نشان دهید که واقعاً به آن‌ها توجه دارید و بیش از آن که بخواهید از آن‌ها انتقاد یا خطایشان را تصحیح کنید، قصد دارید کمکشان کنید تا در به کارگیری زبان انگلیسی «مهارت» پیدا کنند. از آن‌جا که دانش‌آموزان، معلمان را دوست دارند که رفتاری صمیمانه و قابل اعتماد داشته باشند و به آن‌ها اهمیت بدهند، همیشه برای تدریس آمادگی داشته باشید و نسبت به پاسخ‌گویی به سؤالات دانش‌آموزانتان ابراز علاقه کنید.

۲. با دانش‌آموزان خود صمیمی و صادقانه برخورد کنید. ایجاد صمیمیت و یکرنگی از دو طریق کلامی (به زبان آوردن کلمات مزاح‌گونه و نامیدن دانش‌آموزان با اسم کوچک) و غیر کلامی (برقراری ارتباط از طریق نگاه کردن و رفتارهای مثبت از قبیل لبخند زدن) امکان‌پذیر است. چنین رفتارهایی در ایجاد انگیزه برای یادگیری مؤثر است و از اضطراب ناشی از یادگیری زبان بیگانه می‌کاهد.

۳. بدون توجه به میزان مهارت زبانی دانش‌آموزان، به همه آن‌ها فرصت کافی برای پاسخ‌گویی بدهید.

اگر دانش‌آموزی قادر نیست به سؤال شما پاسخ دهد، به جای نام بردن از دانش‌آموز دیگر، به همان دانش‌آموز کمک کنید تا بتواند پاسخ را پیدا کند. برای این کار می‌توان از تکنیک‌های زیر استفاده کرد:

- فکر کردن با صدای بلند

- راهنمایی با ایما و اشاره

- بازخورد مناسب دادن به او

۴. کمک به دانش‌آموز برای تکمیل تمرین یا پاسخ سؤال از همه دانش‌آموزان به یک اندازه انتظار داشته باشید. تفاوت‌هایی مانند جنسیت، قومیت، پیشینه خانوادگی و مانند این‌ها، نباید بر انتظارات شما از دانش‌آموزان تأثیر بگذارد. همواره به خاطر داشته باشید که در آموزش زبان انگلیسی، مشارکت فعال، عامل اصلی برای ترغیب دانش‌آموزان در یادگیری این زبان است و معلمان باید به شرکت دادن همه آن‌ها در کلاس درس اهتمام ورزند. پس به منظور جلوگیری از بروز رفتارهایی که سطح انتظارات شما را از برخی دانش‌آموزانتان پایین می‌آورد، باید از کاربرد این شیوه‌ها در کار خود اجتناب کنید:

- شرکت ندادن دانش‌آموزان ضعیف در پاسخ‌گویی به

سؤالات؛

- کمتر راهنمایی کردن دانش‌آموزانی که در دادن پاسخ مشکل دارند (پاسخ را نمی‌دانند، فراموش کرده‌اند، قادر به بیان منظور خود نیستند و...)

- کم‌توجهی به دانش‌آموزانی که عملکرد ضعیفی دارند؛ - انتقاد از دانش‌آموزان ضعیف در مواقعی که از آن‌ها اشتباهاتی سر می‌زند؛

- کمتر لبخند زدن، کمتر منتظر ماندن برای دریافت پاسخ، دورتر ایستادن یا نگاه نکردن به دانش‌آموزان ضعیف؛

۵. علت بی‌علاقگی دانش‌آموز به زبان انگلیسی را که می‌تواند ناشی از شکست‌های پیشین او باشد، شناسایی کنید. معمولاً شکست‌ها برای مثال کسب نمره پایین در امتحان، مهم‌ترین عامل پایین آمدن انگیزه و عزت نفس دانش‌آموزان هستند. یکی از اولویت‌هایی که در امر آموزش باید به آن توجه شود، این است که با وجود عملکرد قبلی بد یک دانش‌آموز، با او به گونه‌ای رفتار کنید که نشان دهد شما موفقیت بعدی او را خواهید. به چنین دانش‌آموزانی بگویید که انتظار دارید همه‌شان یک «شروع تازه» داشته باشند. نشان دهید که به توانایی‌هایشان ایمان دارید و در کنارشان هستید تا به آن‌ها کمک کنید.

۶. دانش‌آموزان را به طور مناسب و به فراخور حال هریک تشویق کنید.

تشویق می‌تواند منتقل‌کننده «تأثیر مثبت معلم» باشد و این امری بدیهی است. با این حال، تشویق در چنین درسی باید متناسب با «عملکرد زبانی» دانش‌آموزان صورت پذیرد. برای مثال، اگر دانش‌آموزی خیلی ضعیف را برای پاسخ دادن به یک سؤال ساده بیشتر از اندازه تشویق کنید، ممکن است این رفتار در نزد دانش‌آموزان دیگر این گونه تفسیر شود که شما نسبت به توانایی‌های او اعتماد کافی ندارید و به اصطلاح او را خیلی دست کم می‌گیرید! بنابراین تشویق باید متناسب و در زمان مشاهده عملکرد مورد انتظار انجام شود. انتقاد هم باید با هدف بیان روش عملکرد بهتر به دانش‌آموزان و به دور از هر گونه موضع‌گیری‌های شخصی، یا شماتت و سرزنش باشد.

ایجاد فضای روانی مثبت در کلاس

ایجاد نوعی «اتحاد کلاسی» که در آن دانش‌آموزان هنگام سخن گفتن به زبان انگلیسی، احساس آزادی بیان داشته باشند، بسیار حائز اهمیت است. منظور این است که معلم باید فضایی در کلاسی ایجاد کند که در آن خطاهای بچه‌ها، خود به عنوان بخش طبیعی پیشرفت زبانی تلقی شوند. اگر خطاها مورد تمسخر قرار بگیرند، بعضی از دانش‌آموزان ممکن است از ایجاد ارتباط دچار هراس شوند و در نتیجه تمایلی به برقراری ارتباط با استفاده از زبان بیگانه نداشته باشند. به نظر ما برای ایجاد فضای کلاسی دوستانه و بدون اضطراب، این پیشنهادها می‌تواند سودمند باشد:

۱. در تمرین‌های گفتاری، از قطع کردن صحبت دانش‌آموزان برای تصحیح‌های لحظه‌به‌لحظه و بیش از اندازه خطاهایشان اجتناب کنید. زیرا این کار می‌تواند دانش‌آموز را نسبت به سخن گفتن برای تمرین زبان جدید

■ معلم باید فضایی در کلاسی ایجاد کند که در آن خطاهای بچه‌ها، خود به عنوان بخش طبیعی پیشرفت زبانی تلقی شوند



سازمان‌دهی مؤثر کلاس ضرورت دارد. به منظور ابلاغ قوانین وضع شده به دانش‌آموزان، نصب آن‌ها بر تابلو اعلانات، روش خوبی به نظر می‌رسد.

۵. تعدادی منابع کمک آموزشی نظیر «کتاب‌های کلاسیک زبان انگلیسی» به کلاس بیاورید و در اختیار دانش‌آموزان قرار دهید. این کار می‌تواند به ایجاد انگیزه برای خواندن متون انگلیسی معتبر (مانند ادبیات) در زبان‌آموزان کمک و آن‌ها را با فرهنگ و تاریخ انگلستان (یا آمریکا) آشنا کند.

با دادن تکالیف و متون معتبر به دانش‌آموزان، مواد آموزشی را کامل کنید

کمبود تکالیف و مواد آموزشی مناسب و انگیزه‌بخش، موجب می‌شود دانش‌آموزان نسبت به یادگیری زبان انگلیسی به عنوان زبان بیگانه نظر منفی پیدا کنند. برعکس، مواد آموزشی مناسب و معنادار، توانایی‌های شناختی آن‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد و در آن‌ها انگیزه ایجاد می‌کند. این امکان هم‌چنین علاقه و انگیزه روحی آن‌ها را نیز افزایش می‌دهد. اگر معلمان احساس کنند مواد درسی موجود، متون معتبر کافی را در بر ندارند، باید خودشان با دادن تکالیف و متن‌های مناسب این ضعف را برطرف کنند. مواد و تکالیف معتبر باید براساس راهبردهای زیر انتخاب شود:

الف) با علاقه، دانش و تجربیات روزمره دانش‌آموزان مربوط باشند.

ب) از طریق ایجاد فعالیت‌ها و تکالیفی که برای استفاده از زبان انگلیسی در جهت اهداف ارتباطی صحیح ضروری هستند، استقلال زبان‌آموزان را پرورش دهند.

نتیجه

هریک از عواملی که ذکر شد، تأثیر زیادی بر افزایش نگرش‌های مثبت در دانش‌آموزان نسبت به یادگیری زبان انگلیسی به عنوان زبان دوم دارد. با وجود این، چون این عوامل وجوه مشترک دارند، برای بالا بردن نگرش مثبت، ترکیبی از همه آن‌ها لازم است.

هم‌چنین، معلمان زبان انگلیسی باید توجه داشته باشند که اصول و روش‌های مذکور، راهکارهایی عمومی‌اند و باید آن‌ها را با نیازهای دانش‌آموزان و موقعیت‌های متفاوت تدریس تطبیق دهند.

بالا بردن نگرش‌های مثبت در اثنای یادگیری زبان انگلیسی به عنوان زبانی بیگانه، فرایندی پویاست. معلمان باید دائماً در حال مشاهده کلاس و دانش‌آموزان خود باشند. به این طریق آن‌ها قادر خواهند بود منشأ نارضایتی دانش‌آموزان را تشخیص دهند و دلایل سوءرفتار، بی‌انگیزگی برای یادگیری و عملکرد پایین را شناسایی کنند.

پی‌نوشت

1. A fresh start
2. Classroom community

منبع

the international TESL Journal

بی‌انگیزه کند.

۲. در تصحیح خطاهای نوشتاری دانش‌آموزان، از روش غیرمستقیم استفاده کنید.

صاحب‌نظری گفته است: به جای تصحیح یکایک خطاهای دانش‌آموزان، آن‌ها را از نوع و محل وقوع خطا آگاه سازید. چرا که دانش‌آموزان اصولاً در مواجهه با نوشته‌های خود که مملو از موارد تصحیح شده توسط معلم است، اعتماد به نفس خود را از دست می‌دهند و احساس شکست و بی‌انگیزگی می‌کنند.

۳. مجموعه‌ای از مقررات کلاسی منصفانه را وضع کنید که شامل حال همه دانش‌آموزان بشود.

مثلاً برای همه دانش‌آموزان این موضوع را روشن کنید که مسخره کردن پاسخ اشتباه دوستان خود، انجام ندادن تکلیف و بروز این‌گونه رفتارهای نامناسب، به هیچ عنوان پذیرفته نیست.

۴. در کلاس فضای همکاری متقابل ایجاد کنید. طرح‌های گروهی، چه بلند مدت و چه کوتاه مدت، به جای برنامه‌های روزانه می‌تواند دانش‌آموزان را در معرض فرایند یادگیری زبان قرار و انگیزه آن‌ها را افزایش دهد. این کار باعث می‌شود دانش‌آموزان احساس کنند برون‌داد زبانی آن‌ها دائماً در حال ارزیابی نیست. در نتیجه زبان‌آموزان تمایل بیشتری به تمرین نشان می‌دهند و به جای تأکید بر صحت موارد جزئی زبانی، بر ارتباط مؤثر، که بهره‌وری آن بیشتر است، تمرکز دارند. مزیت دیگر کار گروهی این است که همه دانش‌آموزان در آن‌ها نقشی فعال ایفا می‌کنند. در نتیجه هم باعث بالا رفتن اعتماد به نفس آن‌ها می‌شود و هم به آن‌ها مهارت‌های مشارکت و همکاری را می‌آموزد.

ایجاد فضای کلاسی جذاب

اگرچه متأسفانه بسیاری از معلمان نسبت به اهمیت محیط فیزیکی جذاب و انگیزه‌بخش بی‌توجه‌اند، با وجود این، می‌توانند از محیط کلاسی خود با هر وضعیتی که دارد و در آن یاددهی و یادگیری اتفاق می‌افتد - بهره‌برداری کنند. پیشنهادهای عملی زیر، راهکارهایی است که شما می‌توانید به منظور بهبود وضعیت کلاسی خود، از آن‌ها استفاده کنید:

۱. به چگونگی و ترتیب نشستن دانش‌آموزان توجه کنید. برای مثال، شما می‌توانید در کارهای گروهی یا دوفره با قرار دادن سه یا چهار نیمکت در کنار یکدیگر، باعث تشویق دانش‌آموزان و تسهیل ارتباط و همکاری بین آن‌ها شوید.

۲. از تابلوی اعلانات و مکان‌های دیگری در کلاس، که امکان ارائه کارهای دانش‌آموزان بر آن‌ها وجود دارد، استفاده کنید. این مکان‌ها برای به نمایش گذاشتن کارهای دانش‌آموزان مانند تکالیف و طرح‌های گروهی مناسب‌اند.

۳. پوسترها، نقشه‌ها و بریده‌های روزنامه می‌تواند به منظور ایجاد انگیزه برای بحث‌های کلاسی مورد استفاده قرار گیرد. پوسترها هم‌چنین می‌توانند دانش‌آموزان را با عناصر فرهنگی کشورهای انگلیسی زبان آشنا کنند.

۴. وضع قوانین و ابلاغ دستورالعمل‌های کلاسی برای

چگونگی

با تقواترین شما

یا ایها النَّاس، انا خلقناکم من ذَّکرٍ وَاُنْثی و جعلناکم شعوباً و قبائل لتعارفوا، ان اکرمکم عندالله اتقیکم. [حجرات آیه ۱۴]
ای مردم، ما همه شما را نخست از زن و مردی آفریدیم و آن‌گاه شعبه‌های بسیار و فرق مختلف گردانیدیم تا یکدیگر را بشناسید. همانا بزرگوارترین و با افتخارترین شما نزد خدا با تقواترین شماست.

علم ارجمند

اَوْضَعَ الْعِلْمَ مَا وَقَفَ عَلَى اللِّسَانِ وَ أَرْفَعَهُ مَا ظَهَرَ فِي الْجَوَارِحِ وَ الْأَرْكَانِ [تهج البلاغه، حکمت ۹۱].
کم ارزش‌ترین علم آن است که فقط بر سر زبان باشد و ارجمندترین علم آن که با جوارح و ارکان یادگیرنده آمیخته باشد.

این جهان کوه تو

یکی مرغ بر کوه بنشست و خاست
بر آن‌که چه افزود و زان‌که چه کاست؟
تو آن مرغی و این جهان کوه تو
چو مُردی جهان را چه اندوه تو؟

حکیم سنایی غزنوی

سیر و سنگ

مردی با سپری بزرگ به جنگ
ملاحله رفته بود از قلعه سنگی بزرگ
سروش زنند و شکستند، زنجیر و
گفت: «ای مردی، کوری؟» سپری
بلین بزرگی نمی‌بینی و سنگی بزرگ
سر من می‌زنی؟

عیدزاکانی

یک مری

کمیوس (۱۶۷۰ - ۱۵۹۲م)
یوهان آموس کمیوس اهل کشور چک بود. وی عقیده داشت که تنها راه پیش‌گیری از افتادن انسان‌ها به دام نزاع و جنگ و سبزه گسترش فرهنگ و دانش عمومی است. منظور او از دانش عمومی سه چیز بود: علوم تجربی، عقل و دین.
کمیوس از نخستین مریان اروپایی است که می‌گفت موضوعات درسی را باید متناسب با من دانش آموز انتخاب کرد. او اولین کتاب تصویری را برای کودکان به نام «دنیای دیدنی» نوشت و بسیار پیش از فروید - بنیان‌گذار آموزش نونهالان - در اندیشه تربیت پیش‌دستانی بود.

حساب جدات فاسده

فقیه ابوالحسن علی‌بن عیسی گفت:
آن‌گاه که نفس در سینه ابوریحان به شماره افتاده بود، بر بالین وی حاضر آمدم. در آن حال از من پرسید: "حساب جدات فاسده" را که وقتی مرا گفتم، بازگویی که چگونه بود. گفتم: اکنون چه جای این سؤال است؟ گفت: ای مرد، کدام یک از این دو امر بهتر است. این مسئله بدانم و بمیرم و یا ندانسته و جاهل درگذرم؟ من آن مسئله با وی گفتم و او قرار گرفت. آن‌گاه از نزد وی بازگشتم... هنوز قسمتی از راه را نیموده بودم که شیون از خانه او برخاست!

میراث معنوی
 میراث معنوی، میراثی است که در ذهن و قلب انسان نهفته است و به واسطه آن، انسان می‌تواند به دیگران انتقال دهد. میراث معنوی، میراثی است که در ذهن و قلب انسان نهفته است و به واسطه آن، انسان می‌تواند به دیگران انتقال دهد.

شعرهایی که می‌خواندیم

پسر بی هنر

داشت عباسقلی خان پسری
 پسر بی ادب و بی هنری
 اسم او بود علی مردان خان
 کلفت خانه زدستش به امان
 بس که بود آن پسر خیره و بد
 همه از او بدشان می‌آمد
 هر چه می‌گفت الله لیج می‌کرد
 دهنش را به الله کیج می‌کرد
 هر کجا لانه گنجشکی بود
 بچه گنجشک درآوردی زود
 هر چه می‌دادند می‌گفت کم است
 مادرش مات که این چه شکم است
 نه پدر راضی از او نه مادر
 نه معلم، نه الله نه نوکر
 ای پسر جان من این قصه بخوان
 تو مشو مثل علی مردان خان
 فارسی اول دبستان، ۱۳۳۱



ایرج میرزا

پند ساعت

تک تک ساعت چه گوید، گوش دار
 گویدت بیدار باش ای هوشیار
 از تن آسانی و بیکاری بترس
 هم مشو یک ثانیه غافل زدرس
 عقربک آهسته پندت می‌دهد
 پند شیرین تر زقندت می‌دهد
 گویدت جانا گذشته در گذشت
 هیچ عاقل گرد بگذشته نگشت
 هم چو من پر طاقت و ورزنده باش
 روز تا شب در غم آینده باش
 تنبلی آرد به چشمان تو خواب
 می‌شود آینده‌ات یک سر خراب
 زندگی پیوسته با آینده است
 هر که را آینده باشد زنده است
 هر که او غافل زآینده بود
 در بر آیندگان بنده شود
 فارسی دوم دبستان، ۱۳۲۱



ملک الشعرای بهار

تقسیم عادلانه

میان مردم عقل از هر
 چیز بهتر تقسیم شده
 است، زیرا هر کسی بهره
 خود را از آن چنان تمام
 می‌داند که مردمانی که
 در هر چیز دیگر بسیار
 دیرپسندند، از عقل بیش
 از آن چه دارند، آرزو
 نمی‌کنند.

دکارت _ فیلسوف

فرانسوی



سنانی و بیدل، اگر چه
 هر یک در سرزمینی
 زندگی می‌کردند که
 اکنون وضع سیاسی و
 اداری جداگانه دارد،
 همه از اعضای برجسته
 این فرهنگ بزرگانند.
 و فرخی، منوچهری،
 عطار، سعدی، عراقی،
 خواجو، حافظ و صائب
 و ده‌ها سخنور بزرگ
 دیگر، اگر چه زاده و
 پرورده سرزمین کنونی
 ایران بوده‌اند، به همه
 کشورهای وارث این
 فرهنگ عظیم نیز تعلق
 دارند. اگر در میراث
 مادی کثرت شریکان
 مطلوب نیست، در میراث
 معنوی، شریک هر چه
 بیشتر بهتر.



برویژ نائل خانلری

کتاب‌های شما

در دوره جدید، برآنیم تنها کتاب‌هایی را در این صفحه معرفی کنیم که مؤلفان آن‌ها معلم هستند. امیدواریم خواندن این آثار که حاصل تجربه‌های همکاران ما و شماسست، بیش از سایر خواندنی‌ها، در ایفای وظیفه معلمی، رهگشا باشد. اگر شما همکار فرهنگی و معلم هستید و دستی بر قلم دارید کتابی نگاشته‌اید، نمونه‌ای از آن را به دفتر مجله بفرستید تا هم معلمان مؤلف را بیشتر بشناسیم و هم کتابتان را به دیگر همکاران و خوانندگان مجله معرفی کنیم.

است. نهمین شماره این نشریه که در اردیبهشت ماه سال گذشته، به مناسبت روز معلم منتشر شد، در واقع ویژه‌نامه‌ای برای آموزش و پرورش خوی بود و لذا شایسته تقدیر. روی جلد این شماره به تصویریری از نخستین مدرسه این شهر یعنی مدرسه خسروی (۱۳۱۵) که اکنون نام آن به «الغیا» تغییر یافته، مزین شده است. اهم مطالب و عناوین این شماره به شرح زیر است:

زمزمه محبت. دکتر ابراهیم فتح‌اللهی / مردان خورشید خوی. دکتر حسین قاسم‌پور مقدم / به شهر خود روم و شهریار خود باشم. گفت‌وگو با دکتر غلامعلی اخروی. زمین‌شناس برجسته / مروری کوتاه بر تاریخچه آموزش و پرورش خوی. جبار هنرور / تنها معلم جبر و مثلثات و ریاضی خوی من بودم. گفت‌وگو با آقای اسماعیل طالبی / معلمان بزرگ ایران، دکتر محمدامین ریاحی. اسفندیار معتمدی / خوی برای من مثل آیدین ایران ماست. گفت‌وگو با دکتر محرم آقازاده / با شهید کوچری عقد اخوت داشتم. گفت‌وگو با صادق قدکچی / معرفی کتاب. علی صدراپی (کتاب

تاریخچه قرآن و پندهای آسمانی

— نویسنده: سیده محبوبه سیدی
— ناشر: انتشارات کیمیا قوام. تهران. ۱۳۸۷.

سیده محبوبه سیدی دبیر عربی مدارس شهرستان کرج است.

انگشت اشاره‌ات کجرا نشانده رفته است؟

— نویسنده: دکتر حسین اسکندری
— ناشر: نشر نسیم [۰۲۱-۳۳۷۹۰۳۲۴]. تهران، ۱۳۹۰.

دکتر حسین اسکندری استاد دانشکده علوم تربیتی دانشگاه علامه طباطبائی است. وی سردبیر پیشین مجله رشد معلم بوده است. کتاب حاضر نوشته‌هایی کوتاه و نجواگونه با خداست و هر یک در حال و هوای خاصی نوشته شده است.

خوی‌نگار

«خوی‌نگار» نشریه‌ای است که هر ماهه از «مجمع خوبی‌های مقیم استان تهران» منتشر می‌کنند و هدف از آن شناساندن شهر خوی، تاریخ، فرهنگ و مردم آن به دیگران

مردی در ساعت صفر (مجموعه شعر)

— نویسنده: سید محمد آتشی
— ناشر: فصل پنجم [۰۲۱-۶۶۹۰۹۸۴۷]. تهران. ۱۳۸۹.

سید محمد آتشی، دبیر مدرسه راهنمایی امام سجاده در شهر ابرکوه استان یزد است.

روزنه آفتاب (مروری بر اعجاز قرآن کریم)

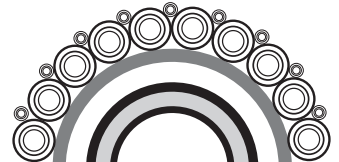
— نویسنده: دکتر فضل‌الله خالقیان
— ناشر: مدرسه [۰۲۱-۸۸۱۰۰۳۲۴۹]. تهران. ۱۳۸۹.

دکتر فضل‌الله خالقیان مدرس قرآن و معارف اسلامی در مرکز تربیت معلم شهید * در شهری است.

معلمان برگزیده و اسوه‌های جاوید

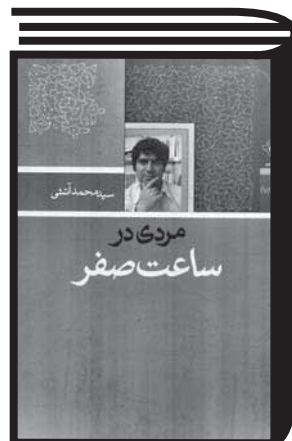
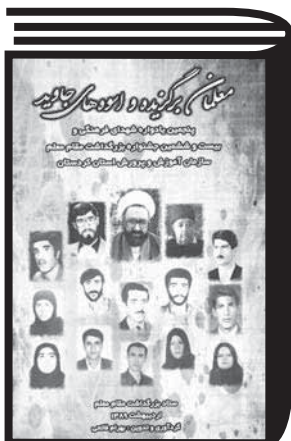
— به کوشش بهرام فاتحی
— ناشر: ستاد بزرگداشت مقام معلم استان کردستان. ۱۳۸۹.

بهرام فاتحی کارشناس شاغل در پژوهشکده تعلیم و تربیت استان کردستان است.



گیسور نوری

معلم نمونه کشوری، اصفهان
معرفی خانم نوری را به قلم ایشان از دو هفته‌نامه پرتومهر، نقل می‌کنیم: من هم‌اکنون در سمت معاون آموزشی دبستان شهید ثانی ناحیه یک اصفهان فعالیت می‌کنم. در طول ۲۷ سال فعالیت آموزشی و تربیتی خود در سمت آموزگار، دبیر دانش‌سرای تربیت معلم، آموزگار کلاس چند پایه، مدیر، معلم، راهنمای آموزشی، کارشناس آموزش دبستانی و پیش‌دبستانی، معاون و مدرس مراکز تربیت معلم انجام وظیفه نمودم. دانش‌آموخته تربیت معلم هستم و با علاقه، معلمی را انتخاب نمودم و در مقطع کارشناسی ارشد در رشته علوم تربیتی ادامه تحصیل دادم. در طول فعالیت حرفه‌ای خود همواره تلاش نمودم تا زمینه را برای تبادل تجارب و ارائه پیشنهادهای سازنده و ارتقای دانش، نگرش و مهارت حرفه‌ای خود و همکارانم فراهم سازم.



وبلا گ‌های شما

www.salehabadedu.blogfa.com

این وبلاگ به کوشش مجتبی اعتمادی‌فر و همکار او حسین قزلباش ایجاد شده و عنوان فارسی آن «آموزشگاه ابتدایی صالح‌آباد» در کلات نادری خراسان شمالی است. شعار این وبلاگ جمله‌ای از امام خمینی است: «ابتدایی را دریابید که دانشگاه دیر است». وبلاگ به روز است و شامل مطالب متنوعی دربارهٔ مدرسهٔ صالح‌آباد، مناسبت‌ها، معرفی دانش‌آموزان و... می‌شود. هنگامی که ما وبلاگ را بازدید کردیم (۹۰/۳/۳)، عکس این شش دانش‌آموز ممتاز مدرسه روی سایت بود: امیرعلی جنتی، رضا ساکی، امیررضا رشیدی، سجاد سجایی، زینب جنتی و صادق سجایی. مجتبی اعتمادی‌فر (۱۳۶۱) مدرک کارشناسی آموزش ابتدایی دارد و با ده سال سابقه، در این مدرسه خدمت می‌کند.

www.bojnord1400.blogfa.com

احسان سیدی‌زاده (۱۳۳۴) معلم و مدرس بازنشستهٔ تربیت معلم در رشتهٔ تاریخ است. وی در مشهد و سپس در بجنورد، در مدارس، مرکز تربیت معلم و دانشگاه آزاد اسلامی تدریس کرده است. این معلم اهل قلم و مؤلف، سردبیری روزنامه را نیز تجربه کرده است. آقای سیدی‌زاده این وبلاگ را برای معرفی استان خراسان شمالی و به منظور بهره‌برداری معلمان و دانشجویان ایجاد کرده است. نمونهٔ چند عنوان از مطالب وبلاگ در تاریخ ۹۰/۳/۳ چنین است: انجمن ادبی عارف بجنوردی، برای اولین بار در کتابخانهٔ دهخدا بجنورد، یک درد دل از بهشت اسفراین، وضعیت ادبیات مکتوب قوم گرمانج در خراسان شمالی.

www.gharibi114.blogfa.com

وبلاگ معلم

به نام او که همیشه به یاد ماست. با سلام حضور عزیزان مسئول ماهنامهٔ رشد معلم. بدین وسیله نشانی وبلاگ خود را برای معرفی و اظهار نظر شما و همکاران عزیز در سراسر ایران اسلامی، اعلام می‌دارم. با تشکر. صفر غریبی. کارشناس ارشد مدیریت آموزشی بوشهر

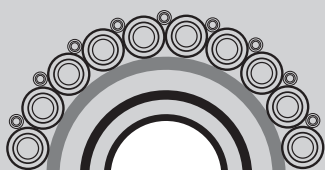
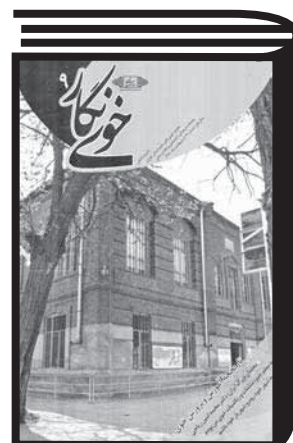
moallemblog.com

با سلام. این روزها وقتی در دنیای بزرگ اینترنت می‌گردم، مطالب فارسی مربوط به تعلیم و تربیت و آموزش و پرورش را به ندرت پیدا می‌کنم. وبلاگ تعدادی از معلمان دل‌سوز را مشاهده می‌کنم که در سرویس‌های وبلاگ‌دهی مختلف، با همان امکانات معمولی وبلاگ‌نویسی، مطلب می‌نویسند. این امر باعث شد که به فکر ایجاد سرویس وبلاگ‌دهی مخصوص معلمان و دانش‌آموزان بيفتم که در آن خدماتی حرفه‌ای و اختصاصی به معلمان ارائه شود و هر روز بر آن‌ها افزوده شود. بر این اساس، سرویس وبلاگ‌دهی «معلم بلاگ» به نشانی اینترنتی مذکور راه‌اندازی کردم. از شما تقاضا دارم این سرویس و امکانات آن را در مجلات رشد و پایگاه اینترنتی‌تان معرفی کنید تا معلمان و دانش‌آموزان عزیز با خیالی راحت در پایگاهی اینترنتی که متعلق به خودشان است، وبلاگ ایجاد و از امکانات آن استفاده کنند. امیدوارم معلمان کشور عزیزمان ایران با استفاده از این سرویس و پایگاه‌هایی که در همین راستا ایجاد خواهند شد، بیشترین سهم را در تولید محتوا در اینترنت داشته باشند.

با تشکر محمد مهدی میرزایی



سال// کوه‌های خوی. عباس ملاعباس‌زاده/ یادی از شادروان دکتر جلیل مسگر نژاد/ یادی از شادروان جهان فاضل، عذرا فاضلی. خوی‌نگار به مسئولیت دکتر ابراهیم فتح‌اللهی و سردبیری ابراهیم اصلانی منتشر می‌شود. برای ایشان آرزوی موفقیت داریم.



حبیب تقوایی (۱۳۴۳)

مدرس و مؤلف مازندران.

حبیب تقوایی در رشتهٔ ادبیات عرب تحصیل کرده و در مازندران به فعالیت اشتغال دارد. اهم فعالیت‌ها و خدمات او عبارتند از: تأسیس انجمن علمی معلمان عربی استان (۱۳۸۲)، مدرس دوره‌های تأمین مدرس عربی کشور، اعزام به مالزی و سوریه (با کسب رتبهٔ اول) به منظور تدریس در مدارس ایرانی، تألیف چندین مقاله و چند جلد کتاب در رشتهٔ عربی و مقالات جهانی شدن زبان عربی، قواعد در ترجمه، قصاید طلایی سید حمیری، علویات ابن‌ابی‌الحدید

آرایشگری ده بیست و آرایشگران

ده بیست و آرایشگران

سال اول استخدامم،
در یکی از روستاهای
محروم منطقه شاهرود
به نام «حسین آباد کالپوش»
مشغول به خدمت شدم. مردم آن
روستا در محرومیت بسیار زندگی
می کردند و از امکانات ضروری
زندگی امروز مانند تلفن و سرویس
رفت و آمد محروم بودند. بنده در دبستان
دخترانه روستا در پایه دوم مشغول به
تدریس شدم.

روزهای اول سال به بچه ها تأکید
کردم که در اسرع وقت موی سر خود
را کوتاه کنند تا مرتب و تمیز باشد.
هر روز که موها را می دیدم تمیز
بود، اما کوتاه نشده بود. یک روز
تصمیم گرفتم خودم موهای آن ها را
کوتاه کنم؛ با این که هیچ اطلاعی از
آرایشگری نداشتم.



بنابراین
بایک قیچی، موی سر همه دانش آموزانم
را که حدود ۳۰ نفر بودند، کوتاه کردم. می توان
تصور کرد که چه بر سر موها آمده بود. از
این که همه بچه ها موهای کوتاه شده
و مرتبی داشتند، خوش حال بودم،
غافل از این که در آن روستا، رسم
و رسومات اجازه نمی داد موهای
دختران را کوتاه کنند.

فردای آن روز، اولیای اکثر
دانش آموزان به مدرسه آمدند
و شکایت مرا نزد مدیر بردند.
از آن زمان به بعد، تصمیم
گرفتم هرگاه خواستم چنین
اعمالی را انجام دهم، قبل از
آن درباره آیین هر منطقه تحقیق
کنم تا خلاف رسوم رفتار نکرده باشم.

منصوره متولی*

* آموزگار شهرستان گرمسار



تکیه کلام!

علی فرخ مهر*

تکیه کلام خانم حیرت «عجب!» بود. در کمتر جمله‌ای، عجب را تکرار نمی‌کرد! به خصوص در شروع جمله. بچه‌ها به تکیه کلام خانم حیرت عادت کرده بودند و گاهی از آن شیطنت‌ها که می‌دانید!

تکیه کلام آقای تصدیق، کلمه «خب» بود. مدام می‌گفت: «خب درست شد؟». این جمله خب درست شد، در اغلب جمله‌های آقای تصدیق خودی نشان می‌داد و انتظاری وسوسه‌گر را به همراه داشت. وسوسه شیطنت و لبخندهای فروخورده و فرو داده و پنهان کرده. تکیه کلام آقای تکرار «بله» است که هر دو بله را پشت سر هم می‌گوید و به یک «بله» قانع نیست. همه پی برده‌اند که آقای تکرار، عادت به تکرار بله دارد: «بله بله».

خانم «او» ناآشنا نیست. اگر در یک متن، دو بار بگویید «او»، جای ایراد نیست، اما اگر کسی وقت بی‌وقت «او» را تکرار کند، چه باید کرد؟ خیلی‌ها به هر حال، او را به کار می‌برند، اما نه به اندازه خانم او. بچه‌های مدرسه سعی کردند تعداد اوهای او را کاهش بدهند، اما خودشان مبتلا به «اوه» شدند! «ه» را به آن افزودند. بدتر از ید! «همی» یکی از نشانه‌های فعل ماضی استمراری است؛ آن هم در قرن‌های چهارم و پنجم، اما معلم خوب کلاس می‌کند! ای کاش متوجه می‌شد و جلوی ضرر را می‌گرفت تا بهانه‌ای دست بچه‌ها نیفتد.

می‌دانیم که ضمیرهای اشاره «این» و «آن» در حالت جمع، به صورت «این‌ها» و «آن‌ها» نوشته می‌شوند. اما چه کنیم با خانم آموزگار کلاس اول ب و خانم ناظم مدرسه ته خیابان سروستان، که «این‌ها» را به صورت «اینها» مدام تکیه کلام خود می‌کند؟ در دنیای معلمی، «زیبا» کلام است و «نه چندان زیبا» کلام؟ در دنیای

معلمی که حکایت

راز کرشمه‌ها در آن نهفته، کدام حرف، کدام حرکت، کدام ژست زیباست و کدام نازیبا؟ در دنیای معلمی، در برابر آن همه چشم‌های بینا چه باید کرد؟ و چه باید گفت که زیبا و موزون و خوش حالت باشد؟ و چه باید کرد تا موجب حرمان نشود؟

برابر هم می‌گذاریم زیبا و زشت را. برازنده و ناموزون را. افتخار و سرافکندگی را. معلمی که نه، سراسر زندگی جلوه‌اضداد است. به خصوص در زندگی معلم جماعت که انگار در شب‌های همیشه مهتاب زندگی می‌کند. کوچک‌ترین حرکت معلم پیداست و توی چشم. به خصوص که او را به انواع صفات و عنوان‌های نیکو بالا برده‌اند و بر قله‌های رفیع نشانده‌اند! حالا چه کند بازخم و درد و مکافات آن سقوط از قله‌ها؟! داشتن تکیه کلام‌های چشم‌گیر، از آن آفت‌های خزنده است که به سرعت آشکار می‌شود. فقط حکایت تبعیض و تنبیه و بی‌نظمی و نداشتن هنر کلاس‌داری و روش‌های نامناسب نیست که معلم رأفت می‌دهد. ادای تکیه کلام‌های نامناسب هم، کار را نازیبا می‌کند. دعوت به اجتناب از تکیه کلام، هشدار به همه‌خویان است که مواظب تکیه کلام‌ها و تکرارهای ناخودآگاه بعضی از حروف باشند؛ این دعوت زیبا، نازیبا بودن را دور می‌کند. تکرار بعضی کلمه‌ها و تکیه کلام‌ها، به کلام شیرین معلم صدمه می‌زند و زیان می‌رساند. چه بهتر که ترک عادت! بچه‌ها چشم بینا و گوش شنوا دارند.

* معلم و مؤلف بازنشته شهر کرج

مدرسه امروز قطعه‌ای از بهشت

گلایه‌ای از نوشته
«مدرسه‌های امروز» در سال گذشته مجله
علی کشمیر

خواستم در خصوص نوشته انتقادی آقای سید
ابراهیم حسینی با عنوان "مدرسه‌های امروز" در ماهنامه
رشد معلم شماره ۷، فروردین ۹۰، نقدی و گلایه‌ای
بکنم.
به منتقد محترم یادآور می‌شوم که من هم متولد
همان سال ۵۱ شمسی‌ام و شروع تحصیلات من
هم مصادف شده بود با هیجانات انقلابی و شور
و شوقی پرشکوه. نگاشته‌اید که «آن روزها معلمان
برعکس اکنون که هرچه می‌بینی...»
پس عزیز، چه قدر دیده‌اید؟! معلمان ما از جان
کلاس‌های درس ما شده‌اید؟! معلمان را پشت
و دل مایه می‌گذارند. تمام مشکلاتشان را پشت
در کلاس‌ها می‌نهند و با چهره‌ای شاد و خندان در
بوستان‌های معرفت مشغول مشق ایشانند؟! از پشت
کدامین عینک به مدرسه می‌نگرید؟ مگر چهار صفحه
جلوتر، نوشتار سجاد میرزی را نخوانده‌اید که از حماسه
ماندگار معلم فداکارش چه زیبا سخن به میان آورده است.
دیگر عصر، عصر دهقان فداکار و ریز علی خواجه‌ای
نیست. عصر حضور محمود رضای واعظی نسب و
معلم فداکار گیلائی حسن
امیدزاده است که برای
نجات دانش‌آموزش،
خودش را به دست
آتش می‌سپارد. سرور
عزیزم، اشتباه نفرمایید،
در قضاوت عجله نکنید!
با دیدن یک مدرسه، درباره
همه مدرسه‌ها و معلم‌ها بدبین
نشوید! فضای آموزش و پرورش
و فضای مدرسه



پاک‌تر از آن چیزی است که "هری پاتر" ها و "جومونگ" ها بتوانند آن را تسخیر کنند.

«مدرسه قطعه‌ای از بهشت است که خداوند آن را به زمینان اهدا کرده است»

باور کنید ادبیات ایران آن‌طور هم خالی از قهرمان نمانده است که بخواهیم برای افسانه‌سازی و اسطوره‌انگاری، حماسه‌تختی و پوریای ولی بسازیم؟ حماسه محمدحسین فهمیده را فراموش کرده‌اید که به هری پاتر برخورد کرده‌اید. میان‌داران امروز مدارس ما نخبگان علمی هستند که بر تارک آموزش و پرورش ما می‌درخشند. اختراعات و ابتکارات و ثبت انواع دستاوردهای دانش‌آموزی، سندی مبرهن بر این مدعاست. اگر آن روز عناوینی چون «خدا یکی است» و خواندن حمد و سوره را یاد گرفته‌اید، امروز به لطف خدا شروع

به کار پنجاه هزار مدرسه قرآنی در سراسر کشور در همین آموزش و پرورش به ظاهر مذموم شما کلید خورده است و هزاران دانش‌آموز در همین آموزش و پرورش جزو حافظان کل قرآن و قاریان برتر مشغول به تحصیل اند. آموزش و پرورش محل الصاق برجسب باری و کف و سوت و هورا نیست. جشنواره‌های علمی فیزیک و شیمی و رایانه و پرواز اندیشه‌ها و المپیادهای علمی فیزیک و شیمی و رایانه کسب مدال‌های جهانی المپیادهای علمی فیزیک و شیمی و رایانه در همین آموزش و پرورش فراهم می‌شود تا جایی که از همین چمستان محروم ما که در جغرافیای ایران هم آن را به سختی پیدا می‌کنید، مدال طلای مسابقات بین‌المللی کشور کره جنوبی (ساخت گهواره هوشمند) به گردن دانش‌آموز ما آویخته می‌شود. من به عنوان مدیر یک بسیار سبز و روشن برای آموزش و پرورش عزیز متقلد، آینده‌ای خوش و خرمی را برای تمامی دانش‌آموزان متصورم و سال‌های خوش و خرمی را برای تمامی دانش‌آموزان ایران زمین آرزو مند.

* مدیر مجتمع آموزشی پرورشی نیمایوشیج، آلودشت چمستان

جایزه من را بدهید!

علی اکبر ارشادی*



کلاس اول بودم. یک روز که تازه کتاب فارسی را شروع کرده بودیم، من روان و بدون غلط خواندم. آخر قبل از این که مدرسه بیایم، دو سالی در روستا مکتب رفته بودم. هر روز که درس فارسی داشتیم، من روان و بی غلط می‌خواندم. املا هم که آقا معلم گفت، بیست شدم. ریاضی هم همین‌طور. آخر یک روز بعد از این که آقا معلم بیستم را داد، گفت: «برایت جایزه می‌آورم.» خانه که رفتم، خوش حال بودم. هی دلم می‌خواست زودتر فردا شود و من جایزه‌ام را بگیرم. شب همه‌اش در فکر جایزه‌ام بودم. بالاخره خوابم برد. صبح، زودتر از همیشه به مدرسه رفتم. بالاخره وقت کلاس شد و سر کلاس رفتم. احساس کردم آن روز آقا معلم دیرتر از همیشه آمد، اما بالاخره آمد. منتظر بودم جایزه‌ام را بدهد. ولی انگار آقا معلم یادش رفته بود. خواستم به او بگویم، ولی رویم نشد. دوستم عباس که باهم در یک نیمکت می‌نشستیم، به دادم رسید و به آقا معلم گفت: «آقا، به سعید جایزه نمی‌دید؟!» آقا معلم گفت: «آه! یادم رفت! فردا»

فردا، باز آقا معلم یادش رفت و من چه قدر ساعت‌ها را می‌شمردم. دعا می‌کردم فردا آقا معلم یادش نرود و جایزه مرا بیاورد. خودم هم دیگر خجالت نمی‌کشیدم و همه‌اش به آقا معلم می‌گفتم: «آقا! جایزه نمی‌یاری؟!» تا این که یک روز، آقا معلم دست در جیب شلوارش کرد و اسکناسی بیرون آورد. به من گفت: «برو یک مداد، یک دفتر و یک تراش بخر و بیاار!»

مداد شکل عروسک و به رنگ قرمز بود. هنوز یادمه! الان سال‌ها از آن زمان گذشته است، آقا معلممان باز نشسته شده است. آن مدرسه را هم خراب کرده‌اند. هنوز هر وقت مداد می‌بینم، یاد آن مداد عروسکی می‌افتم!

* منطقه قروه در جزین (استان همدان) آموزش و پرورش

ارزیابی شما از مجله

با تشکر از دوستان و همکارانی که در ارزیابی مجله شرکت کردند و نظر خود را برای ما فرستادند، در این جا نتیجه کلی ارزیابی را برای شما منتشر می کنیم و امیدواریم بتوانیم در این دوره، نشریه ای با کیفیت تر از پیش به شما تقدیم کنیم. ارقام داده شده درصد پاسخ هایی است که شما داده اید.

ردیف	سؤال: ارزیابی شما از مطالب و محتوای مجله چیست؟	ضعیف	متوسط	خوب	عالی
۱	عکس یا تصویر چهره های فرهنگی-آموزشی معاصر روی جلد	۳/۷	۱۰/۳	۴۲	۴۴
۲	معرفی هنرمندان خوش نویس (صفحه ۲ جلد)	۰	۷	۴۰	۵۳
۳	سرمقاله	۰	۸	۴۰	۲۵
۴	یاد ایام	۰	۱۱	۳۵	۵۴
۵	گفت و گوها (با افراد صاحب نظر)	۰	۸	۴۰	۵۲
۶	گفت و گوها (با مدیران کل استان ها)	۰	۷	۴۳	۵۰
۷	این گونه باشیم (شرح سوره حجرات)	۰/۸	۵/۷	۲۹/۵	۶۴
۸	فرهنگ، ادب و آموزش (شعر)	۲	۱۵	۳۷	۴۶
۹	مقالات و نوشته های علمی، آموزشی و تاریخی	۰/۸	۹/۷	۳۱/۵	۵۸
۱۰	مقالات همکاران	۱	۱۲	۳۵	۵۲
۱۱	معلمان بزرگ ایران	۰/۸	۸/۵	۲۷/۷	۶۳
۱۲	ویلاگ معلمان	۱	۱۴	۵۳	۳۳
۱۳	معرفی کتاب	۱	۱۴	۵۲	۳۳
۱۴	خاطرات و تجربه ها	۱	۱۰	۳۷	۵۲
۱۵	جدول کلمات متقاطع	۳	۱۵	۳۸/۵	۴۳/۵
۱۶	ویژه نامه شماره ۲۵۰ (مهرماه)	۰	۱۱	۳۵	۵۴
۱۷	ویژه نامه آموزش ضمن خدمت (شماره ۴- دی ماه)	۲	۹	۳۱	۵۸
۱۸	معرفی ده معلم در حاشیه صفحات	۰/۵	۵	۲۲/۵	۷۳
۱۹	نظرات دیگر: پاره ای از نظرات رسیده در پاسخ به این سؤال به تدریج در مجله درج خواهد شد.				

برندگان جدول ۶ (اسفند ۸۹)

اشراف نوازی (تهران)، معصومه کردجری (تهران)، زری سعیدی نایینی (اصفهان)، علی دهقانان زواره (زواره اصفهان)، معصومه امراللهی (تهران)، فریبا بهروش (تهران)، خدیجه صادقی (تهران)، کارکنان آموزشگاه برخوار (اصفهان)، شهلا کاظمی (تهران)، طیبه خانی (تهران).

برندگان جدول ۷ (فروردین ۹۰)

منصور مقدم (اصفهان)، سیده فاطمه جوادی نیا (گیلان)، حسین احمدی محمدآبادی (کاشان)، سیدحسین نژاد حسینی (کاشان)، مرتضی فرجی (بابل)، مریم مؤذنی زواره (زواره اصفهان)، اختر سعادت (تهران)، لیلا عبادی (اردبیل)، محمدجواد لطفی (آذرشهر گلستان)، نورعلی بابایی (آبیک قزوین).

